

اقتصاد

سال پنجم / شماره ۶۹

فروردین ماه ۱۴۰۱ قیمت ۱۵۰۰۰ تومان

نخستین ماهنامه اقتصادی - اجتماعی دوزبانه

● خطر حضور عربستان در بازار برق منطقه چقدر برای ایران جدی است؟

سایه سنگین عربستان بر بازار صادراتی ایران

● کارشناسان: می توان از تجربه چین در توسعه شبکه ملی اطلاعات استفاده کرد

سیطره ثول شرقی بر فضای مجازی ایران؟

● مجلس: دولت حاضر نیست مسئولیت حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی را بپذیرد

کشنگش ارزی پهارستان = پاستور

● شاهنامه بورس آخرش خوش است؟

اوپامات ناتمام تالار شیشه‌ای

● تهران در نگرش‌های سیاست خارجی خود تغییر می دهد

تاییدشکنی؟



«افق تازه» از وام مسکن تا حق ناچیز مسکن گزارش می دهد

Syria 'scene of convergence of coop. between Iran, Russia'

روپایی خانه دار شدن

World media coverage of Iran-China strategic partnership

Widespread media coverage of Raeisi's visit to Moscow



پایگاه تحلیلی - خبری

افوژتازه



www.ofoghetazenews.com

در پیچه‌ای رو به اخبار ایران و جهان

https://t.me/news_tadbir

ofoghetazeh@gmail.com

استفاده از ماسک توسط شهروندان و مسافران در ایستگاه های قطار متروی تهران و حومه الزامی است .



شرکت مترو تهران ۱۳۹۵ آرمین شهرستان تهران و حومه



محمد فاضلی
جامعه‌شناس

پیش شرط توسعه

شما هیچ وقت به مشارکت در کارزارها برای مخالفت با مسأله‌هایی نظیر طرح سیانت، نه به پتروشیمی میانکاله یا موافقت با رفتن زنان به ورزشگاه یا هر کارزار دیگری که خودتان آن را مهم می‌دانید و اثراتش فکر کرده‌اید؟ آیا شما این گونه مشارکت‌ها در تلاش جمعی برای پیش بردن یک مطالبه را مؤثر می‌دانید؟ بگذارید یک نگاه جامعه‌شناختی مهم به کارزارها را مختصر توضیح بدهم.

ادوارد بنفیلد در کتاب مبانی اخلاقی یک جامعه عقب‌مانده برای توصیف یک جماعت روستایی جنوب ایتالیا از مفهوم «خانواده گرایی غیر اخلاقی» استفاده می‌کند. بنفیلد فهمید که مردم این منطقه علائقشان فقط محدود به خانواده‌شان است و بیرون از دایره تنگ خانواده، افراد به هم اعتماد نمی‌کنند و حتی از مسئولیت نسبت به گروه‌های بزرگ‌تر ندارند، خواه محله، کلیسا، روستا یا ملت باشد. (فوکویاما، کتاب اعتماد، ص. ۸۰) آلکسی دو تو کوئل، متفکر فرانسوی قرن نوزدهم در کتاب رژیم قدیم و انقلاب فرانسه می‌نویسد «زمانی که انقلاب آغاز شد در اغلب مناطق فرانسه یافتن حتی ده مرد که عادت به عمل هماهنگ و دفاع از منافع‌شان بدون یاری جستن از قدرت متمرکز داشته باشند، ناممکن بود.» (همان)

جامعه‌ای که نخواهد عقب‌مانده باشد بین خانواده (عرصه روابط و علائق محدود گرم و عاطفی) و حکومت (حیطه روابط سرد و مبتنی بر قدرت متمرکز و اغلب منفعت طلبانه) به عرصه واسط و میانی نیاز دارد. جایی که شهروندان در کنار هم: مسائل‌شان را طرح می‌کنند؛ درباره منافع‌شان با یکدیگر گفت‌وگو می‌کنند؛ به اختلافات و تفاوت‌های‌شان با دیگران می‌پردازند؛ احساس عاطفی با هم بودن و فراتر رفتن از خانواده را تجربه می‌کنند؛ احساس ملت بودن و نیروی جمعی برای حل مسائل‌شان و ایستادن در برابر اقدامات مخالف منافع‌شان را به دست می‌آورند. اگر از این منظر به «فراتر رفتن از خانواده و احساس ملت بودن» به عنوان یکی از پیش شرط‌های توسعه و گریز از عقب‌ماندگی نگاه کنیم، آن‌گاه مشارکت در کارزارها برای مخالفت با آن‌چه نمی‌پسندیم و احساس می‌کنیم به زبان منافع مردم و ملت است، و حتی تلاش برای تعریف کارزارها و مطالبه‌گری مدنی، راهی برای گریز از عقب‌ماندگی است.

مشارکت در کارزارها، تمرین کار جمعی کردن است، بیرون آمدن از تنهایی و احساس خفگی بدون اکسیژن حیات اجتماعی، و زیستن در فضایی است که احساس می‌کنیم دیگران را در کنار خودمان داریم.

مشارکت در هر امر اجتماعی، چیزی از جنس کارزارها که به ما حس «ما بودن» بدهد، یا تشکیل انجمن و سازمان جمعی، به خودی خود امری مثبت، سازنده و از شروط ملت شدن؛ و قدرت یافتن برای خلق اعتماد و کار جمعی کردن برای توسعه است.

■ صاحب امتیاز و مدیر مسئول: **امیر دینانی**

■ رئیس شورای سیاست‌گذاری: **سید ابوالفضل بهره دار**

■ سردبیر و قائم مقام مدیر مسئول: **محیا سادات بهره دار**

■ **تحریریه:** ایلیاس حرفوش عبدالرحمن فتح الهی -

شروین غفاری عباس محمدی -

فاطمه کریمی - سیامک نصر الهی

فاطمه دینانی - بیت الله ستاریان

معصومه نیکنام - حامد صالح آبادی

مجید بهره مند - نگار علی

پونه ترابی - فرزانه پیری

■ **واحدبازرگانی:** سید محسن بهره دار

■ **ترجمه:** فاطمه دینانی

■ **گرافیک و صفحه‌آرایی و عکس:** استودیو برنز

■ **چاپ:** گل آذین

■ **توزیع:** پدیده نوین

استفاده از مطالب این ماهنامه با ذکر منبع «افق تازه»
بلامانع است.

آدرس: میدان هفت تیر - ابتدای خیابان کریمخان زند

رو به روی داروخانه ۱۳ آبان - مجتمع تجاری اداری

کریمخان - برج A - طبقه ۵ - واحد A۵۱

تلفن: ۸۸۸۶۷۵۲۴ - فکس: ۸۸۳۴۶۳۷۷

www.ofoghetazehnews.com

ofoghetazeh@gmail.com

ofoghetazeh@yahoo.com



در این شماره می خوانید

- ۴..... فامیل سالاری یاور فسادسالاری.....
- ۶..... قانون زوری!.....
- ۸..... دولت دلدادگان!.....
- ۱۲..... تابوشکنی؟.....
- ۱۴..... سیاست خارجی، خط قرمز تسویه حساب‌های سیاسی.....
- ۱۶..... نگاه به شرق.....
- ۱۸..... عربستان به مسابقه تسلیحاتی خاورمیانه دامن می‌زند.....
- ۲۰..... سیطره غول شرقی بر فضای مجازی ایران؟.....
- ۲۲..... ابهامات ناتمام تالار شیشه‌ای.....
- ۲۴..... ابعاد تکان‌دهنده از ایمنی خودروهای داخلی.....
- ۲۶..... کشمکش ارزی بهارستان - پاستور.....
- ۲۷..... صنعت رو به افول ریلی.....
- ۲۸..... مکانیسم هوشمندانه برای رشد اقتصادی.....
- ۲۹..... فروشگاه‌های زنجیره‌ای منجر به گرانی کالاها می‌شود؟.....
- ۳۲..... تأمین امنیت غذایی با ترویج باغبانی شهری.....
- ۳۴..... تصمیمات تهدیدی!.....
- ۳۵..... مناقشه ادامه دار ایربگی خودروها.....
- ۳۶..... دیپلماسی انرژی ایران و روسیه.....
- ۳۸..... جذب سرمایه گذاران خارجی از شعار تا عمل.....
- ۴۰..... شکاف حقوقی.....
- ۴۲..... ایران تهدید جدی برای روسیه.....
- ۴۶..... پشت پرده حضور چینی‌ها در پروژه‌های ایران.....
- ۴۷..... کارگران در انتظار جبران قدرت خرید.....
- ۴۸..... گمرک؛ پاتوق کالاهای ممنوعه!.....
- ۵۰..... اوضاع نگران کننده صندوق بازنشستگی.....
- ۵۴..... جوانان را آنقدر آزاده کرده‌ایم که همه می‌خواهند فرار کنند!.....
- ۵۵..... چالش عیدی!.....
- ۵۶..... ساماندهی «کودکان کار» شاید وقتی دیگر.....
- ۵۸..... «اومیکرون» هم می‌کشد و هم عوارضش باقی می‌ماند.....



سایه سنگین عربستان بر بازار صادراتی ایران

۱۰



اقتصاد غیررسمی عامل کوچ ۵۰ میلیونی!

۳۰



اما و اگرهای ساخت سالانه یک میلیون مسکن

۴۴



زنان؛ بیشترین مهاجران ایران

۵۲

سیاسیون تاکید کردند:

فامیل سالاری یاور فسادسالاری

جواد مرشدی

رئیس‌ی در مورد جنگ روانی نیز گفت: من نمی‌خواهم روی شخص خاصی انگشت اتهام بگذارم و بگویم این اتفاق افتاده، من می‌خواهم بگویم این اتفاق دارد می‌افتد. چراکه کنترل بدنه دولت از دست رئیس دولت خارج شده است، شاید هم اطلاعات و گزارش‌های غلط به ایشان می‌دهند.

■ **اعظمی ساردویی، نماینده مجلس: مستندات زیادی از انتصابات فامیلی منتشر شده است**

ذبیح‌الله اعظمی ساردویی با بیان اینکه انتصابات فامیلی - رفاقتی وجود دارد و بدون شک باز هم خواهد بود، رسانه‌ها را موظف دانست تا مستندات این انتصابات را پس از راستی‌آزمایی، منتشر و اطلاع‌رسانی کنند. این عضو کمیسیون کشاورزی ادامه داد: نمی‌خواهم در مقابل رئیس‌جمهور بیستم ولی این انتصابات اتفاق افتاده و مستندات بسیاری از آن هم منتشر شده است. اعظمی ساردویی با بیان اینکه از همان ابتدای دولت در وزارتخانه‌ها، استانداری‌ها و سازمان‌ها و ادارات مختلف، کم‌وبیش، شاهد انتصابات فامیلی - رفاقتی بوده‌ایم، تأکید کرد: کسی نمی‌تواند واقعیت وجود این انتصابات را انکار کند.

■ **نجف زاده، نماینده مجلس: دولت باید**

پاسخگوی اعتراض‌ها و انتقادها باشد
عادل نجف زاده، عضو کمیسیون عمران مجلس نیز تأکید کرد: انتظار ما از دولت سیزدهم، توجه به برنامه رئیس‌ی در زمینه عدالت و رزری در تمام حوزه‌های توسعه‌ای است و توسعه‌ای اتفاق نخواهد افتاد مگر اینکه ما کار را به کاردان بسپاریم. او ادامه داد: درباره انتصابات فامیلی - رفاقتی باید دو بحث را از یکدیگر تفکیک کرد تا بتوان به

دارد که کنترل آن را از عهده رئیس‌جمهور نیز خارج می‌کند اما انکار واقعیت انتصابات فامیلی هم پسندیده و قابل دفاع نیست. میبیدی با بیان اینکه در جامعه ما بر انداختن دو چیز کار سختی است یکی فساد اداری که ساختاری شده و دوم مسئله فامیل سالاری که آن هم ساختاری شده، افزود: حالا چه کسی می‌خواهد بیاید و با این دو پدیده تلخ مبارزه کند؟ من نمی‌دانم. این فعال سیاسی اصلاح طلب ادامه داد: تا زمانی که مسئله دموکراسی به معنای واقعی، مشق حاکمان سیاسی کشورمان نباشد، این دو پدیده تلخ هم وجود خواهند داشت. انتصابات بسیار آزاد و شفافیت بسیار خوب، حلال این مشکلات بنیان برافکن است. او گفت: فامیل سالاری یاور و همدست فساد سالاری است. کسی بخیل نیست که کسی از فامیل خودش آدم کاردان و خوبی را بیاورد و بگذارد ولی خطر اینجاست که فردی را بیاورد که متخصص نباشد و بخواهد ثروتی به هم بزند و فسادی ایجاد کند که این خطرناک است. در کدام جامعه آمار اختلاس مانند ایران بالاست؟ چرا؟ چون کسی که مثلاً رئیس بانک شده، سعی می‌کند معاون خود را از فامیل خودش، مثلاً دامادش منصوب کند تا در نهایت پنهان کاری مشغول اختلاس شوند و خبری بیرون درز نکند. فاضل میبیدی با تأکید بر اینکه رسانه‌ها و خبرنگاران باید حواسشان باشد که در این شبکه‌های فامیلی - رفاقتی، کلاً فساد درونی وجود خواهد داشت افزود: چون به هر حال می‌خواهد پرونده‌ای در کار نباشد و شفافیت وجود نداشته باشد و طبیعتاً فساد هم به وجود می‌آید. نتیجه فامیل سالاری در جامعه می‌شود فساد سالاری. در جامعه ما این موضوع سیستماتیک شده و کی حل می‌شود را فقط خدا می‌داند. وی در مورد گفته

یکی از وعده‌های انتخاباتی رئیس‌ی، «شایسته‌سالاری» در انتصابات بود اما هنوز چند ماه از آغاز به کار دولت سیزدهم نگذشته بود که انتشار خبرهای حاکی از انتصابات فامیلی - رفاقتی در قوه مجریه نیز شروع شد و به علت پر شمار بودن خبرها و تداوم آن مورد توجه افکار عمومی قرار گرفت و حساسیت مردم و کارشناسان را برانگیخت و حتی در مجلس یازدهم همسو با دولت نیز ۳۶ نماینده در تذکری کتبی از انتصاب‌های فامیلی انتقاد کردند. با وجود فشار رسانه‌ها و افکار عمومی این روند همچنان ادامه دارد و کمتر روزی است که خبری درباره انتصاب‌های فامیلی - رفاقتی تازه‌ای، رسانه‌ای نشود. ریشه این انتصاب‌ها چیست؟ آیا به گفته رئیس‌ی، «عملیات روانی» منتقدان است یا واقعیتی که از مرحله انکار گذشته است؟. این موضوع گفت‌وگوی ما با چند فعال سیاسی است که با هم می‌خوانیم:

■ **فاضل میبیدی، فعال سیاسی: فامیل سالاری یاور فسادسالاری است**

حجت‌الاسلام محمد تقی فاضل میبیدی با بیان اینکه چنانچه در جامعه مدنی دموکراسی به معنای واقعی فعال نباشد یا گرفتن و نهادینه شدن شایسته‌سالاری بسیار سخت است، ادامه داد: در چنین جامعه‌ای اغلب وزرایی که در رأس کار قرار می‌گیرند، سعی می‌کنند فامیل‌های خود را روی کار بیاورد. این مسئله تازه‌ای نیست و از قبل هم چنین بوده است. وی با یادآوری وعده انتخاباتی رئیس‌ی در مورد نداشتن انتصابات فامیلی ادامه داد: رئیس‌ی نتوانسته یا نخواسته یا نشده که به وعده خود عمل کند. البته حتی اگر خود رئیس دولت هم بخواهد قطار انتصابات فامیلی را متوقف کند، موفق نخواهد شد زیرا این پدیده علت‌های بسیاری

نتیجه مطلوب رسید. نجف زاده توضیح داد: نخست اینکه در چارچوب استراتژی استفاده حداکثری از نیروهای فرهیخته کشور، اگر فردی دارای شایستگی‌های لازم است، صرفاً به دلیل فامیل با رفیق بودن با مقام یا مسئولی، کنار گذاشته شود و جامعه از توان و خدمات او بی‌بهره بماند. از این نگاه، انتصابات فامیلی معایر شایسته‌سالاری نیست. نجف زاده تصریح کرد: اما اگر افرادی، فقط با تکیه بر مناسبات فامیلی - رفاقتی منصوب شوند و با اشغال کردن پست‌ها، کشور را از خدمت‌رسانی بهترین‌ها و برترین‌ها در پیکره مدیریتی محروم کنند، این اقدامی است که پیشگیری و مقابله با آن ضروری است. او به‌عنوان یک نماینده از دولت خواست تا با کنترل و نظارت مناسب، مانع از لطمه دیدن شایسته‌سالاری از سوی انتصابات فامیلی - رفاقتی شود و افزود: به صلاحیت و شایستگی برخی کسانی که الان در جایگاه‌های مدیریتی کشور نشسته‌اند، شک و شبهه جدی داریم و می‌گوییم مبادا گزینه‌هایی بهتر و شایسته‌تر از این افراد هم باشند که نادیده گرفته شده‌اند. این نماینده مجلس درباره ارزیابی رئیسی که انتقادهای از انتصابات فامیلی را عملیات روانی خوانده، گفت: این انتصابات اتفاق افتاده و از طرف مجلس هم رصد می‌شود. هدف انتقادهای از انتصابات فامیلی هم خدای ناکرده، تخریب دولت نیست بلکه برای شناسایی و مهار این آفت مدیریتی است که آسیب‌های فراوانی برای نظام و مردم دارد. نجف زاده تأکید کرد: دولت باید پاسخگوی اعتراض‌ها و انتقادهای باشد و شفاف‌سازی کند. اگر ادعا می‌شود فلان انتصاب فامیلی - رفاقتی بوده، بررسی کند و اگر انتصابی فقط براساس نسبت فامیلی و بدون داشتن تحصیل و تجربه کافی و مرتبط انجام شده، آن را منتفی کند و اگر انتصاب براساس شایسته‌سالاری بوده به مردم توضیح مستند دهد و اگر هم انتصاب فامیلی ادعایی منتقدان، مبتنی بر شایعه و خلاف واقع است، به مردم اعلام کند. به گفته او، اگر انتصابات فامیلی - رفاقتی، موردی و مصداقی بررسی

و نتیجه اطلاع‌رسانی شود، مردم هم اقناع می‌شوند و حس تخطئه دولت نزد مقامات از میان می‌رود.

■ **قوامی، فعال سیاسی: اطلاع‌رسانی و حتی افشاگری انتصابات فامیلی، حق رسانه است**

ناصر قوامی نماینده دوره ششم، سخن رئیسی درباره «عملیات روانی دانستن انتقادهای از انتصابات فامیلی - رفاقتی را قابل نقد دانست و گفت: وظیفه رسانه‌ها و انتظار جامعه از آنان این است که تخلفات و کاستی‌ها را در هر حوزه‌ای رصد و به مردم اطلاع‌رسانی کنند و انتصابات فامیلی - رفاقتی هم مشمول همین مأموریت رسانه‌ها است. او افزود: خبرنگاران و رسانه‌ها برای انجام وظیفه و اطلاع‌رسانی حرفه‌ای به مردم، نه باید تحت فشار یا اتهام زنی مقامات قرار بگیرند بلکه بالعکس باید از خبرنگاران و رسانه‌ها حمایت کرد و همکاری لازم را داشت زیرا نتیجه کار رسانه‌ها، پالایش نهادهای قدرت و جامعه از فسادها و نابهنجاری‌هاست. این نماینده ادوار مجلس ادامه داد: سوای اطلاع‌رسانی، حتی افشاگری در چارچوب قانون و اخلاق حرفه‌ای، حق رسانه است و مقامات هم اگر خبری کذب یا تحریف شده باشد، تکذیب می‌کنند یا توضیح می‌دهند و نهایتاً هم مردم بهترین قاضی در اختلاف رسانه‌ها و مقامات هستند و طبیعی است، طرح بحث عملیات روانی، بدون پاسخگویی، موردپذیرش مردم نیست. قوامی با اشاره به اینکه فردی که منصوب شده اگر شایستگی و تخصص لازم را داشته باشد اشکال ندارد که فامیل باشد، گفت: اما باید بررسی صلاحیت کرد تا فردی که مثلاً به استانداری یا فرمانداری منصوب شده آیا شرایط لازم برای تصدی این پست را دارد یا به دلیل فامیل بودن با فلان مقام توانسته حکم مدیریتی مهمی را بگیرد. این فعال سیاسی اصلاح طلب تأکید کرد: انتصابات فقط به علت فامیلی - رفاقتی بودن نمی‌توان زیر سؤال برد. مبنای اصلی باید شایسته‌سالاری باشد و اینکه فرد شایسته، فامیل یا رفیق

باشد و نباشد، موضوع فرعی است باید دید فرد منصوب شده شایستگی و تخصص لازم در مورد مسئولیت خود دارد یا خیر؟

■ **علیرضا بیگی، نماینده مجلس: اکتفا به انکار کلامی، گره‌گشا نیست**

احمد علیرضا بیگی عضو کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس هم با بیان اینکه دولت منتقدانی در حوزه‌های مختلف و از جمله انتصابات فامیلی - رفاقتی دارد که مستند و غیرمستند، برخی انتصابات را فامیلی می‌داند و معترض هستند، افزود: راهکار مقابله با این چالش، فقط شفافیت و اطلاع‌رسانی مستند و بهنگام است تا اعتماد مردم به دولت تقویت شود. او ادامه داد: اگر پاسخگویی و شفاف‌سازی دولت اجرایی شود، دیگر، کسی چرات نخواهد کرد که دولت را به ناروا، متهم به انتصاب فامیلی - رفاقتی کند چون می‌داند با شفاف‌سازی بهنگام دولت، اعتبارش در افکار عمومی تضعیف خواهد شد. اگر کسانی بی‌دلیل اتهاماتی ناروایی را به دولت وارد می‌کنند اعتبارشان در نزد افکار عمومی کاسته شود اما پاسخگو نبودن به منتقدان و اکتفا به انکار کلامی، گره‌گشا نیست و نهایتاً، به زبان دولت و به سود ذینفعان این انتصابات است. علیرضا بیگی افزود: امروزه، عصر ارتباطات است و همه اخبار در فضای مجازی و جامعه منتشر می‌شود و دولت می‌تواند از فراگیری فضای مجازی به‌عنوان مزیتی برای پاسخگویی درباره انتصابات فامیلی - رفاقتی استفاده کند. عضو کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس تأکید کرد: نظارت از اختیارات نمایندگان مجلس است و آنان می‌توانند موارد تخلف انتصابات فامیلی - رفاقتی در هر وزارتخانه‌ای را شناسایی و در قالب سؤال از وزیر یا تحقیق و تفحص، پیگیری قانونی کنند. او در مورد آسیب‌های این انتصابات در جامعه نیز گفت: ادعاهایی درست یا غلط در جامعه پیرامون رواج انتصابات فامیلی وجود دارد که اگر پاسخ قانع‌کننده و شفاف به این ادعاها داده نشود، داده نشود بی‌اعتمادی مردم به دولت را گسترده‌تر و عمیق‌تر می‌کند.

عضو کمیسیون مشترک طرح حمایت از حقوق کاربران درباره طرح «صیانت» هشدار داد:

قانون زوری!

پرستو بیرانوند

چیز زوری دیده بودیم جز قانون زوری. آن‌ها به نظرات بخش خصوصی، مرکز پژوهش‌ها و دولت و مرکز فضای ملی اعتنا نمی‌گذارند، این قانونگذاری نیست.

■ **آیا طرح به همان شکل اولیه تصویب خواهد شد؟**

این که طرح به همان شکل اولیه تصویب شود بستگی به نظر اکثریت اعضای کمیسیون دارد ولی آن چه که در مورد اصلاح شدن طرح صحبت می‌کنند واقعی نیست. اصلاحات غیررسمی است و صرفاً بازی با کلمات و تلخیص آنها است. تا جایی که من در جریان هستم و نسخه‌هایی که در دسترس ما قرار گرفته اشکالات اساسی رفع نشده و احتمالاً کمیسیون مشترک به این کلیات پر از اشکال رأی نخواهد داد.

■ **مسدودسازی پیام‌رسان‌ها هنوز یابرجاست؟**

مسدودسازی و فیلترینگ در این طرح وجود دارد اما با این عنوان در طرح آورده نشده ولی نتیجه آن مسدودسازی است. ایرادات و اشکالات اساسی را هنوز نتوانسته‌اند برطرف کنند و طرح جایگزینی وجود ندارد به همین دلیل مبنای ما همان طرح اولیه است.

■ **عنا بستانی: مردم نظر خود را داده‌اند، نمایندگان مردم تصمیم می‌گیرند**

علی‌اصغر عنا بستانی عضو کمیسیون اجتماعی مجلس و کمیسیون مشترک صیانت که پیشتر انتقادات منتقدات طرح صیانت را «بی‌اساس» خوانده بود، معتقد است که نظر مرکز پژوهش‌های مجلس هر نظری می‌تواند باشد اما تصمیم گیرنده نهایی نمایندگان مجلس هستند.

■ **بررسی طرح صیانت در چه مرحله‌ای قرار دارد؟**

مجلس گفته بود «ما کار خودمان را می‌کنیم»، مصوبه‌ای با محدودسازی حداکثری فضای مجازی تحویل مردم خواهند داد؟ طناب کشی مخالفان و موافقان صیانت، ظرفیت تبدیل به سوژه جذاب خبری و مردمی طی روزهای آینده را دارد، البته اگر مخالفان تمایلی برای اطلاع‌رسانی و شفاف‌سازی روند تصویب این طرح را داشته باشند، شرطی که تحقق آن، بعید به نظر می‌رسد.

■ **نوری قزljحه: مسدودسازی و فیلترینگ را با عنوان دیگری در طرح آورده‌اند**

غلامرضا نوری قزljحه از مخالفان جدی طرح فعلی صیانت از فضای مجازی و عضو کمیسیون مشترک است. او بر این باور است که طرح فعلی در کمیسیون رأی نخواهد آورد زیرا ایرادات جدی دارد. از او جوایب آخرین وضعیت طرح شدیم:

■ **جلسات کمیسیون مشترک چه زمانی برگزار خواهد شد؟**

تا کنون جلسه‌ای نداشته‌ایم و آنگونه که اعلام شده، فردا، جلسه این کمیسیون برگزار خواهد شد.

■ **برخی نمایندگان از تغییرات مثبت ۷۰ درصدی محتوای این طرح خبر داده‌اند.**

این موضوع را تأیید می‌کنید؟

به صورت رسمی هیچ‌گونه تغییری در کمیسیون مطرح نشده و رأی‌گیری درباره تغییر انجام نشده است. آخرین محتوای طرح هنوز باقی است. طرح به حدی ایرادات اساسی داشت که به رأی گذاشته نشد و قرار بود اصلاحاتی بر آن انجام شود اما هیچ جلسه رسمی در مورد آن برگزار نشده است.

■ **تا چه حد موافقان طرح صیانت به نظر مرکز پژوهش‌ها توجه می‌کنند؟**

موافقان صیانت با نظر مرکز پژوهش‌ها کاری ندارند آنها با نظر هیچ‌کسی کاری ندارند. هر

سخنگوی کمیسیون مشترک طرح حمایت از حقوق کاربران در فضای مجازی آغاز به کار مجدد جلسات این کمیسیون را از امروز اعلام کرد. این در حالی است که نایب‌رئیس کمیسیون مشترک نیز گفته است: «مطابق پیش‌بینی‌ها مراحل بعدی بررسی و تصویب طرح در ماه جاری طی خواهد شد و ما امیدواریم که بتوانیم در عرض یک ماه، نسخه نهایی طرح را به شورای نگهبان تقدیم کنیم». از زمان روی کار دولت سیزدهم، طرح صیانت از فضای مجازی در مجلس یازدهم کلید خورده است. طرحی که حالا روی کاغذ «صیانت از حقوق کاربران و خدمات پایه کاربردی فضای مجازی» نام گرفته و میان مردم به طرحی برای فیلتر و مسدودسازی اینترنت و دشوار شدن دسترسی به شبکه‌های اجتماعی شناخته شده است. سوای این، داده‌های رسمی مرکز آمار حاکی از آن است که ۸.۱۹ درصد کاربران یعنی معادل ۱۱ میلیون ایرانی از طریق شبکه‌های اجتماعی کسب درآمد می‌کنند. بنابراین، کارشناسان و فعالان حوزه اینترنت محدودسازی اینترنت را عملاً محدود کردن بیشتر کاربران از دسترسی به گردش آزاد اطلاعات می‌دانند. اما با این حال باز هم تندرهای مجلس یازدهم به دنبال تصویب این طرح هستند. طرح صیانت، مخالفان بسیار دارد اما صدای موافقان آن به مدد رسانه‌های پرشمار اصولگرا چنان بلند است که مردم و کارشناسان را نسبت به فرجام نهایی آن و تصویب آن با محتوایی به زبان کاربران فضای مجازی نگران کرده است. حالا باید دید در جلسات آینده این کمیسیون، آیا این طرح مغایر حقوق مردم، دچار اصلاح جدی خواهد شد یا تندرهای مجلس همان طور که آفاتهرانی دیگر عضو جبهه پایداری در



طرح صیانت براساس مصوبه کمیسیون برای کارشناسی بیشتر و بررسی همه جوانب مسئله و به ویژه جلسه با بخش خصوصی و صاحب نظران بخش خصوصی و همچنین تلفیقی با پیشنهادات دولت به مرکز پژوهش‌ها رفت. ۲۰ روز این مرکز وقت داشت که طرح را به جمع بندی برساند. بعد از این ۲۰ روز مرکز پژوهش گزارش کاملی ارائه نداد و تقاضای تمدید این وقت را کرد که ۲۰ روز دیگر وقت داده شد. مرکز پژوهش‌ها چند جلسه کارگروهی و کارشناسی برگزار کرده بود که مقرر شد این فرصت ۲۰ روزه داده شود تا کار کاملاً کارشناسی و دقیق به صحن کمیسیون برسد.

■ در لایحه بودجه، بودجه وزارت ارتباطات به نسبت سال گذشته افزایش چشم گیری داشته آیا به طرح صیانت مربوط است؟

سال‌ها است که به زیرساخت‌های ارتباطی کشور توجهی نشده است و روستاها وضعیت اینترنت مناسبی ندارند. مقرر شد امسال برای شبکه ملی اطلاعات و توسعه زیرساخت‌های ارتباطی کشور بودجه در نظر گرفته شود. همچنین قرار است فیبر نوری را مانند آب و برق و گاز به خانه‌های مردم ببریم تا به راحتی از اینترنت استفاده کنند. این موضوع هزینه کلانی می‌خواهد.

■ این موضوع به طرح ملی اینترنت یا شبکه ملی اطلاعات مربوط است؟

شبکه ملی اطلاعات به معنای اینترنت بهتر و بیشتر و استفاده از فضای اطلاعاتی بهتر است. جو مسمومی ایجاد شده که آن را مخالفت با اینترنت بین‌المللی می‌بینند اما این قضیه امکان پذیر نیست.

■ نامه مرکز پژوهش‌ها در مورد مخالفت با طرح صیانت چقدر مورد توجه کمیسیون مشترک صیانت قرار می‌گیرد؟

نامه‌ای که داده شد نظر مستقیم مرکز پژوهش‌ها نیست. مرکز پژوهش‌ها به هر نظری برسد نظر خود را به کمیسیون ارائه می‌دهد و این بحثی غیررسمی است. بالاخره مرکز پژوهش‌ها نظر خود را خواهد

داد. نظر مرکز پژوهش‌ها نظری کارشناسی برای اعضای کمیسیون است و کسانی که تصمیم می‌گیرند نماینده‌های مجلس هستند. نماینده‌های مجلس برای زوایای مختلف طرح تصمیم می‌گیرند.

■ شما می‌گویید نماینده مردم انتخاب کننده نهایی است. نظر کارشناسی مرکز پژوهش‌ها نیز همسوس با نظر مردم است..

مردم نظر خود را نداده‌اند شما نمی‌توانید قضاوت کنید. بگذارید نمایندگان مردم نظرات خود را بدهند بعد شما نظر بدهید.

■ راهکار نمایندگان کمیسیون مشترک برای دریافت و اطلاع از نظرات مردم چیست؟

نماینده مردم یعنی مردم و اسمش با خودش است. شما نماینده مردم را کنار می‌گذارید و می‌گویید کسی دیگری نماینده مردم است؟ کاملاً واضح و روشن است که نماینده مردم از طرف مردم حرف می‌زند نه هر کسی دیگری. هر کسی نمی‌تواند بیاید ادعا کند از طرف مردم حرف می‌زند. مردم پای صندوق رأی کسی را انتخاب کردند که از طرف آنها حرف بزند و آن فرد از طرف مردم صحبت می‌کند. هر نماینده راهکار متعدد خود را دارد. ارتباطات متعدد دارد. نماینده‌ها دفاتر خود و حضور در بین مردم دارند. هر نماینده ساختار ارتباطاتی دارد که وظیفه مردمی خود را انجام دهد.

داد. نظر مرکز پژوهش‌ها نظری کارشناسی برای اعضای کمیسیون است و کسانی که تصمیم می‌گیرند نماینده‌های مجلس هستند. نماینده‌های مجلس برای زوایای مختلف طرح تصمیم می‌گیرند.

■ یعنی ممکن است نظر مرکز پژوهش‌ها کنار گذاشته شود و نمایندگان خودشان تصمیم بگیرند؟

چنین حرفی را از جانب ما ننید که نظر مرکز پژوهش‌ها کنار گذاشته می‌شود. مرکز پژوهش‌های یک نظر کارشناسی می‌دهد، ممکن است نماینده با آن نظر موافق یا مخالف باشد. تمام طرح‌هایی که در مجلس تصویب می‌شود مرکز پژوهش‌ها در کمیسیون حضور دارد و نظر خود را بیان می‌کند. در بسیاری موارد نظراتی که مرکز پژوهش‌ها می‌دهد، نمایندگان به دلیل متقن و کارشناسی نظر را نمی‌پذیرند. اختلاف نظر کارشناسی که عجیب نیست. ممکن است مرکز پژوهش‌ها نظری بدهد و نمایندگان براساس تجربه و نظر کارشناسی خود، نظر دیگری داشته باشند. تصمیم را نماینده مردم می‌گیرد. مرکز پژوهش‌ها و مراکز مختلف نظر کارشناسی می‌دهند اما نمایندگان هستند که بین نظرات

چه کسی به رئیس جمهور اطلاعات دروغ داد؟

دولت دلدادگان!

مهرداد خدیو



او تا قبل از ریاست جمهوری جز در مناظره‌های مشهور به چالش کشیده نشده و به همین خاطر ادبیات او با ادبیات رایج سیاستمداران متفاوت است و گرنه صریح و قاطع «هر» انتصاب فامیلی را رد نمی‌کرد، چون کافی است تنها «یک» نمونه نقض ارائه شود. ابراهیم ریسی هم وقتی به صورت مطلق می‌گوید «انتصابات فامیلی نداریم» و ۵ مورد نام ببرید کافی است یک مورد نقض ارائه شود تا نه تنها این ادعای او زیر سؤال برود بلکه مدعاهای دیگر نیز هر چند به لحاظ روان‌شناسی کاملاً روشن بود این سؤال چقدر برای او سنگین بوده که بلافاصله از سفر خود به کرمان بعد از مسکو سخن گفت و این که «برای من زحمتی نیست بین مردم باشم». البته خبرنگار می‌توانست بپرسد شاید یک سهام دار بورس که این صحبت‌ها را می‌شنود با خود بگوید استراحت نکردن و شما پس از سفر مسکو و بلافاصله به کرمان رفتن چه تأثیری بر وضعیت بورس و ارزش سهام من دارد؟ کاش کمی استراحت کنید تا تصمیم بهتری درباره بورس بگیرید

اظهارات ابراهیم ریسی، رئیس جمهور در تلویزیون در خصوص انتصابات فامیلی، انتقاد چهره‌های سیاسی و کاربران فضای مجازی را در پی داشته است. برخی در واکنش به ادعای ریسی در خصوص رد انتصاب فامیلی، اسامی برخی افراد که از طریق رانت و ... در دولت پست گرفته‌اند، را منتشر کرده‌اند. ریسی گفته بود: «بعد از طرح موضوع انتصابات فامیلی درخواست کردم ۵ نفر را اسم بیاورند تا به عنوان مسؤول دولت پی‌گیری کنم، اما گفتند رسانه‌ها گفته‌اند ما هم گفتیم. ما در این دولت کسی را اتوبوسی نیاوردیم. ملاک انتصابات، شایسته‌سالاری بوده نه نسبت‌های فامیلی.» بلافاصله پس از سخنان سه شنبه شب سید ابراهیم ریسی در رد انتصابات و انتصابات فامیلی در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی مواردی مطرح و نام‌هایی برده شده که قصد تکرار آن‌ها را ندارم، چون غرض، اشاره به نکته دیگری است. آقای ریسی در تمام سال‌های بعد انقلاب و طی ۴۰ سال در مصدر کارهای قضایی بوده و به همین خاطر گفتار و رفتار

و به وزیر خود ارجاع ندهید یا اگر تصمیم گرفته اید اعلام کنید. من خستگی ناپذیری شما را محک نمی‌زنم به دنبال حفظ سرمایه‌ها هستم. دغدغه همه مردم ایران ارزش سهام و دوبرابر شدن قیمت مرغ و تخم مرغ و دارو با حذف ارز ترجیحی و خواست اکثریت مذاکره مستقیم برای مصالحه به جای تکرار شعارهایی است که اگر چه برای عده‌ای نان و منصب دارد (بی‌انتصاب و انتساب فامیلی و از شدت شایسته‌سالاری)، ولی برای اکثریت مردم ایران آب نمی‌شود و این نیست که آقای ریسی از مسکو برگشته به خانه رفته یا رفته کرمان. چون قاعدتاً در کرمان استاندار و فرماندار و بخشدار و همان یک لشکر آدم که در هر سفر دنبال ایشان یا قبلی‌ها راه می‌افتادند همین مسؤولیت را دارند که اگر درست انجام نمی‌دهند چرا هستند و اگر درست انجام می‌دهند خوب دارند انجام می‌دهند دیگر! از منظری

دیگر، این ادعا که «انتصابات فامیلی نداریم» در حالی که مشهورترین جامعه‌شناس فعال در شبکه‌های اجتماعی و شهره به ایران دوستی را کنار می‌گذارند تا اندک اندک نیروهای خودشان (فامیل به معنی بزرگ‌تر و قبیله) را جایگزین کنند تا چه حد قابل قبول است؟

■ گزارش دروغ به رئیسی داده‌اند

به نوشته عصرایران، وهاب عزیزی، دبیر کل حزب جهادگران ایران اسلامی که در انتخابات ریاست جمهوری از ابراهیم رئیسی حمایت کرده بود، در واکنش به سخنان اخیر رئیس جمهور گفت: انتصابات فامیلی و حزبی در همه دولت‌ها مورد سؤال بوده، ولی در دولت سیزدهم عربان‌تر و با شیب تندتری صورت گرفت. اصولگرایان بعد از هشت سال دوری از قدرت چنان به زمین

بازی قدرت هجوم آوردند، که انگار کشور بیگانه‌ای را فتح کرده باشند. وی ادامه داد: انکار کردن رسانه‌ای موضوع انتصابات فامیلی و حزبی از سوی ابراهیم رئیسی، خود دلیل محکمی بر وجود داشتن پدیده انتصابات فامیلی در سراسر کشور است. اگر چنین پدیده‌ای وجود واقعی نداشت، قطعاً رئیس دولت زحمت مطرح کردن آن را به خود نمی‌داد. چون رسانه‌ای شدن یک موضوع از زبان رئیس دولت به آن رسمیت می‌دهد. پس اصل موضوع جای بحث ندارد در کم و کیف آن می‌توان صحبت کرد. متأسفانه تب انتصابات فامیلی و شراکتی در دولت سیزدهم چنان بالا گرفت که بخار آن از رسانه‌ها به مشام رئیس دولت نیز رسید. هر چند آقای رئیسی معتقد است که انتصابات بر اساس شایسته‌سالاری بوده، ولی سؤال افکار عمومی و اصحاب رسانه این است که آیا شایسته‌ها فقط از محیط خانواده

دولت، دانشگاه امام صادق و خراسان بیرون می‌آیند؟ عزیزی در پاسخ به سؤال رئیس جمهور از رسانه‌ها پیرامون مطرح کردن برخی از مصادیق انتصابات فامیلی و نام بردن از آن‌ها، گفت: متأسفانه تعداد انتصابات فامیلی و حزبی در مجموعه دولت خارج از شمارش است لذا ما از رئیس جمهور محترم درخواست می‌کنیم خودشان به عنوان نمونه چند انتصاب غیر فامیلی و غیر حزبی نام ببرند تا مردم امیدوارتر شوند. البته ما ابراهیم رئیسی را به صداقت در گفتار می‌شناسیم، احتمالاً به ایشان گزارش دروغ و خلاف واقع داده‌اند و یا اینکه تمام واقعیت را نگفته‌اند. من خاطر هستم مقام معظم رهبری در ادوار گذشته به دولتمردان توصیه می‌کردند به گزارش‌های رسیده اطمینان کامل نکنند.

■ انتقاد از پدیده مقدار یسیم

پیش از این نیز، احمدی بیغش، نماینده شازند و عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس خطاب به رئیس جمهور گفته بود: وجود ضعف شدید در ادبیات گفتمانی جناب عالی در عرصه‌های مختلف، به هیچ وجه قابل توجیه نبوده و دستاویز قرار گرفتن این ادبیات در شبکه‌های متعدد اجتماعی و رسانه‌های داخلی و خارجی زیننده کشور نیست و شایسته است هر چه سریعتر نسبت به اصلاح این روند اقدام نمایند. آنگونه که پیداست در دولت شما نیز پدیده مقدار یسیم نقش غلطی را ایفاء می‌کند... مگر در کشور قحط الرجال علمی و سیاسی داریم که در نهاد ریاست جمهوری چهار نفر از اساتید برجسته دانشگاهی کشور دیده نمی‌شوند که حداقل در مناسبات رسمی چند خط بنویسند

و به شما بدهند تا این همه شاهد گفتمان ضعیف و بحث برانگیز غیر علمی و غیر استنادی از شما نباشیم؟! اتکای افراطی به مجموعه‌ای محدود از فارغ التحصیلان دانشگاه امام صادق (ع) در سطوح مدیریتی کلان کشور، حتی نام این امام عزیز و معصوم را نیز در جامعه تحت الشعاع قرار داده است، دولت شما ظاهراً دولت دلدادگان است، به یک عزیز دردانه خاص که باید همه اتفاقات، انتصابات و استنادها به ایشان ختم شود. این همان پدیده پرهزینه‌ای است که در هر دولت وجود داشته و در نهایت به پاشنه آشیل تمام عیار تبدیل می‌شوند که دیدیم در گذشته این طور بود. انتصابات در وزارتخانه‌ها و سازمان‌های تابعه دولت هم تقریباً داد همه دلسوزان را در آورده است، نفوذ برخی افراد در وزارتخانه‌ها برای انتصابات تا حدی است که تقریباً وزیر یا وزرای مربوطه به بی‌اثرترین فرد در این انتصابات تبدیل شده‌اند.



تب انتصابات فامیلی و شراکتی در دولت سیزدهم چنان بالا گرفت که بخار آن از رسانه‌ها به مشام رئیس دولت نیز رسید. هر چند آقای رئیسی معتقد است که انتصابات بر اساس شایسته‌سالاری بوده، ولی سؤال افکار عمومی و اصحاب رسانه این است که آیا شایسته‌ها فقط از محیط خانواده دولت، دانشگاه امام صادق و خراسان بیرون می‌آیند؟

خطر حضور عربستان در بازار برق منطقه چقدر برای ایران جدی است؟

سایه سنگین عربستان بر بازار صادراتی ایران

شادی همایونی

با این حال جزئیات نحوه اتصال این شبکه‌ها یا میزان برقی که به عراق وارد خواهد شد، منتشر نشد.

به این ترتیب حتی اگر عربستان به منظور تصاحب بازار برق ایران در عراق نیز وارد مذاکره شده باشد؛ حداقل در کوتاه مدت توفیقی نخواهد داشت. اما نکته سومی که احتمال از دست دادن بازار برق عراق را کم رنگ می‌کند؛ هزینه انتقال برق از عربستان به عراق است. فاصله مراکز تولید برق این دو کشور به قدری زیاد است که حتی با ایجاد شبکه و خطوط انتقال برق نیز، برق مقرون به صرفه‌ای از عربستان به عراق نمی‌رسد و هزینه‌ها برای عراق بسیار بالا خواهد بود. بنابراین در رقابت عربستان و ایران در انتقال برق، برد با ایران است چرا که خطوط انتقالی کوتاه با عراق داشته و برق ارزان تری به عراق می‌تواند بفروشد.

با توجه به نکاتی که ذکر شد؛ کاملاً درک می‌شود که ورود عربستان به بازار برق عراق صرفاً یک بازی سیاسی برای کاهش نفوذ ایران و ایجاد یک حفاظ امن انرژی برای عراق در شرایط بحران است.

■ بازار ایران تهدید نمی‌شود

مصطفی رجبی مشهدی سخنگوی صنعت برق کشور گفت: هر کشوری مختار است با کشورهای همجوار خود برای تبادل انرژی مذاکره، گفت و گو کند. با توجه به اطلاعاتی که از نیاز کشور عراق به برق دارم توافق برای واردات برق از کشورهای مختلف منطقی به نظر می‌رسد. به گفته او عراق توان تولید بخش قابل توجهی از نیاز برق خود را ندارد و منطقی است که با کشورهای همسایه تبادلاتی در این حوزه داشته باشد.

رجبی مشهدی اظهار کرد: ایران در بازار برق عراق، حضور موثری دارد و صادرات برق به عراق در حال انجام است و در قالب چارچوب‌های موجود مبادلات انرژی انجام می‌شود. او با بیان اینکه نیاز برق عراق بیش از ۲۵ هزار مگاوات است ادامه داد: قدرت قابل تأمین برق در عراق یعنی تولید نیروگاه‌های این کشور حدود ۶۰ تا ۷۰ درصد نیاز را تأمین می‌کند. او در خصوص میزان صادرات برق به ایران به عراق گفت: نمی‌توانم عدد دقیقی اعلام کنم اما بخش قابل توجهی از نیازی که عراق به برق دارد از طریق شبکه‌های موجود قابل تأمین نیست و نیاز به یک برنامه بلندمدت دارد. به عقیده

روز جمعه انتشار خبر تفاهم عراق و عربستان در خصوص صادرات برق به عراق، نگرانی‌هایی در خصوص سایه انداختن این اتفاق بر بازار صادراتی ایران ایجاد کرد. عراق برای تأمین برق روزانه خود وابستگی شدیدی به واردات دارد و تنها ۶۰ درصد نیاز خود را می‌تواند تولید کند. بنابراین ۴۰ درصد از نیاز برق این کشور باید از طریق واردات تأمین شود. هر چند عراق و عربستان تفاهمی برای واردات داشته‌اند اما این تفاهم بنا به دلایلی که در ادامه اشاره می‌شود نمی‌تواند بازار ایران را تهدید کند.

مهم‌ترین نکته در تبادلات انرژی کشورهای بویژه برق، ضرورت عدم وابستگی کامل به یک کشور است. از آنجا که هر گونه تنش در رابط سیاسی احتمال قطع روابط تجاری را به دنبال دارد؛ کشورها سعی می‌کنند سبد واردات انرژی خود را متنوع کنند تا در صورت بروز مشکل و قطع صادرات از سوی کشور مبدأ دچار بحران نشوند. این موضوع در خصوص برق که اهمیت زیادی دارد و قطعی آن بحران آفرین می‌شود از سایر انرژی‌ها مهم‌تر است. بر اساس این پروتکل، منطقی است که عراق به منظور متنوع شدن سبد واردات انرژی خود با کشورهای دیگر نیز وارد مذاکره شود. نکته دوم در خصوص مذاکره عراق و عربستان، عدم امکان اجرای این تفاهم در کوتاه مدت است. اول آنکه این دو کشور فعلاً یک تفاهم اولیه داشته‌اند و هنوز توافقی بین

آنها منعقد نشده و دوم اینکه حتی با وجود عقد قرارداد و برقراری توافق تا انجام واردات از عربستان در حالت خوشبینانه دست کم ۲ سال زمان نیاز است. در حال حاضر هیچ خطوط انتقال برقی بین این دو کشور وجود ندارد لذا برای واردات برق لازم است ابتدا سرمایه گذاری اولیه‌ای برای ایجاد شبکه برق انجام شود. شبکه‌ای که به گفته وزیر انرژی عربستان ساخت آن ۲ سال به طول خواهد انجامید. شاهزاده عبدالعزیز بن سلمان، وزیر انرژی عربستان سعودی در مراسم آنلاین امضای این تفاهم نامه گفت: عربستان سعودی که بزرگترین صادرکننده نفت جهان است، قصد دارد به سرمایه‌گذاری بهینه در اتصال برق با عراق دست پیدا کند. عادل کریم، وزیر برق عراق نیز اعلام کرد این اتصال در مدت دو سال تکمیل خواهد شد



هم‌اکنون ایران به سه یا چهار کشور صادرات برق دارد. از ترکمنستان، ارمنستان و آذربایجان برق وارد می‌کنیم و به کشورهای عراق، افغانستان و... برق صادر می‌کنیم. پیش از این تبادل انرژی بین ایران و ترکیه نیز برقرار بوده که در حال حاضر این ارتباط قطع است.



کشورهای عراق، افغانستان و.. برق صادر می کنیم. پیش از این تبادل انرژی بین ایران و ترکیه نیز برقرار بوده که در حال حاضر این ارتباط قطع است. رجبی مشهدی تاکید کرد: اولویت ما تأمین برق کشور است. لذا زمانی صادرات برق صورت می گیرد که نیاز کشور به طور کامل برطرف شده باشد.

■ **انگیزه سیاسی عراق و عربستان برای همکاری در حوزه برق**
حمید جاجرمی کارشناس حوزه برق نیز توضیح داد: از نظر ژئوپلیتیک وابستگی به واردات برق آثار شدیدتری نسبت به وابستگی به واردات گاز دارد. از این رو کشورها سعی می کنند میزان وابستگی به برق را کاهش داده و بیشتر روی واردات گاز و تبدیل آن به برق تمرکز کنند. نیروگاهها نیز عمدتاً دوگانه سوز هستند و به جای گاز می توانند از سوخت مایع استفاده کنند. بنابراین در صورت قطع گاز می توانند از سوخت جایگزین بهره ببرند. اما برق جایگزین ندارد و اگر کشوری وابستگی برقی داشته باشد آسیب پذیری بالایی خواهد داشت. بر این اساس صادرات گاز و برق برای ایران به لحاظ میزان اثرگذاری روی کشور هدف متفاوت است. به عبارت دیگر ایران از صادرات برق می تواند به عنوان یک اهرم فشار استفاده کند اما از صادرات گاز نمی تواند این بهره مندی را دست کم در کوتاه مدت داشته باشد؛ چرا که کشورها امکان جایگزینی و یا استفاده از ذخایر را خواهند داشت.

سختگوی صنعت برق، نکته مهم در ارتباط با دیپلماسی انرژی آن است که کشورها نباید به لحاظ تأمین انرژی وابستگی مطلق به یک کشور داشته باشند. از آنجا که هر گونه تنش سیاسی در روابط کشورها ممکن است به قطع صادرات انرژی منجر شود؛ در صورت وابستگی مطلق، کشور واردکننده دچار اختلال و زیانهای جبران ناپذیری می شود. این ملاحظه بویژه در خصوص انرژی برق حائز اهمیت است. بر این اساس، کشورها خود را به کشورهای همسایه وابسته نمی کنند و واردات برق کشورها معمولاً کمتر از ۱۰ درصد انرژی مورد نیاز تعریف می شود. او متذکر شد: کشور ما به دلیل قرار گرفتن در موقعیت بسیار استراتژیک جغرافیایی قرار گرفته و از این جهت بحث ترانزیت انرژی در ایران به صورت جدی مطرح می شود. رجبی مشهدی عنوان کرد: در زمانهای پیک مصرف در کشورهایی که نیاز به برق دارند، جایجایی انرژی از کشورهای با تولید مازاد از طریق ایران امکان پذیر است. در حال حاضر با کشورهایی که مرز خاکی داریم، در حال تبادل انرژی هستیم. اما این تبادلات سهم بزرگی از نیاز کشورها نیست و بین ۵ تا ۱۰ درصد نیاز برقی کشورها تبادل می شود.

او اضافه کرد: هم اکنون ایران به سه یا چهار کشور صادرات برق دارد. از ترکمنستان، ارمنستان و آذربایجان برق وارد می کنیم و به

تهران در نگرش‌های سیاست خارجی خود تغییر می‌دهد

تابوشکنی؟

جلال خوش‌چهره



گفت‌وگوی مستقیم با آمریکا، بلکه «مشورت با همه همسایگان ایران درباره برجام» را نیز شامل می‌شود، چشم‌ناظران داخلی و خارجی را خیره کرد. مهم‌تر اینکه «علی شمخانی» دبیر شورای عالی امنیت ملی نیز اظهاراتی هم‌سو با «حسین امیر عبداللهیان» بیان کرد. او گفت: «تهران زمانی وارد گفت‌وگوی مستقیم با آمریکا می‌شود که یک توافق خوب در دسترس باشد.» شمخانی با اشاره به مبادله نوشتار

رئیس‌ی از مسکو و گفت‌وگویش با «ولادیمیر پوتین» که شکل انجام آن پر از حاشیه بود، به ناگاه تهران رویکرد جدید خود را در مذاکرات وین تغییر داد. وزیر امور خارجه برخلاف معمول، با صراحت از آمادگی تهران برای گفت‌وگوی مستقیم با دولت ایالات متحده آمریکا در صورت دستیابی به یک توافق خوب و مطمئن خبر داد. او با اشاره به «رویکرد جدید فعالیت هسته‌ای» که در آن نه تنها

می‌شد پیش‌بینی کرد که سفر «ابراهیم رئیسی» به مسکو به مثابه نقطه عطف تازه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران خواهد شد. این اتفاق نه در تغییر اصول انقلابی «سیاست موازنه منفی» میان دو بلوک شرق و غرب که از دوران جنگ سرد باقی مانده، بلکه در اجبارهایی است که به هر حال تهران را به برخی تغییرات در نگرش‌های سیاست خارجی خود واداشته است. اندک زمانی پس از بازگشت

غیر رسمی با امریکا که در هفته‌های اخیر در وین جریان داشت، تصریح کرده است: «این روش ارتباطی تنها زمانی با روش‌های دیگر جایگزین می‌شود که توافق خوب در دسترس باشد.»

رویکرد تهران بدون پاسخ از سوی واشنگتن نیز نبوده است. «ند پرایس» سخنگوی وزارت امور خارجه امریکا بلافاصله به مواضع تازه تهران پاسخ گفت. او تأکید کرد: «از گفت‌گویی مستقیم با مقام‌های ایرانی در باره این موضوع (هسته‌ای) و نیز موضوعات دیگر استقبال می‌کنیم.» جالب اینکه برخلاف دیگر سخنگویان دستگاه دولتی امریکا، مبادله زندانیان میان تهران و واشنگتن را خارج از توافقی دانست که در وین در حال انجام است. او با هشباری و تجربه آنچه در توافق سال ۲۰۱۵ میلادی رخ داد، از هم‌اکنون موضوعاتی مانند مبادله زندانیان میان طرفین را امری حاشیه‌ای و دور از متن مذاکرات جاری اعلام کرد. در این حال سخنگوی وزارت امور خارجه ایران نیز آزادی زندانیان دو تابعیتی را از سوی تهران، فارغ از توافقات و بلکه امری انسان‌دوستانه خوانده است.

حال همه در انتظار گشایش‌ها و یا نتایج مؤثر در روابط خارجی ایران هستند. توافق احتمالی آینده در چارچوب مذاکره مستقیم «تهران و واشنگتن» بستر ساز این مهم خواهد شد. نکته مهم‌تر اینکه تصمیم تهران با هواخواهی و یا سکوت معنادار جریان‌ها و

طیف‌هایی همراه شده که تا پیش از این، از گفت‌گویی مستقیم ایران و امریکا تابو ساخته و علیه آن جامه از تن به در می‌کردند. به عبارت دیگر، اکنون با نگاه به سکوت و یا روش‌های توجیهی ابراز شده مخالفان فعال دیروز، روشن است که مخالفت‌ها با مذاکراتی چنین خاستگاهی ایدئولوژیک و پای‌بندی به اصول نداشته، بلکه ناشی از گرایش‌های جناحی و رقابت‌های سیاسی بوده است؛ اینکه کدام دولت مستقر، طرف گفت‌گویی مستقیم با



«تهران زمانی وارد گفت‌گویی

مستقیم با امریکا می‌شود که

یک توافق خوب در دسترس

باشد.»

امریکائیان باشد.

مثلی است معروف که می‌گوید؛ برای گفتن آنچه در گذشته رخ داد، همه آینده را وقت هست. حرف حالا را باید حالا زد. از این رو، مهم توافقی است که بتواند ایران را با حفظ اعتبار و کرامتش به جامعه جهانی بازگرداند. بنابراین هرگونه نقد، مخالفت و موافقت با آنچه در وین و در رویکرد تازه تهران به سیاست خارجی لازم است را باید در کیفیت

توافق احتمالی در حال انجام دنبال کرد. توافقی که خبر آن را «میخائیل اولیانف» نماینده خبر ساز روسیه در وین اعلام کرده است. او در توثیق خود با خوش بینی نوشته است: «نمایندگان گروه ۱+۴ و ایران در جلسه دوشنبه (چهارم بهمن ۱۴۰۰) به تدوین بخش مهمی از متن پایانی مذاکرات وین ادامه دادند. این یک تمرین کم‌ویش موفق بود...».

به این ترتیب می‌توان پیامد سفر پرحاشیه ابراهیم رئیسی را به مسکو در آنی‌ترین شکل در چند وجه، چنین خلاصه کرد: نخست؛ پوتین نمایشی از تأثیر گذاری مسکو بر مواضع تهران را به رخ رقیبان غربی خود کشید. دوم؛ تهران سرانجام رویکرد تازه‌ای را در نه تنها فعالیت هسته‌ای، بلکه سیاست خارجی خود آغاز کرده است. سوم؛ تهران بر اساس اظهارات وزیر امور خارجه، پذیرفته است که با همه همسایگان خود درباره توافق هسته‌ای (برجام) آینده مشورت کند. چهارم؛ نگرش سنتی سیاست خارجی نه شرقی و نه غربی، ممکن است در آینده دستخوش تغییراتی شود که برخی آن را گرایش به شرق و برخی دیگر شروع رویکرد موازنه مثبت در سیاست خارجی ایران پیش‌بینی می‌کنند.

پنجم؛ غالب مخالفت‌ها و هواداری‌ها از رویکردهای سیاسی دولت‌های مستقر در داخل، متأثر از منافع جناحی است و نه الزاماً آنچه دغدغه منافع ملی و ارزش‌های اصولی و ایدئولوژیک خوانده می‌شود. روزهای پرخبری در پیش است.

سیاست خارجی، خط قرمز تسویه حساب‌های سیاسی



محمد مهدی مظاهری

توافقات صورت گرفته در شش دور اخیر که در دولت قبل انجام شده بود، صورت بگیرد و حتی سیستم رد و بدل کردن پیغام با آمریکا توسط سایر طرفهای برجام در صورت لزوم جای خود را به مذاکرات مستقیم با این کشور بدهد. در عرصه منطقه‌ای نیز هر چند گفت و گوها با عربستان به روال قبل به صورت لاکپشتی در جریان است، باز هم عمان و قطر به عنوان کشورهای عرب همسایه‌ای که مناسبات نسبتاً دوستانه‌تری با ایران دارند، میزبان وزیر امور

است و دولت ایران می‌کوشد در بحبوحه بحران‌ها و چالش‌های داخلی و بین‌المللی، منافع ملی را حفظ کند و ارتقاء دهد.

با این وجود مروری بر سفرها، جهت‌گیری‌ها و تصمیمات اتخاذ شده اخیر نشان از وجود نوعی تداوم در رویکرد سیاست خارجی کشور دارد. در مذاکرات وین شاهد هستیم که با وجود تمایل تیم مذاکره کننده جدید ایرانی به ایجاد شرایط و توافقات جدید، در نهایت قرار بر این شد تا ادامه مذاکرات بر اساس

در هفته‌های اخیر عرصه سیاست خارجی کشور با تحولات گسترده‌ای روبرو بوده و فراز و نشیب‌های مختلفی را تجربه کرده است؛ در کنار مذاکرات هسته‌ای در وین برای تعیین تکلیف نهایی برجام، شاهد سفر وزیر امور خارجه کشورمان به عمان، قطر و چین و سفر رئیس‌جمهور به روسیه نیز بوده‌ایم. سفرهای متنوعی که نشان می‌دهد بازار رایزنی‌ها و چانه زنی‌های دیپلماتیک در سطوح منطقه‌ای و جهانی همچنان داغ

خارج کشورمان بودند تا بتوانند در صورت امکان کمکی به گشایش اوضاع نابسامان منطقه بکنند. در سفر به چین نیز آغاز اجرایی شدن توافق بیست و پنج ساله‌ای که قبلاً مذاکرات و بحث‌های نهایی در مورد آن صورت گرفته بود، با همان شرایط و وضعیت سابق اعلام شد. سفر رئیس‌جمهور کشورمان به روسیه نیز به نظر می‌رسد دستاورد ملموسی نداشته و صرفاً محل برخی رایزنی‌ها بوده است. هر چند که این امر نیز مسبوق به سابقه است و پوتین بار دیگر نشان داد تا زمانی که نتواند با ورق ایران، دست بالایی در بازی‌های منطقه‌ای و جهانی به دست آورد، نه تنها حاضر نیست گامی مثبت به نفع کشورمان بردارد، بلکه حتی در مواردی آداب اولیه دیپلماتیک را نیز در برخورد با رئیس‌جمهور کشورمان رعایت نمی‌کند و با وقاحت به سخنگوی دولت آمریکا تبدیل می‌شود و سعی می‌کند گزینه «توافق موقت با غرب» را به بهایی گزاف به ایران بفروشد!

که برای برخی که بیش از منافع ملی، دل در گرو منافع جناحی، گروهی و حتی فردی دارند، همین سیاست‌ها زمانی که از سمت جناح مقابل اجرایی می‌شود، خیانت، وطن‌فروشی، وادادگی در برابر غرب و ... تلقی می‌گردید، اما حال که از سوی جناح خودی به کار گرفته می‌شود، سراسر حکمت آمیز و در جهت منافع ملی تعبیر می‌شود.

البته در مقطع کنونی نیز برخی فعالان جناح مقابل از پای ننشسته‌اند و با پررنگ کردن مشکلات و نقاط ضعف سفرهای خارجی مقامات فعلی کشورمان می‌کوشند ناکارآمدی، ناپلیدی و بی‌تجربگی آنها را به رخ بکشند و دیپلمات‌ها و مذاکره‌کنندگان کشور را ضعیف و غیر قابل اعتماد جلوه دهند. غافل از اینکه در هر دو مقطع (دولت قبلی و دولت کنونی) کشورهای رقیب و دشمن با چشم‌هایی کاملاً باز نظاره گر دعوای درون گروهی و جناحی ما بوده و هستند، نهایت بهره‌را از آن می‌برند و با مشاهده این درگیری‌ها و خودزنی‌های داخلی، موضعشان را قوی‌تر کرده و بر سخت‌گیری و شروط غیر منطقی‌شان در قبال ایران می‌افزایند؛ معضلی که دود آن به طور مستقیم به چشم ملت ایران می‌رود و بار فشارهای مضاعف بر آنها را سنگین‌تر می‌کند.

نکته قابل تأملی که در اینجا وجود دارد و یکبار برای همیشه باید سر آن به توافق برسیم این است که به دلیل حساسیت‌های خاص عرصه سیاست خارجی و تأثیرات گسترده و مستقیم آن روی منافع، امنیت و

اقتصاد و معیشت کشور، این حوزه باید در محدوده خط قرمز تسویه حساب‌های سیاسی قرار بگیرد و به هیچ عنوان به عرصه‌ای برای جولان برنامه‌ها و بازی‌های سیاسی و جناحی تبدیل نشود. کشور ما در سالهای اخیر تحریم‌ها و مشکلات بی‌سابقه‌ای را متحمل شده و این امر هزینه‌های زیادی برای مردم ایران داشته است؛ بنابراین در مقطع کنونی اولویت همه دلسوزان مردم و کشور باید رفع این تحریم‌های ظالمانه و بازگرداندن کشور به مسیر تعامل طبیعی با جهان خارج باشد. این امر میسر نمی‌شود مگر اینکه ما بتوانیم در عرصه داخلی به نوعی اجماع گفتمانی پیرامون بسیاری از مسائل به ویژه در حوزه جهت‌گیری‌های سیاست خارجی برسیم. در شرایطی که توازن و سلسله مراتب قدرت در عرصه بین‌المللی نسبت به سالهای اولیه انقلاب اسلامی تا حدودی متحول شده و اصل «نه شرقی - نه غربی» نیز با ما و اگرهای داخلی مواجه گردیده، لازم است تصمیم‌سازان عرصه سیاست خارجی کشور با مشورت و همفکری عقلای جامعه و متخصصان و کارشناسان زبده و دلسوز از همه طیف‌های سیاسی، پیرامون جهت‌گیری‌ها و ابزارهای سیاست خارجی و نحوه تعامل موفق با جهان به یک اجماع جدید برسند و اصولی را طراحی و مشخص کنند که هم جوابگوی نیازهای ایران امروز باشد و هم ریشه جناح‌بازی در عرصه سیاست خارجی را بخشکاند.

منبع: خبر آنلاین

نگاه به شرق

حمید حاجی زاده *

و محدود به دوره چند ماهه دولت جدید کشورمان نیست. فارغ از موضعگیری‌های اخیر، دولت احمدی نژاد به تعبیری اولین دولت پس از انقلاب بود که در چارچوب توجه سیاست خارجی به گسترش روابط با کشورهای آسیایی در راستای سیاست نگاه به شرق، روابط با جمهوری خلق چین در آن جایگاه ویژه‌ای پیدا کرد و مجموعه عوامل و شرایط مختلف به ویژه از نظر راهبردی و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی دو طرف، روابط تهران و پکن را در مسیری قرار داد که انتظار همکاری فراگیر میان آنها به ویژه از سوی ایران چندان انتظاری بیپوده به نظر نمی‌رسید. اگرچه برخلاف انتظار ایران، این روابط هیچگاه به همکاری‌های فراگیر منجر نشد.

■ موافقان نگاه به شرق

مانند بسیاری از دیدگاه‌ها، دیدگاه نگاه به شرق طرفدارانی دارد. در این میان سه گروه به جای بحث کارشناسی در رابطه با این موضوع حیاتی که بر شئون زندگی مردم تأثیر می‌گذارد دفاع متفاوتی را در پیش گرفته‌اند:

— عده‌ای برای این که نشان دهند همگرایی با شرق با شعار «نه شرقی و نه غربی» که از شعارهای بنیادین انقلاب است مغایرتی ندارد، منظور از شرق در آن شعار رانه روسیه و چین بلکه دیدگاه اردوگاه کمونیسم معرفی می‌کنند و بی آن که مرزبندی این دورا روشن کنند سعی دارند نشان دهند تعبیر «نه شرقی» در شعار انقلاب بر علیه شوروی و چین آن زمان بوده است و ارتباطی با روسیه و چین فعلی ندارد. البته منطبق این موضوع اگر به بحث گذاشته شود منطق قابل توجهی است، مشروط بر آن که حامیان این دیدگاه قائل به بحث کارشناسی باشند و بتوانند نشان دهند که رفتار سالهای اخیر چین و روسیه با رفتار اردوگاه کمونیسم در ابتدای انقلاب تغییرات اساسی پیدا کرده است. حتماً در اثبات این تغییر عملکرد روسیه هم در قبال حمایت واقعی از مواضع ایران در سطح بین‌الملل، موضوع برجام، در منطقه (نظیر موضوع دریای خزر و دالان موهومی توران در ارمنستان) و بخصوص آن چه در سوریه می‌گذرد به بحث گذاشته خواهد شد. ضمن این که موضوعاتی نظیر عملکرد حمایت تسلیحاتی از ایران در فروش تسلیحات مدرن روسی همچون سامانه‌های ضد هوایی و پرنده‌های مدرن، تعاملات روسیه با دشمنان قسم خورده

از زمانی که دستگاه دیپلماسی کشور به شکل شفاف‌تری همگرایی با شرق (روسیه و چین) را دنبال می‌کند و ضرورتش را در کسب منافع استراتژی «نگاه به شرق در تقابل با غرب» می‌داند طرفداران این دیدگاه از هر چه ابزار ممکن استفاده کرده‌اند تا به هموارسازی این تغییر، که ممکن است راهبردی هم باشد، کمک کنند. البته که گاهی دفاع از یک دیدگاه آن چنان است که بجای کمک به ارتقای آن در عمل نتیجه‌ای جز تضعیف و تخریبش ندارد.

■ سابقه نگاه به شرق

در آستانه چهل و چهارمین سالگرد پیروزی انقلاب بار دیگر یکی از دو شعار اصلی انقلاب مورد توجه و بحث قرار گرفته است. شعارهای «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» و «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» در حقیقت دکترین انقلاب و چارچوب تشکیل جمهوری اسلامی بودند و دومی که مرزبندی سیاست خارجی را تعیین می‌کند بر سر در وزارت امور خارجه به شکل کاشیکاری برای همیشه تاریخ نقش بست. بررسی رسانه‌ها نشان می‌دهد که تا پایان دفاع مقدس هشت ساله هیچ نشانه‌ای که با شعار نه شرقی و نه غربی انقلاب زاویه داشته باشد پر رنگ نشده بود. اگر چه خصومت شرقی‌ها با انقلاب در ظاهر به شدت و روشنی غربی‌ها نبود اما آن‌ها با تأمین سلاح دشمن عملاً در جبهه متخاصم جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته بودند. کافی است به یاد بیاوریم که بنابر اطلاعات خبرگزاری دفاع مقدس، هشتاد و پنج درصد سلاح‌هایی که عراق در جنگ استفاده کرده است را شوروی تأمین کرده بود. دانستن موضوع حمایت شرق از عراق در جنگ موضوع پیچیده‌ای نیست و سردار فدوی جانشین فرماندهی سپاه نیز در اظهارات دوروز پیش گفته بود که در جنگ بجز دو کشور سوریه و کره شمالی هیچ کشوری نبود که در جبهه دشمن قرار نگیرد و ۸۷ کشور از عراق حمایت کرده بودند. با این همه، دوستی‌ها و دشمنی‌ها در عالم سیاست خارجی کشورها بر اساس منافع ملی آنها تعریف می‌شود و قرار نیست یک موضع تا ابد ثابت بماند و اصولاً تعبیر پارسی «حرف مرد یکی است» در عالم سیاست بین‌الملل جایگاهی ندارد. از سوی دیگر برخلاف آن چه این روزها در گوشه و کنار مطرح می‌شود این دیپلماسی راهبردی، اگر تغییر در دیپلماسی هم باشد، از دولتهای قبلی شروع شده است



بردن نظام، ایجاد مشکلات اقتصادی، جلوگیری از پیشرفت نظام و همراهی با دشمنان متهم می‌کنند. بی‌تردید سالهاست کشورمان در شرایط جنگ اقتصادی به سر می‌برد و به سادگی می‌شود این را در رفتار نظام سلطه و از آن مهمتر در سفره مردم جستجو کرد. اما این که علت این جنگ چیست، منافع این جنگ به کدام سمت است، راههای مبارزه با آن و کاهش آثارش کدام است و از همه مهمتر این که آیا در مخالفت با غرب الزاماً باید به شرق نگاه کرد و یاراهای دیگری نیز به موازات وجود دارد که می‌توان از آن‌ها برای چانه زنی دیپلماتیک استفاده کرد موضوعاتی هستند که باید در تضارب اندیشه‌ها و تحلیل‌های صاحب نظران به بحث گذاشته شود. کوچک کردن فضای نقد و بحث برای رسانه‌های غیر دولتی که الزاماً دیدگاه‌های آن‌ها مترادف با مواضع رسمی دستگاه دیپلماسی کشورمان نیست نظام را از مشاوره رایگان و بعضاً دلسوزانه و بی‌انتظار صاحب نظرانی محروم می‌کند که در میان آحاد مردم حضور دارند و بعضاً فارغ از منافع شخصی، گروهی و جناحی فقط به منافع ملی و میراث آیندگان می‌اندیشند. متقابلاً از این حیث هر گونه تحدید فضای نقد با منافع ملی در تعارض و به همین دلیل قابل تأمل است.

* کارشناس اقتصادی

انقلاب و بالاخره عملکرد روسیه در موضوع نیروگاه بوشهر نیز مد نظر قرار خواهد گرفت.

– عده‌ای منتقدین را کاسبان غربگرایی و جریان شکست خورده‌ای در سیاست می‌دانند که مردم به آن‌ها پشت کرده‌اند. این‌ها نیز بی‌آن که توضیح دهند تحلیل گران سیاسی و اساتید دانشگاه چه وابستگی به غرب دارند، تلاش در ذهن تحلیل گران، از نقد کارشناسی این استراتژی تاپویی بسازند که هر کس وارد آن شد مزدور غرب است. البته که تحریم هم ممکن است منفعی برای عده‌ای در پی داشته باشد اما هرگز دستگاه دیپلماسی در دام این اتهام قرار نمی‌گیرد. این عده یک پیش فرض مهم نیز دارند، این که به نظرشان تحلیل گران دودسته‌اند: یک بخش آن‌ها که با جریان فعلی که به هر تقدیر برنده انتخابات مجلس و دولت بوده است همراهی هستند و بخش دوم آن‌هایی که با این جریان همراهی نیستند و به زعم این دوستان مطبوعاتی بخشی شکست خورده و کنار گذاشته شده‌اند. به نظر می‌رسد که این تحلیل، هنوز همه صاحب نظرانی که اصولگرا نیستند را اصلاح طلب می‌داند.

– عده‌ای نیز از این فراتر رفته و با تحدید نقد، منتقدین این استراتژی را به تلاش برای برهم زدن موفقیت‌های اقتصادی آینده، به‌انزوا

عربستان به مسابقه تسلیحاتی خاور میانه دامن می زند

پرستو بهرامی راد

عربستان نیست که زرادخانه ایران را تحت الشعاع قرار می دهد. از نظر کیفی نیز برتری هوایی عربستان سعودی بر ایران، جای تاکید و توجه دارد. گزینه های ایران برای محافظت از حریم هوایی خود به شدت محدود شده است. بیشتر به علت تحریم ها، این کشور تنها می تواند رویای دستیابی به سامانه های پدافند هوایی و هواپیماهای آمریکایی و اروپایی را که زرادخانه های عربستان مملو از آنهاست، در سر داشته باشد. افزون بر این تحریم ها، واردات یا تولید قطعات یدکی مورد نیاز ایران را برای عملیاتی نگه داشتن ناوگان قدیمی هواپیماهای نظامی خود بسیار دشوار کرده است. با این حال در حالی که ایران تلاش می کند ناوگان هواپیماهای خود را سر پا نگه دارد، عربستان سعودی در فاصله سال های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ با اضافه کردن ۹۱ فروند هواپیمای جنگنده از آمریکا و ۱۵ هواپیما از انگلیس به نیروی هوایی بزرگ تر خود، در واقع توانست به طور پیوسته قابلیت های حمله دور بردش را تقویت کند. در این مدت، عربستان همچنین ۱۴ سامانه پدافند هوایی بیشتر نیز خریداری کرد. تا پایان سال ۲۰۲۰، خرید تسلیحاتی ریاض شامل هفت سامانه موشکی ضد بالستیک آمریکا نیز بود. حتی پیش از این خریدهای اخیر نیز آنتونی اچ. کوردزمن، از تحلیلگران ارشد نظامی در سخنانی گفت که «توازن هوایی در این منطقه به طور قطع» به سود آمریکا و کشورهای عربی خلیج فارس است که از مزیت تعیین کننده ای به لحاظ کیفیت و کمیت موشک های هوا به هوا و سطح به هوا برخوردارند. کوردزمن در ادامه بر «محدودیت های عمده ایران در زمینه تقویت و نوسازی» نیروهای زمینی و دریایی خود تاکید کرد و افزود این نقاط ضعف کلیدی که به توضیح تأکید ایران بر نیروهای موشکی خود کمک می کند، در واقع بر نبود نیروی هوایی امروزی و موشک های سطح به هوا نهفته است. ایران از زمان سقوط شاه تاکنون قادر به واردات عمده هواپیماهای جنگنده امروزی از آمریکا و اروپا یا اجرای هیچ یک از برنامه های نوسازی نبوده است که برای ارتقاء هواپیماهای ساخت آمریکای این کشور مهم حیاتی اند. این کشور تنها واردات محدودی

نشریه فارن پالیسی در گزارشی به نوشته سجاد صفایی و تریتا پارسی نوشته است: شواهد تازه ای دال بر کمک چین به عربستان در ساخت برنامه موشکی بالستیک این کشور نمایان شده است. اگرچه گزارش های اولیه درباره این برنامه موشکی در سال ۲۰۱۹ منتشر شد اما قابلیت عربستان برای شلیک موفقیت آمیز موشک نامشخص مانده بود. پژوهشگران موسسه پژوهش های بین المللی میدلبری آمریکا در این باره به سی ان ان گفته اند: «پکن در حال کمک به ریاض برای توسعه چنین پیشرفت هایی است و ما اکنون این نخستین شواهد روشن و بی ابهام را در اختیار داریم.» این امر در واقع نقطه عطف انکارناپذیری را نشان می دهد که افزون بر کمک نظامی چین به عربستان، به مسابقه تسلیحاتی خاور میانه نیز مربوط است. ایران مطمئناً خوبی تشخیص می دهد که این پیشرفت های عربستان، پیامدهای بالقوه ناخوشایندی را برای موضع دفاعی آن در پی دارد. تهران نیز احتمال دارد متناسب با آن پاسخ بدهد. اما اگر چین به سوق دادن منطقه به سوی وضعیت دشوار، خطرناک و نامشخص کمک می کند، مهم است که بدانیم این وضع دهه ها در حال شکل گیری بوده و سیاست های کوتاه بینانه غرب به هموار کردن راه برای ایجاد چنین شرایطی کمک کرده است. عربستان سعودی امروز مملو از پیشرفته ترین تسلیحات جهان است. جریان ثابت ارائه تسلیحات - که بیشتر از کشورهای آمریکا، فرانسه و انگلیس است - عربستان را به بزرگ ترین واردکننده تسلیحات در سراسر جهان تبدیل کرده است. در فاصله سال های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰، این کشور ۱۱ درصد از واردات تسلیحات جهانی را دریافت کرد. در حقیقت، به نظر می رسد عربستان صرف نظر از اینکه در وضعیت جنگ یا صلح باشد، واکنش مورد علاقه آن به هر چالش ژئوپلیتیکی، خریدهای نظامی است. در مقابل، مجموع واردات تسلیحات ایران در همین دوره زمانی به سه دهم درصد از کل واردات جهانی رسید. بین سال های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۰، هزینه های نظامی سالانه عربستان سعودی بین چهار تا هشت برابر ایران در نوسان بوده است. اما این تنها اندازه زرادخانه

را انکار می‌کنند. این رویکرد ناعادلانه، اکنون یک سنت جا افتاده است که با جنگ ایران و عراق (۱۹۸۰-۱۹۸۸) آغاز شد. در طول آن هشت سال طولانی، عراق از حمایت نظامی، اقتصادی و سیاسی بی‌وقفه غرب و بقیه برخوردار بود. در حالی که صدام می‌توانست شهرها و نیروهای ایرانی را با موشک‌های بالستیک و بمباران‌های هوایی هدف قرار دهد که اغلب با عوامل شیمیایی و میکروبی همراه بود، ایران تحت تحریم، از منابع مالی، زیرساختی و فناوری محدود برای دفاع کافی از خود یا بازداشتن عراق از انجام حملات آینده برخوردار بود. اگر این نابرابری نامتناسب در رویکرد غرب در طول این جنگ نبود، شاید ایرانی‌ها هرگز ناچار به ساخت موشک‌های بالستیک خود نمی‌شدند و بدون برنامه موشکی پیشرفته ایران، ممکن است سعودی‌ها هرگز نیاز به ساخت یک برنامه موشکی را احساس نمی‌کردند؛ برنامه‌ای که در آن واحد به صنعت تسلیحات چین کمک مالی و مسابقه تسلیحاتی بالستیک خاورمیانه را تسهیل می‌کند و تصیف‌کننده اهداف منع اشاعه تعیین شده از سوی واشنگتن و متحدان غربی آن است. اما اگر همکاری موشکی بالستیک چین - عربستان آموزنده باشد، توجه به آن نیز همینطور است. به علت وجود یک وسواس بیمارگونه در خصوص ایران - به قول مورخ سرشناس اروند آبراهامیان، یک کشور جهان سوم با ارتش درجه چهارم - برنامه موشکی آن مورد توجه طولانی مدت رسانه‌ای و سیاسی قرار دارد. هر پیشرفت کوچکی در برنامه موشکی ایران از سوی تصمیم‌گیرندگان، کارشناسان و صاحب‌نظران به طور جامع و دقیق گزارش، بحث، تجزیه و تحلیل یا به سادگی محکوم می‌شود. در مقابل، واکنش‌ها به گزارش اخیر درباره انتقال چنین فناوری راهبردی به عربستان سعودی تا حد زیادی خاموش مانده است. اینکه ریاض خواهان کمک چین به ساخت برنامه موشکی بالستیک است، استدلال غلطی را آشکار می‌کند که بیشتر برای توجیه فروش تسلیحات آمریکا به هم‌پیمانان عرب این کشور استفاده می‌شود: اگر واشنگتن به ریاض سلاح نفروشد، مسکو و پکن این کار را خواهند کرد. در حالی که بر اساس مفاد رژیم کنترل فناوری موشکی سال ۱۹۸۷، عربستان سعودی از خرید موشک‌های بالستیک از آمریکا منع شده، این کشور در حال حاضر از دسترسی به پیشرفته‌ترین سامانه‌های تسلیحاتی آمریکا و اروپا تا به امروز برخوردار بوده است. با این حال، به نظر نمی‌رسد که این امر عطش سیری ناپذیر این کشور پادشاهی را حتی برای داشتن تسلیحات بیشتر برطرف کند. برای بیش از چهار دهه دولت‌های غربی، رقیبان ایران را تا دندان مسلح کرده‌اند در حالی که بیشتر آنها هیچ یک از نیازهای امنیتی تهران را مشروع در نظر نگرفتند. اقدامات عربستان سعودی برای ساخت برنامه موشکی بالستیک باید به عنوان یک یادآور قانع‌کننده از مشکلات این رویکرد ناعادلانه و کوه‌بینانه در قبال امنیت خاورمیانه در نظر گرفته شود.

از موشک‌های سطح به هوا داشته و به سامانه‌های ارتقاء یافته آمریکا و اروپا و نیز سامانه‌های جدیدتر دسترسی نداشته است. ایران به دنبال هواپیماهای جنگی پیشرفته و موشک‌های سطح به هوا از روسیه بوده اما موفقیت‌چندانی نداشته و ادعای آن درباره تولید جایگزین‌ها نیز تاکنون چیزی بیش از تبلیغ توخالی نبوده است. به عبارت دیگر، خودداری غرب از فروش تسلیحات متعارف به ایران، همراه با آمادگی غرب برای مسلح کردن رقیبان این کشور، به تحریک ایران برای دستیابی به موشک‌های بالستیک کمک کرده است. این برنامه به طور اساسی، توازن قدرت هوایی را به سود تهران تغییر نمی‌دهد اما دیوار نازکی از بازدارندگی نظامی را برای ایران در برابر این قدرت هوایی بسیار برتر و تأمین شده از سوی غرب فراهم می‌کند که ایران را احاطه کرده است. در حالی که "برنامه موشکی" تقریباً یک ضرورت وجودی برای ایران است، این استدلال که وجود چنین برنامه‌ای، کارکرد مشابهی در برابر ظرفیت دفاعی عربستان سعودی دارد، بسیار غیرقابل باور است. در حقیقت حتی صداهای جنگ طلب هوادار عربستان که به شدت مخالف برنامه موشکی ایران هستند نیز اذعان می‌کنند که ریاض به رقابت با ایران برای تولید یا تأمین موشک‌های بالستیک نیازی ندارد. این کشور در حال حاضر از یک برتری نظامی متعارف و چشمگیر برخوردار است. با این حال اگر سعودی‌ها ظرفیت شلیک انبوه موشک‌ها را توسعه دهند؛ زمینه‌ای که ایرانی‌ها مدت‌ها است بر آن مسلط شده‌اند، ممکن است بتوانند بر پدافند هوایی ایران غلبه کنند؛ موضوعی که نه آنها و نه اسرائیلی‌ها در حال حاضر نمی‌توانند به طور قابل اعتماد انجام دهند. از آنجا که هیچ خطری برای از دست دادن خلیانان در یک حمله موشکی موفقیت‌آمیز وجود ندارد، عربستان سعودی ممکن است تمایل کمتری به خویشتن‌داری در برابر توسل به چنین تسلیحاتی داشته باشد و عملاً در مؤلفه اصلی بازدارندگی ایران که چندین دهه در حال ساخت آن بوده است، خدشه وارد کند. برنامه موشکی بالستیک عملیاتی عربستان که بتواند ایران را با شلیک شمار فراوانی موشک در کوتاه مدت از پا درآورد، احتمالاً عزم تهران را برای گسترش بیشتر برنامه موشکی خود و رد درخواست‌های غرب برای محدود کردن یا حتی گفتگو درباره برنامه موشکی بالستیک این کشور تقویت خواهد کرد. اگر دورنمای دستیابی به توافق به منظور محدود کردن موشک‌های ایران امروز کم‌رنگ به نظر می‌رسد، بخشی از آن مدیون سیاست‌های غرب است که منجر به عدم توازن گسترده تسلیحات و فناوری در خلیج فارس علیه ایران شده است. برای بیش از چهار دهه، وجود یک حس وسواس گونه نسبت به ایران، دولت‌های اروپایی و آمریکارا بر آن داشت تا از رقیبان و دشمنان تهران با تسلیحات تقریباً تا حد اشباع، محافظت کنند، در حالی که به طور هم‌زمان قابلیت‌های دفاعی ابتدایی ایران

کارشناسان: می توان از تجربه چین در توسعه شبکه ملی اطلاعات استفاده کرد سیطره غول شرقی بر فضای مجازی ایران؟

سپیده قاسمی

بحث‌های به میان آورده‌اند. از جمله نایب رئیس کمیسیون اصل ۹۰ در فروردین ماه امسال با اشاره به جزئیات سند همکاری ۲۵ ساله ایران و چین اعلام کرد: «با کمک چین باید بر فضای مجازی خود حاکمیت داشته باشیم». همچنین روز گذشته یزدی خواه، نماینده مجلس نیز طی سخنانی خواستار استفاده از تجربه چین در بحث توسعه شبکه ملی اطلاعات شد. کارشناسان معتقدند؛ با توجه به توانمندی‌های کشورهای چین در صورت ذکر بندهای در این حوزه در سند همکاری ۲۵ ساله، این موضوع به نفع کشور ما خواهد بود، چرا چین می‌تواند علاوه بر سرمایه گذاری، فناوری‌های نوین خود در این حوزه‌ها را در اختیار کشور ما قرار دهد. در ادامه گفت و گویی با علی کیانی فر، کارشناسان حوزه فناوری، برای بررسی امکان و زمینه‌های همکاری با چین برای توسعه فناوری در کشور داشته‌ایم. چین چه توانمندی‌های در این حوزه‌ها برای ارائه به ایران دارد؟ کشور چین هم اکنون بعد از آمریکا تبدیل به قطب دوم فناوری اطلاعات در دنیا شده است و حتی در بعضی حوزه‌ها مثل هوش مصنوعی در سالهای آینده آمریکا را پشت سر خواهد گذاشت. چین با توجه به اینکه چندین برابر آمریکا جمعیت دارد

همکاری‌های مشترک ایران و چین منتشر نشده است. مسئولان دلیل این پنهانکاری را ملاحظات سیاسی و جلوگیری از سواستفاده دشمنان عنوان می‌کنند. اما گفته‌ها حاکی از آن است که، این سند توافقی سیاسی، استراتژیک و اقتصادی میان جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین برای سرمایه‌گذاری در صنعت نفت، شرکت ملی صادرات گاز، شرکت ملی صنایع پتروشیمی، زیرساخت‌های ایران و همکاری نظامی، امنیتی، فرهنگی و قضایی است. شاید منشأ این گفته‌ها، متنی باشد که ۴ سال و نیم قبل به زبان انگلیسی در وبسایت رسمی رییس جمهوری ایران منتشر شده است. تاریخ انتشار این متن ۲۳ ژانویه ۲۰۱۶ (سوم بهمن ۱۳۹۴)، حدود ۶ ماه پس از سفر رییس جمهوری چین به ایران است. برخی گمانه زنی‌ها حاکی از آن است که علاوه بر موارد ذکر شده، ایران و چین در حوزه‌های اینترنت و فضای مجازی نیز همکاری خواهند داشت. هر چند وزیر ارتباطات چند روز پیش در پاسخ به یکی از کاربران فضای مجازی، همکاری با چین برای راه‌اندازی اینترنت ملی، را شایعه‌ای بی اساس دانست. اما برخی نمایندگان مجلس از این همکاری

در بیست و چهارم ماه گذشته حسین امیر عبداللهمیان، وزیر امور خارجه ایران، از اجرایی شدن "سند همکاری‌های ۲۵ ساله ایران و چین" خبر داد. موضوع سند همکاری ایران و چین به سال‌ها قبل بر می‌گردد، به زمانی که هشی جین پینگ، رییس جمهوری خلق چین پنج سال پیش در دیدار رهبر معظم انقلاب موضوع توافق ایران و چین برای روابط استراتژیک ۲۵ ساله را مطرح کرد. این دیدار ۱۱ روز پیش از توافق هسته‌ای ایران و چین +۱ در تاریخ ۱۱ تیر برگزار شد. از سال ۱۳۹۸، این سند مورد بحث قرار گرفت و چند متن پیش‌نویس، میان دو کشور رد و بدل شد، اما دولت در روز ۳ تیر ۱۳۹۹ به طور جدی به این سند پرداخت و در جلسه هیات دولت به ریاست حسن روحانی، پیش‌نویس نهایی بر نامه ۲۵ ساله همکاری‌های جامع ایران و چین را بررسی و تأیید کرد. در این نشست به وزارت خارجه مأموریت داده شد که، طی مذاکرات نهایی با طرف چینی، بر اساس منافع متقابل بلندمدت، این برنامه را به امضای طرفین برساند. پیرو این جلسه، در هفتم فروردین ۱۴۰۰ در مراسم در تهران سند مذکور به امضای محمدجواد ظریف، وزیر خارجه وقت ایران و وانگ یی، وزیر خارجه چین، رسید. با این وجود جزئیات سند ۲۵ ساله



توانسته با سرمایه گذاری مناسب نیروی انسانی در حوزه‌های مختلف تقریباً در IT خود کفا شود. شاید چین تنها کشوری باشد که در زیرساخت‌های حساس و دولتی خود از هیچ تجهیز آمریکایی استفاده نمی‌کند. تنها ضعف چین تا کنون این بوده که در موارد خاصی مثل سیستم عامل موبایل و ساخت CPU نتوانسته با آمریکا رقابت کند که البته برای آن هم در سالهای اخیر برنامه ریزی کرده و به آن دست یافته است. سرعت رشد چین در فناوری و تولید آنقدر زیاد بوده که برخی از چین به عنوان "The World's Factory" یاد می‌کنند. طبعاً در قرارداد ۲۵ ساله با چین این امکان وجود دارد که ایران در حوزه‌های زیادی از جمله هوش مصنوعی، رباتیک، علوم ارتباطات، امنیت و ... بتواند از تجربیات چین استفاده کند و انتقال دانش صورت بگیرد.

اگر قرار به سرمایه گذاری از سوی چین در این زمینه‌ها باشد، چه میزان سرمایه باید جذب شود؟ متأسفانه مفاد قرارداد منتشر نشده است. به همین دلیل نمی‌توان گفت چه میزان سرمایه باید جذب شود. اما فرصتهای سرمایه گذاری زیادی برای چین در ایران وجود دارد. بخصوص در برهه‌ای که آمریکا و غرب در بازار ایران حضور مستقیم و رسمی ندارند. چین می‌تواند از این فرصت نهایت استفاده را ببرد و در ایران بدون حضور رقبای جدی خارجی سرمایه گذاری گسترده‌ای کند.

اساساً برای چین صرفه و جذابیت سرمایه گذاری در این حوزه‌ها در ایران وجود دارد؟ چین، آمریکا را رقیب اصلی خود در حوزه فناوری اطلاعات در بازارهای بین‌المللی می‌داند و از سالها پیش برنامه ریزی کرده است تا با فرهنگ سازی و آشنایی

می‌تواند بسیار وسیع باشد و شامل همه انشعابات فناوری اطلاعات بشود. چین در بومی سازی محصولات استراتژیک در زیرساخت‌های حیاتی خود بسیار موفق بوده است. چین می‌تواند این تجربیات را به ایران انتقال دهد. مادر ایران در موضوع مدیریت فناوری اطلاعات بسیار ضعیف عمل کرده‌ایم. مراکز متعدد تصمیم گیری موجب شده که در برخی از حوزه‌ها دچار آشفتگی شویم. انتقال دانش در حوزه مدیریت فناوری اطلاعات و آموزش نیروی انسانی هم می‌تواند از موضوعات مهم توافق ما با چین باشد.

شکل سرمایه گذاری چگونه باید باشد که منافع بخش خصوصی ایران نیز در این حوزه‌ها تأمین شود؟ هدف از این قرارداد قطعاً این نیست که امورات مهم خود در حوزه فناوری اطلاعات را به چینی‌ها بسپاریم. از چین انتظار سرمایه گذاری و انتقال دانش و تربیت نیروی انسانی در حوزه‌های مهم را داریم. طبیعتاً نقش بخش خصوصی در توافق باید بسیار پررنگ باشد و انتظار می‌رود این توافق به قوی‌تر شدن بخش خصوصی در حوزه‌های همکاری منجر شود.

متخصصان با محصولات و توانمندی‌های چین بتوانند سهم بیشتری از بازار کسب کنند. به عنوان مثال در سال‌های اخیر و تا قبل از شیوع کرونا، دولت چین بودجه‌ای را اختصاص داده بود به متخصصان فناوری اطلاعات در آسیا و آنها را در یک دوره یک ماهه رایگان به چین دعوت می‌کرد تا با محصولات و توانمندی‌های چین در حوزه فناوری اطلاعات آشنا شوند. تمامی هزینه‌های رفت و برگشت و اقامت را دولت چین تقبل می‌کرد. حتی از ایران هم یک گروه ۴۰ نفره دعوت شدند و به چین رفتند و در یک دوره یک ماهه با فناوری‌های چین در حوزه ارتباطات و مخابرات آشنا شدند. علاوه بر این، چین و ایران هر دو با آمریکا درگیر تنش‌های سیاسی و اقتصادی هستند. ایران به عنوان یک شریک استراتژیک می‌تواند برای چین بسیار حائز اهمیت باشد. بنابراین سرمایه گذاری در ایران برای چین جذابیت بسیار زیادی دارد و از آن استقبال می‌کند.

علاوه بر حوزه‌های نام برده شده حوزه دیگری نیز وجود دارد که نیازمند سرمایه گذار خارجی مانند چین باشد؟ حوزه‌های همکاری و سرمایه گذاری

شاهنامه بورس آخرش خوش است؟

ابهامات ناتمام تالار شیشه‌ای

پوئه ترابی

من در این قضیه نوعی بی‌تدبیری صورت گرفت. بورس که نباید محلی برای تأمین کسری بودجه یا قلکی برای این موضوع باشد. باید یک طراحی کرد که مردم ما آسیب نبینند. بورس قلکی برای رفع مشکلات دولت نیست. در همه دنیا هم بانک هم بورس دو محل تأمین سرمایه برای تولید هستند. یعنی باید بورس محل تأمین سرمایه تولید باشد و اگر اینطور باشد مردم دیگر دچار مشکل نخواهند شد.

■ بورس، اولویت فوری

وی همچنین تأکید کرده بود که "رفع مشکل هم‌نیاز به انجام اقدامات سریع و هم‌نیاز به انجام اقداماتی زمان‌بر دارد تا اعتماد را به بازار برگردانیم. اگر توفیق پیدا کردم و رأی مردم به من تعلق گرفت کاری که در ابتدا انجام می‌دهم این است که اعتماد را به مردم عزیزم برگردانم و نواقص و سوءمدیریت‌ها را جبران کنم." رئیس‌ی همچنین در ۲۵ خرداد ماه که به عنوان یکی از کاندیداهای ریاست جمهوری و مقامات بلندپایه به تالار بورس در سعادت آباد رفت تا از نزدیک به صحبت‌های سهامداران گوش کند، پس از شنیدن حرف‌های مالباختگان بورس گفت: متأسفانه کار اشکالاتی داشت که سهامداران به ویژه سهامداران خرد را نگران کرده است. نباید مشکلات را پشت گوش انداخت بلکه باید در دل مشکلات رفت، راه‌حل‌ها را پیدا کرد و با کمک همه کسانی که می‌توانند نقش آفرین باشند، وضعیت را به سرعت اصلاح کرد. بازار بورس و مسائل آن مثل نرخ‌گذاری و دامنه‌نوسان را نمی‌توان دستوری اداره کرد بلکه باید سازوکارهایی برای آن ایجاد شود. مهم‌ترین عامل اعتماد مردم به بازار بورس را ثبات این بازار عنوان کرد. ثبات در مقررات از شرایط مهم بازار سرمایه است تا سهام‌دار بتواند وضع بازار را پیش‌بینی کند. رئیس‌ی در واکنش به گلایه‌های چند تن از مالباختگان بورس از عدم اجرای مصوبه شورای هماهنگی اقتصادی سران قوا برای تزریق ۲۰۰ میلیون دلار به بازار بورس قول داد این موضوع را با جدیت پیگیری کند و اعلام کرد که مبلغ مصوب در جلسه سران قوا باید زودتر به بازار سرمایه تزریق شود تا وضعیت بورس هر چه سریع‌تر سامان یابد.

وی در مراسم تنفیذ که ۱۲ مردادماه با حضور جمع کثیری از مقامات

اگر آتش‌سوزی بود یا سیل و زلزله، با هر میزان خرابی پس از مدت مشخصی تمام می‌شد و مال باخته می‌توانست برای از نو ساختن سرمایه خود اقدام کند. اما ریزش بورس بدتر از هر بلای طبیعی دیگر برای مدت نامشخصی ادامه دارد و حتی سهامدار نمی‌تواند تصور کند آخر این همه خسارت کجاست!؟

اگر آن همه صعود بازار سرمایه غیرطبیعی بود، این همه سقوط هم غیرطبیعی است. سقوطی که عمر آن به ۱۹ ماه رسیده است در حالی که برخی مدعی بودند می‌توان مشکلات آن را سه‌روزه حل کرد! وعده بهبود وضعیت بازار سرمایه در سه روز، یکی از وعده‌هایی بود که کاندیداهای ریاست جمهوری در روزهای پیش از انتخابات برای داغ کردن تنور قول و قرارهای خود با مردم به کار می‌گرفتند.

■ **باید به بورس عمق ببخشیم تا بورس بتواند استختر عمیق‌تری باشد**

در همان روزها بود که ابراهیم رئیس‌ی که در حال حاضر بر صندلی ریاست جمهوری تکیه زده است، گفته بود: از وضعیت بورس متأثر بودم اما بعد از دیدار با برخی سهام‌داران متأثرتر شدم که چرا دعوت عمومی برای رفتن به بورس همراه با اقداماتی نیست؟ طبیعتاً چون این دعوت مدیریت نشده بود مشکلات جدی برای مردم ایجاد کرده است. خصوصاً سهامداران خرد. راهکار چیست؟ راهکار این است که اولاً نظارت‌های درون‌سازمانی بورس فعال شود. دوم اینکه حتماً باید صندوق توسعه و تثبیت برای جلوگیری از تکان‌ها در سهام مردم فعال شود. حتماً باید برای پوشش دادن به مخاطرات، مخصوصاً برای سهامداران خرد ساز و کاری ایجاد شود که بتواند مخاطرات را پوشش دهد. حتماً دولت باید ساز و کاری فراهم کند که سهام‌داران عزیزان از خطر نجات دهد. وی بر این نکته تأکید کرده بود که از نکاتی که حتماً باید توجه شود موضوع عمق دادن به بورس است. چرا ۵۰ تا ۶۰ درصد همیشه پشت در بورس آمده هستند تا سهامشان را عرضه کنند اما کارهای اولیه‌اش سریع انجام نمی‌شود؟ در یک بروکراسی اداری گرفتار شدند. حتماً این کار باید سریع انجام شود. ما باید به بورس عمق ببخشیم تا بورس بتواند استختر عمیق‌تری باشد. وقتی عمیق‌تر باشد، حتماً تکان‌ها کمتر خواهد شد. به نظر

لشکری و کشوری برگزار شد، ثبات بازار سرمایه و بورس را به عنوان اولویت فوری دولت اعلام کرد.

■ وعده‌های خاندوزی برای بهبود وضعیت بورس

پس از آن وزمانی که ریسی به عنوان رئیس جمهوری دولت سیزدهم انتخاب شد، سید احسان خاندوزی را به عنوان وزیر اقتصاد برگزید. خاندوزی هم وضعیت بازار سرمایه را نادیده نگرفت و رسیدگی به این بازار را جزو برنامه‌های وزارت اقتصاد در دولت سیزدهم برشمرد. وی در همان روزهای نخست بعد از معرفی اعلام کرد هفت سیاست افزایش نقش بازار سرمایه در تأمین مالی تولید با توسعه بازار بدهی، متنوع‌سازی ابزارها و محصولات مالی در بازار سرمایه، حذف تنظیم‌گری‌های غیر ضروری و مضر، تسهیل ورود شرکت‌ها به بازار سهام، کاهش هزینه انتشار اوراق یا تسهیل مقررات مربوطه، لغو انحصارات و تسهیل مجوزدهی در ارائه خدمات مرتبط با بازار سرمایه مانند سبدگردانی، بازارگردانی و کارگزاری و اصلاح نظام حکمرانی شرکتی به منظور مدیریت تعارض منافع میان سهامداران عمده و خرد و ارائه مشوق برای سرمایه‌گذاری غیر مستقیم مردم در بازار سرمایه را برای این بازار به کار خواهد گرفت. در نهایت خاندوزی در تاریخ سوم شهریور رأی اعتماد مجلس را از آن خود کرد و طبق انتظار بخشی از دفاعیه خود را هم به بازار سرمایه اختصاص داد. خاندوزی در دفاع از برنامه‌های بورسی خود یکی دیگر از اهداف و برنامه‌های خود را بازگرداندن اعتماد به بازار سرمایه برای تأمین مالی توسعه اقتصادی و احیای اعتماد از دست رفته مردم به این بازار و ایجاد تجربه مثبت برای سهام‌داران خرد عنوان کرد و راهکارهایی را برای این مهم ارائه داد و گفت: با همکاری وزارت صمت و وزارت خارجه تلاش می‌کنیم سرمایه‌های خارجی و سرمایه ایرانیان خارج از کشور را مورد توجه قرار دهیم، البته بیش از سرمایه‌گذاران خارجی، ایرانیان آماده به سرمایه‌گذاری مورد توجه خواهند بود.

■ از حرف تا عمل رئیس جدید سازمان بورس

مجید عشقی هم از این قاعده مستثنی نبود و پس از صحبت‌های وزیر، در دهم ابان و حدود ۲۰ روز بعد از آنکه به عنوان رئیس سازمان بورس انتخاب شد، در اولین اظهار نظر خود در مورد بازار گفت که قرمز بازار ناگهانی ایجاد نشده که ناگهانی هم از بین برود، بلکه وضعیت به مرور بهتر خواهد شد.

پس از آن عشقی در مورد حمایت از سهامداران خرد، بازگرداندن اعتماد به سهامداران خرد، تدوین طرح جامع سهام عدالت، معرفی بازارگردان برای ETF ها و... وعده‌های زیادی داد که تقریباً تاکنون هیچکدام از این وعده‌ها به مرحله عمل نرسیده است. البته به نظر می‌رسد عشقی چندان متوجه عمق فاجعه بورس نشده است چرا که هفته قبل و در حضور نمایندگان مجلس اعلام کرد که تنها پنج

یا ۶ میلیون نفر در بازار سرمایه متضرر و مابقی با سود از این بازار خارج شده‌اند!

■ ۱۰ بندی که روی سر بازار آوار شد

البته هر فرد کارشناس و غیر کارشناسی با یک نگاه سرسری به وضعیت بازار سرمایه می‌تواند متوجه این موضوع شود که هنوز وعده‌های دولت در مورد بازار سرمایه که قرار بود اولویت اول باشد محقق نشده است. تیر آخر دولت نیز قیمت گاز و سوخت گاز در لایحه بودجه بود. تعدد تصمیم در مورد این موضوع و در نهایت تغییر آن در دقیقه ۹۰، آخرین قطره‌های اعتماد مردم به بورس را هم خشکاند. به طوریکه شاخص کل بورس در روز سه‌شنبه، پس از شش ماه کف خود را شکست و به کانال یک میلیون و ۲۰۰ هزار واحد سقوط کرد. در این راستا، حسن کاظم زاده، تحلیلگر بازار سرمایه در گفت‌وگو با ایسنا، با بیان اینکه وعده‌هایی که قبل از روی کار آمدن دولت سیزدهم از سوی برخی مسئولان فعلی ارائه شد بسیار کلی بود، اظهار کرد: زمانی که این وعده‌ها داده می‌شد انتظار می‌رفت بعد از روی کار آمدن دولت جدید، وعده‌های کلی که داده شده بود به وعده‌های عملیاتی تبدیل شوند. اما برنامه عملیاتی با تأخیر زیادی رخ داد. از مردادماه که دولت سیزدهم مستقر شد تا حدود یک ماه قبل که بسته حمایتی ۱۰ بندی از سوی دولت پیشنهاد شد شاهد هیچ اقدامی نبودیم.

وی ادامه داد: امید می‌رفت ۱۰ بند بتواند شرایط بازار را بهتر و با ثبات‌تر کند و از طرف دیگر اعتماد را به بازار برگرداند. زیرا مشکل بازار بحث اعتماد است. اما همین بسته ۱۰ بندی هم تبدیل به مبنایی برای عدم اطمینان و عدم اعتماد شد. در ابتدا در مورد نرخ گاز و سوخت شایعاتی مطرح شد. بعد لایحه بودجه سال آینده ارائه شد که نرخ گاز و سوخت در آن بسیار گران دیده شده بود که مزیت رقابتی شرکت‌های پتروشیمی ایران را زیر سؤال می‌برد. این تحلیلگر بازار سرمایه با اشاره به برنامه حمایتی ۱۰ بندی که از سوی دولت ارائه شد اظهار کرد: قرار بود مشکل لایحه حل شود اما در نهایت مشخص نشد نتیجه آن چه بود. الان هم مشخص نیست سقفی برای گاز و خوراک در نظر گرفته شده است یا خیر! در حالی که قرار بود این برنامه عدم اطمینان را برطرف کند اما به آواری روی سر بازار تبدیل شده است. اصلاً هم مشخص نیست این مشکل ناشی از سازمان بورس است یا وزارت اقتصاد و یا دولت! هیچکس زیر بار این موضوع نمی‌رود. در نهایت باید گفت قاعده تا هیچکس انتظار ندارد وضعیت بورس مشابه ماه‌های نخست سال ۱۳۹۹ شود، حداکثر انتظار سهامداران این است که حداقل بتوانند اصل سرمایه خود را از بازاری که مانند چاه ویل پول‌های آنان را می‌بلعد، پس بگیرند، موضوعی که ابهامات پیش روی بازار آن را غیرممکن ساخته است.

قصور پلیس در تصادف زنجیره‌ای بهبهان چه بود؟

ابعاد تکان‌دهنده از ایمنی خودروهای داخلی

هادی احتشام



در ایران مواجه شده است. صبح روز ۲۰ دی ماه امسال حدود ۶۰ خودرو با یکدیگر تصادف کردند و پنج نفر قربانی این تصادف زنجیره‌ای شدند. دو روز بعد سید کمال هادیان فر، رییس پلیس راهنمایی و رانندگی در مصاحبه‌ای تکان‌دهنده اعلام کرد که «در همین حادثه بهبهان ایربگ هیچ خودرویی باز نشد. این چه خودرویی

کیفیت خودروهای داخلی سالهاست که زیر تیغ انتقاد مصرف‌کنندگان است اما لابی و رانت خودروسازان در ایران آنقدر قوی بوده است که نزدیک به چهار دهه انحصار بازار داخلی را در دست بگیرند و گوش‌شان به این حرف‌ها بدهکار نباشد. حالا اما تصادف زنجیره‌ای در محور بهبهان - رامهرمز با واکنش گسترده رسانه‌ها

کشمکش درباره کیفیت خودروهای ایرانی بار دیگر با تصادف زنجیره‌ای حدود ۶۰ خودرو در جاده بهبهان - رامهرمز بالا گرفته است و ماجرای ایمنی خودروهای ایرانی به باز نشدن ایربگ‌ها تقلیل داشته اما کارشناسان صنعت خودرو معتقد هستند کیفیت خودروهای داخلی ابعادی هولناک‌تر از ایربگ‌ها دارند.

است که ما داریم. چرا ارایه مرگ تولید می‌کنیم؟ دستگاه‌های مسئول باید بر کیفیت خودروها نظارت کنند. چرا استانداردها رعایت نمی‌شود؟»
افشاگری پلیس موجی از انتقادهارا علیه خودروسازان ایجاد کرد.
مهدی اسلام‌پناه، رییس سازمان ملی استاندارد گفت که «استاندارد، کف کیفیت است و همه کیفیت نیست. نظام ارزیابی کیفی خودرو، مجموعه‌ای از عوامل و مولفه‌هاست. ما کف کیفیت را در نظر گرفتیم، اما همان هم رعایت نمی‌شود.»

برخی نمایندگان مجلس هم شروع به مصاحبه‌هایی علیه خودروسازان کردند و در این میان خودروسازان با روش‌های عجیب و غریب سعی کردند ماجرای تصادف محور بهبهان-رامهرمز را توجیه کنند. بهانه‌هایی با این عنوان که رانندگان خودشان ایربگ‌ها را قفل کرده بودند! یا مدل‌های خودرو قدیمی بوده و برخی از این خودروها اساساً ایربگ نداشتند یا اینکه زاویه تصادف باید چقدر باشد تا ایربگ باز شود و... این مساله دوباره واکنش پلیس را به دنبال داشت و پلیس راهور در مصاحبه‌ای اعلام کرد که خودروسازان به جای اظهارات غیرمنطقی، به دنبال ارتقاء کیفیت خودروها باشند.

■ ایمنی خودروهای ایرانی چقدر است؟

حالا اما فرید زاوه، کارشناس صنعت خودرو می‌گوید تست باز شدن ایربگ خودرو ساده‌ترین تست ایمنی است اما حتی اگر ایربگ این خودروها باز می‌شد استحکام بدنه خودروهای ایران به حدی ضعیف است که باز

شدن ایربگ نه تنها کمکی به زنده ماندن سرنشینان نمی‌کند بلکه ممکن است موجب مرگ چند نفر دیگر می‌شد!

او ادامه می‌دهد: وقتی بر اثر استحکام ضعیف بدنه کل صندوق عقب و کاپوت جلوی خودرو جمع شده یا خودرو از نواحی جانبی کاملاً له و مجاله شده است و قفسه سینه و صورت افراد به شدت آسیب دیده است، باز شدن ایربگ می‌توانست به کاهش تبادل اکسیژن و مرگ



تست باز شدن ایربگ خودرو ساده‌ترین تست ایمنی است اما حتی اگر ایربگ این خودروها باز می‌شد استحکام بدنه خودروهای ایران به حدی ضعیف است که باز شدن ایربگ نه تنها کمکی به زنده ماندن سرنشینان نمی‌کند بلکه ممکن است موجب مرگ چند نفر دیگر می‌شد!

سرنشینان دامن بزند.

او تاکید می‌کند: مساله استانداردهای تولید خودرو به این سادگی نیست و نکات فنی و بسیار دقیقی دارد که در جهان هر چهار سال یکبار بازنگری می‌شود و ارتقا پیدا می‌کند. مثلاً امریکازمانی متوجه شد که حجم بزرگ ایربگ‌ها باعث تشدید مرگ در تصادف‌ها شده است و همین مساله باعث بحران برای شرکت سازنده کیسه هوای تاکاتای ژاپن

شد و بر اثر آن ۱۰۰ میلیون خودرو فراخوان شدند و از بازار جمع‌آوری شدند و یک میلیارد دلار خسارت برای خودروسازان به جا گذاشتند.

زاوه ادامه می‌دهد: پس از این ماجرا حجم ایربگ خودروها به یک سوم رسید. بنابراین تست‌های ایمنی خودرو مدام به روزرسانی می‌شوند و در حال حاضر ممکن است بنز S500 سال ۲۰۱۵ در تست ایمنی فعلی مردود شود اما خودروسازان ایران خودروی ۵۰ سال پیش را در ایران تولید می‌کنند و با اضافه کردن چند آپشن سطحی می‌خواهند آن را مدل جدید نشان بدهند.

■ قصور پلیس در تصادف زنجیره‌ای

بهبهان

این کارشناس صنعت خودرو تاکید می‌کند که در این ماجرا نباید از قصور پلیس غافل شد. او در این زمینه توضیح می‌دهد: ماجرای تصادف بهبهان از آنجا شروع شد که یک تریلی کنار جاده متوقف بوده و چراغ‌های آن معیوب بوده است و چون خودروی جلویی متوجه آن نشده، تصادف شکل گرفته است. زاوه تاکید می‌کند: در بسیاری از جاده‌ها نه تنها نور کافی وجود ندارد که خودروهایی با چراغ‌های معیوب به راحتی از پلیس راه عبور می‌کنند یا در آزمون گواهینامه رانندگی در ایران رانندگی جاده جز تست‌های مهارت نیست و افراد با یک تست پارک دوبل و دور زدن گواهینامه رانندگی دریافت می‌کنند! این در شرایطی است که خود پلیس اعلام می‌کند که عامل عمده تصادف‌ها خطای انسانی است.

مجلس: دولت حاضر نیست مسئولیت حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی را بپذیرد

کشمکش ارزی بهارستان - پاستور

مهدی بیک

بازار اقلام مصرفی حداکثر با رشد ۸ درصدی روبه‌رو می‌شود، اما ارزیابی‌های دیگر حاکی است که نوسانات بازار اقلام مصرفی، بسیار شدیدتر خواهد بود. این نماینده یادآور شد: پیش از این و بعد از حذف ارز ترجیحی از اقلامی چون شکر، قند و برنج خارجی، نرخ این کالاها مصرفی با تکان‌های نوسانی بالای ۱۰۰ درصدی مواجه شدند. اگر بدون برنامه ریزی‌های نظارتی، ارزی و بارانه‌ای این تصمیم اتخاذ شود، ممکن است روند افزایش قیمت‌ها، پیرامون سایر اقلام نیز تجربه شود. ارکانی در پاسخ به پرسش که برای مواجهه با این تکان‌های احتمالی چه باید کرد؟ گفت: در وهله نخست، قبل از حذف ارز ترجیحی باید راهبردهای مناسبی برای حمایت از دهک‌های پایینی جامعه اندیشیده شود. از سوی دیگر باید انبارهای اقلام اساسی برای چند ماه تأمین شود. ضمن اینکه با توجه به انتقال تقاضای ارز ترجیحی به بازار آزاد، دولت باید از نظر ارزی نیز آمادگی لازم را داشته باشد. اما به نظر می‌رسد، دولت با نوعی خوش بینی، موضوع را رصد می‌کند و متوجه حساسیت‌های مساله نیست.

■ راهبرد دولت برای افزایش یارانه‌ها چیست؟

اما تکلیف افزایش یارانه‌های پرداختی به ایرانیان چه خواهد شد؟ عضو کمیسیون برنامه و بودجه با اشاره به اینکه دولت ابتدا اعلام کرده که یارانه‌های نقدی اقشار کم برخوردار را بین ۹۰ تا ۱۱۰ هزار تومان افزایش می‌دهد، گفت: این تصمیم با مخالفت نمایندگان مواجه شد، چرا که تناسبی میان تکان‌های نوسانی بعد از حذف دلار ۴۲۰۰ تومانی و معیشت مردم، وجود نداشت.

ابهاماتی در خصوص حذف ارز ترجیحی وجود دارد که به نظر می‌رسد برآمده از نوعی انفعال در تصمیم‌سازی‌های اجرایی باشد. به هر حال دولت رسماً اعلام کرده که دیگر منابعی برای تخصیص دلار ۴۲۰۰ تومانی ندارد. طبیعی است که در این شرایط دولت، می‌بایست با برنامه ریزی مناسب و اتخاذ تدابیر لازم به‌گونه‌ای تدبیر کند که اقتصاد کشور و معیشت مردم با کمترین تکان‌های تورمی مواجه شود. ارکانی ادامه داد: اما علی‌رغم صراحتی که دولت در خصوص حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی دارد به نظر می‌رسد، حاضر به قبول مسئولیت تبعات این تصمیم نیست و ترجیح می‌دهد، توپ را در زمین مجلس بیندازد. این در حالی است که نمایندگان اعلام کرده‌اند تا زمانی که دولت و سازمان برنامه و بودجه راهبردهای مناسبی در حمایت از دهک‌های نیازمند جامعه، افزایش نظارت‌ها و... ارائه نکنند، مجلس زیر بار حذف ناگهانی ارز ترجیحی نخواهد رفت. نماینده نیشابور در مجلس افزود: دولت از یک طرف می‌گوید، حاضر به تداوم تخصیص ارز ترجیحی نیست، اما از سوی دیگر حاضر نیست مسئولیت یک چنین تصمیمی را بپذیرد. در واقع دولت قصد دارد این تصمیم را اتخاذ کند، بدون اینکه تبعات احتمالی تصمیمش را بپذیرد. یعنی نه راهبرد و برنامه حمایتی مناسبی ارائه می‌کند و نه حاضر است، مسئولیت حذف دلار ۴۲۰۰ تومانی را بپذیرد. او گفت: در این میان تناقضات فراوانی نیز در ارزیابی‌های سازمان برنامه و بودجه در خصوص تبعات این تصمیم مشاهده می‌شود که باعث ایجاد نگرانی شده است. سازمان برنامه و بودجه از یک طرف اعلام می‌کند در صورت حذف ارز ترجیحی،

علی‌رغم درک این ضرورت که سایه ارز ترجیحی باید هرچه سریعتر از سر اقتصاد ایران کم شود، مجلس هنوز نتوانسته تصمیم قطعی در این خصوص اتخاذ کند. پیگیری‌ها از راهروهای بهارستان حاکی است که تأخیر کمیسیون تلفیق در این خصوص برآمده از رفتاری است که رییس سازمان برنامه و بودجه و برخی دیگر از چهره‌های اقتصادی دولت در پیش گرفته‌اند. بسیاری از نمایندگان در جریان گفتگو به این نکته اشاره می‌کنند که هرچند دولت بر روی حذف نامعادله حذف ارز ترجیحی جدی است، اما حاضر نیست تدابیر مقابله‌ای لازم و مهمتر از آن مسئولیت اجرای این تصمیم را به عهده بگیرد. این انفعال زمانی شکل و شمایل بارزتری پیدا می‌کند که رییس سازمان برنامه و بودجه بدون استناد به آمارهای مستند اعلام می‌کند، تأثیر حذف ارز ترجیحی بر نوسانات قیمتی تنها ۱۷.۵ الی ۸ درصد خواهد بود. این در حالی است که بسیاری از نمایندگان مبتنی بر آمارهای میدانی مستند اعلام می‌کنند در زمان حذف ارز ترجیحی از اقلامی چون شکر، قند و برنج خارجی این محصولات با افزایش قیمت‌های بالا و چند برابری مواجه شدند. به عبارت ساده‌تر، نمایندگان اگرچه در خصوص ضرورت حذف دلار ۴۲۰۰ تومانی با دولت و کارشناسان اقتصادی هم نظرند، اما معتقدند، دولت در وهله نخست باید تدابیر موثری برای مواجهه با تبعات این تصمیم اتخاذ کند و در وهله بعدی، مسئولیت کامل اتخاذ یک چنین تصمیمی را نیز بپذیرد. در همین خصوص، عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس در خصوص چرایی به‌طول انجامیدن تصمیم‌گیری در خصوص ارز ترجیحی در بودجه ۱۴۰۱ گفت:

تعداد سوانج ریلی اخیر، در حال سبقت از سوانج جاده‌ای

صنعت رو به افول ریلی

برهان محمودی

در هفته‌های اخیر علی‌رغم هشدارهای متعدد کارشناسان و حتی برخی مسئولان ریلی، سوانج متعدد در این صنعت در حال افتادن است که به نظر می‌رسد برخی کم‌کاری‌ها علت بروز این سوانج هستند. در ۳ ماه اخیر تعداد سوانج ریلی به یکی از معضلات تبدیل شده است. این در حالی است که همواره حمل و نقل ریلی ایمن‌ترین مورد صنعت حمل و نقل شناخته می‌شود. به گفته برخی کارشناسان، تعداد سوانج ریلی در هفته‌های اخیر از تعداد سوانج جاده‌ای پیشی گرفته است.

■ **معاون وزیر راه (۳۰ آذر): ایمنی راه آهن، خط قرمز دولت است**

سید میعاد صالحی معاون وزیر راه و شهرسازی و مدیرعامل شرکت راه آهن ۳۰ آذر ماه امسال در مراسم الحاق ۵۲۶ دستگاه ناوگان به شبکه حمل و نقل ریلی با حضور رستم قاسمی وزیر راه و شهرسازی اعلام کرد: در حال حاضر حوزه ایمنی ما خط قرمز دولت است و جان مردم در این بخش بسیار ارزشمند است بنابراین باید تمرکز خود را بر افزایش ایمنی در مسیرهای ریلی افزایش دهیم. وی بیان کرد: به جای آنکه ماهی ۵ لوکوموتیو از ریل خارج شود ما در حال حاضر تعداد خروجی لوکوموتیو خود را به صفر رسانده‌ایم و در بازه‌ای از زمان هم تعدادی لوکوموتیو اضافه شده است. معاون وزیر راه و شهرسازی گفت: باید توجه جدی به حوزه مسافری شود و نظارت خود در حوزه توسعه انسانی و مسافری را افزایش دهیم. صالحی گفت: در حال حاضر بسیاری از خط‌های ما با مشکلاتی روبروست سعی خواهیم کرد رفع این مشکلات را در اولویت برنامه‌های خود قرار دهیم.

■ **انتقاد مجدد مدیرعامل راه آهن از تعدد سوانج ریلی در ۱۹ دی ماه**

سید میعاد صالحی ۱۹ دی ماه امسال بار دیگر از تعدد سوانج ریلی انتقاد و در جلسه ستاد ارتقای ایمنی و مدیریت بحران شرکت راه آهن با یادآوری اینکه حوادثی که در راه آهن رخ می‌دهند، اغلب دارای دلایل اصلی مشابه و پرتکرار هستند اظهار کرد: باید این ایرادها و علل وقوع آن‌ها به سرعت و البته گام به گام و به طور کامل برطرف شود. معاون وزیر راه و شهرسازی تصریح کرد: ایمنی مهمترین شاخص راه آهن است و موضوعی مهم‌تر از ایمنی وجود ندارد و ایراداتی که از ادوار گذشته بر جای مانده‌اند، باید اصلاح شوند. وی تاکید کرد: باید خروجی تمامی تلاش‌ها به نفع مردم باشد و اقدامات در جهت ایمنی و رفاه مردم صورت پذیرد.

■ **برخی از مهم‌ترین سوانج ریلی سه ماهه اخیر**

طی روزهای ۲۸، ۲۹ و ۳۰ دی ماه ۳ سانحه ریلی در منطقه راه آهن زاگرس به وقوع پیوست که خساراتی در پی داشت. صبح روز پنجشنبه ۳۰ دی ماه یک واگن فله‌بر به شماره ۹۴۵۳۹۰۵ در ایستگاه شوش حد فاصل ایستگاه اندیمشک و اهواز از خط خارج و منجر به مسدودی سه ساعته خط شد. روز چهارشنبه ۲۹ دی ماه نیز به علت ورود واگن ریلی (درزین د ۸۱) حامل مأموران به خط مسدود در ایستگاه بالارود، منجر به برخورد شدید با ماشین آلات خطی متوقف شده شد که منجر به خسارت شدید به هر دو دستگاه شد. همچنین در روز سه‌شنبه ۲۸ دی نیز یک واگن باری لبه کوتاه در ایستگاه اندیمشک از خط خارج شد. هر ۳ حادثه مذکور در یک منطقه راه آهن و طی ۳ روز متوالی به وقوع پیوسته است. گزارش‌ها حاکی از خروج از خط یک واگن فله در راه آهن شمال در روز پنجشنبه ۲۳ دی ماه ۱۴۰۰ حد فاصل ایستگاه‌های زرین دشت به مهاباد در استان مازندران بود که به وارد آمدن خسارت به واگن و خطوط و همچنین مسدودی خط منجر شده بود. صبح ۲۳ دی ماه نیز در هنگام مانور و جابه‌جایی قطار در ایستگاه تهران یک واگن مسافری به علت برخورد دچار خروج از خط و وارد آمدن

خسارت به آن شد. ■ **مقام مسئول صنعت ریلی: سوانج ریلی اخیر ربطی به تحریم‌ها ندارد**

یک مقام مسئول صنعت ریلی درباره مشکلات اخیر و سوانج دو هفته گذشته در حوزه حمل و نقل ریلی اظهار کرد: نخست باید یک تقسیم‌بندی از این سوانج اتفاق بیفتد؛ ابتدا در دو مرحله ترنسیت آتش گرفت سپس در دو یا سه مرحله ریل باس‌ها آتش گرفتند و سه مرحله هم لوکوموتیوها آتش گرفتند؛ به طور کلی ۱۰ مورد آتش‌سوزی در شبکه ریلی رخ داد. وی درباره آتش‌سوزی لوکوموتیو افزود: هم حادثه روز چهارم و حادثه آتش‌سوزی روز پنجم بهمن ماه امسال که در نزدیکی ایستگاه ارومیه بود، بر اساس بررسی‌ها، وقوع آتش اولیه در نزدیکی گیلان سوخت است؛ به لحاظ فنی، سوخت در مدار گازوئیل لوکوموتیو باید رفت و برگشت داشته باشد که در هر دو مورد به دلیل بالا بودن فشار گیلان سوخت، این قطعه دچار ترکیدگی شده است. این منبع آگاه اظهار کرد: در یک دهه گذشته تاکنون حادثه شکستگی گیلان سوخت نداشته‌ایم که احتمالاً ای سوانج به دلیل پایین بودن کیفیت این قطعه بوده است. وی با بیان اینکه متأسفانه به نظر می‌رسد این سوانج در حال پنهان‌سازی است، درباره حادثه آتش‌سوزی لوکوموتیو زمینس در ایستگاه زادمحمود گفت: آتش‌سوزی به دلیل آتش گرفتن قطعه ترکشن موتور بوده است؛ همچنین ترنسیت‌ها هم به دلیل گرم شدن موتورها و سپس آتش گرفتن سوخت و روغن که روی موتور ریخته بوده، دچار سانحه آتش‌سوزی شده بودند. این فعال صنعت ریلی با بیان اینکه سو مدیریت در بروز این سوانج رخ داده است، یادآور شد: در سال‌های گذشته همواره تحریم بوده‌ایم اما سوانج با این حجم و شدت رخ نمی‌داد بنابراین نمی‌توان آن را گردن تحریم‌ها انداخت. وی خاطر نشان کرد: وقتی آلودگی سوخت و روغن در محیط کنار آگزوز، سبب آتش گرفتن ریل باس‌ها شده، نشان می‌دهد یا پیمانکار کم‌کاری کرده یا ناظر پیمانکار به درستی آن را بررسی نکرده است.

مکانیسم هوشمندانه برای رشد اقتصادی

عباس صابری *

کار می‌کنند و خلق پول از کجا نشئت می‌گیرد؟ وی ضمن معرفی سه نظریه واسطه‌گری و جوه، ضریب فزاینده و نظریه خلق پول با استفاده از شواهد تجربی کافی به رد دو نظریه نخست و اثبات سومی می‌پردازد. نتایج مطالعه بیانگر آنست که تشویق کشورهای در حال توسعه به استقراض خارجی، اشتباه است. از نظریه می‌توان به گونه‌ای خلق پول کرد که نه تنها رشد اقتصادی به همراه داشته باشد بلکه به تورم نیز منجر نشود. از نظریه خلق پول بسته به محل اصابت آن، به نتایج متفاوتی منجر خواهد شد. در حالت اول انبساط پولی اگر مصرف نهایی مردم را افزایش دهد، به افزایش سطح عمومی قیمت‌ها منجر می‌شود. در حالت دوم که اعتبارات بانکی برای معاملات دارایی‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد، در نهایت منجر به شکل‌گیری حساب دارایی شده و با ترکیدن حساب دارایی، ثبات اقتصادی را به خطر می‌اندازد اما در حالت سوم که اعتبارات بانکی برای سرمایه‌گذاری‌های مولد مورد استفاده قرار می‌گیرد، علاوه بر اینکه به رشد اقتصادی منجر خواهد شد، هیچ‌گونه تورمی نیز در پی نخواهد شد. به این ترتیب معجزه‌های اقتصادی شرق آسیا یعنی ژاپن، تایوان، کره و چین به سرعت توسعه یافتند. در تجربه اجرای این سیاست در کشورهای فوق، شاهد نقش آفرینی گسترده دولت برای نیل به سطوح بالای توسعه اقتصادی هستیم. البته نقش دولت در اقتصاد، می‌تواند به انحاء مختلفی ایفا شود. در حالت افراطی آن شاهد یک اقتصاد کاملاً دولتی و برنامه‌ریزی شده هستیم. اما رویکردهای هوشمندانه‌تری نیز وجود دارد. در واقع «این امکان وجود دارد، اقتصادی که ۹۹ درصد آن در چارچوب سرمایه‌داری است را به اقتصادی کنترل شده تبدیل کرد، اگر دولت بتواند یک درصد آن را به درستی کنترل کند؛ و آن یک درصد درست، تخصیص اعتبار به ویژه در ارقام کلان است». از این رو اگر دولت بخواهد اقتصاد را به گونه‌ای کنترل کند که به رشد و توسعه اقتصادی منجر شود، باید مکانیسمی دقیق و هوشمندانه برای خلق اعتبارات بانکی تعریف کند؛ بگونه‌ای که اعتبارات جدید بانکی برای فعالیت‌های مولد اقتصاد خلق شوند. سیاست هدایت اعتبار همان بهترین مکانیسمی است که می‌تواند بخش پولی را با بخش واقعی اقتصاد پیوند داده و رشد اقتصادی را رقم بزند.

* کارشناس اقتصادی

بارخ دادن بحران بزرگ مالی ۲۰۰۸، انتقادات بسیاری نسبت به سبک متعارف سیاست‌گذاری اقتصادی مطرح شده است. وقوع این بحران منجر به شکل‌گیری درخواست‌های بسیاری از محققان دانشگاهی برای مطالعات پیرامون ارتباط بخش بانکی و واقعی اقتصاد شده است. این امر از آنجا نشئت می‌گیرد که در چارچوب متعارف اقتصادی نگاه به پول صرفاً به عنوان تسهیل‌کننده مبادلات بوده است. تأثیر پول بر اقتصاد، در این دیدگاه، منفی و به شکل خلق تورم است. بنابراین کارکرد مثبت پول آنست که تورم ایجاد نکند. در مقابل امارویکردهای دیگری وجود دارد که به ظرفیت‌های توسعه‌ای پول اشاره می‌کند. در این راستا می‌توان به نظریه پولی تولید و نظریه مقداری اعتبار اشاره کرد. ورنر در آثار مختلف خود به نقد و رد نظریه متعارف اقتصاد نئو کلاسیکی و معرفی رویکردی جایگزین که قادر به توضیح نارسایی‌های نظریه متعارف است، پرداخته است. از نظریه دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ میلادی، سه پدیده مهم در برخی از کشورها به وقوع پیوست که توضیح آنها در چارچوب پارادایم مسلط و مبتنی بر رابطه معروف بین پول، فعالیت‌های اقتصادی و تورم، ممکن نبود. این سه پدیده عبارت بودند از: ۱- کاهش سرعت پول که منجر به بی‌ثباتی یا شکست تابع تقاضا برای پول در برخی از کشورهای انگلوساکسون، اسکانندیناوی و ژاپن شد. ۲- افزایش حساب‌گونه قیمت‌های دارایی‌ها به ویژه در کشورهای انگلستان، اسکانندیناوی، تایوان، کره و ژاپن. ۳- موج عظیم خروج سرمایه از ژاپن در دهه ۸۰ و سقوط ناگهانی اقتصاد ژاپن در اوایل ۱۹۹۰ میلادی. از این رو ورنر به معرفی پارادایم رویکردی بدیل همت می‌گمارد. بر مبنای این رویکرد: ۱- تعریف پول به عنوان سپرده، مبتنی بر خلق پول بانکی جایگزین تعریف سابق از پول می‌شود. ۲- نظریه مقداری پول یک حالت خاص از یک نظریه مقداری تفکیک شده است که بین خلق اعتبار برای بخش واقعی و مالی، تفکیک قائل شده و خلق اعتبار به دومی را عامل شکل‌گیری حساب قیمتی می‌داند. ۳- خلق اعتبار بیشتر برای چرخه مالی، احتمالاً به شکل سرمایه‌گذاری خارجی از کشور خارج شده و شاهد جریان خروج سرمایه از کشور خواهیم بود. البته وی این رویکرد را در سایر آثار خود نیز به انحاء مختلف و با استفاده از شواهد تجربی کافی مخصوصاً با استفاده از تجربه ژاپن، شرح و بسط داده است. از جمله این آثار می‌توان به «بحران‌های مالی در ژاپن در قرن ۲۰»، «بازنگری در منطق نظام‌های اقتصادی بانک محور و اثربخشی سیاست‌های هدایت اعتبار در پرتو شواهدی از ژاپن» و «پارادایم جدید در اقتصاد کلان: حل معمای عملکرد اقتصاد کلان ژاپن» اشاره کرد. وی همچنین در مقاله خود با عنوان «قرن گذشته در اقتصاد» به این سؤال پاسخ می‌دهد که بانک‌ها چگونه

فروشگاه‌های زنجیره‌ای منجر به گرانی کالاها می‌شود؟

محبوبه فکوری

فعال را در عرصه مدیریت بازار اندکی کمرنگ‌تر از فروشگاه‌های قدیمی‌تر کرده است. در این میان، ضعف اصلی که می‌توان در عملکرد فروشگاه‌های زنجیره‌ای خرده‌فروشی تازه‌وارد به عرصه اقتصاد ایران برشمرد، اتصال آنها به شبکه تولید است؛ به نحوی که بسیاری از تولیدکنندگان از طریق شرکت‌های پخش، کالاها را خود را در اختیار فروشگاه‌های زنجیره‌ای قرار داده و به نوعی یک واسطه را از کارخانه تا فروشگاه برمی‌گزینند که به هر حال، این موضوع می‌تواند هزینه‌هایی را به نظام توزیع کشور تحمیل کند. به همین خاطر است که در اتفاقاتی که در عرصه گرانی‌ها و گرانی‌فروشی‌های قابل مشاهده در سطح خرده‌فروشی رخ می‌دهد، تولیدکنندگان مدعی هستند که قیمت درب کارخانه بسیار پایین‌تر از آن چیزی است که به دست مردم می‌رسد و در مقابل مردم هم کالاها را گرانتر از ادعای مطرح شده قیمتی از سوی تولیدکنندگان خریداری می‌کنند. البته معدود تولیدکنندگانی خود به صورت مستقیم شبکه توزیع و پخش ایجاد کرده‌اند که با نظارت دقیق، کالاها را به دست مردم در سراسر کشور می‌رسانند؛ اما به هر حال برای تولیدکننده نیز چنین سرمایه‌گذاری با توجه به تغییرات و نوسانات قیمت ملک و املاک در سراسر کشور و تورم‌هایی که طرف سال‌های اخیر در حوزه املاک وجود داشته، ممکن است اندکی سخت باشد. از سوی دیگر، فروشگاه‌های زنجیره‌ای نیز که گاهی در سیل انتقادات گرانی‌فروشی قرار می‌گیرند، دسترسی محدودی به تولیدکنندگان و خرید از درب کارخانه دارند که این خود باعث بالا رفتن قیمت تمام‌شده برای آنها می‌شود و برخی از آنها با واسطه‌ها قراردادها را کلی منعقد می‌کنند تا بتوانند برندهای مختلف و کالاها متنوع را از طریق یک یا چند شرکت پخش خریداری کنند که به هر حال در این میان ممکن است افسار اصلی قیمت‌ها به دست همین شبکه‌های پخش بیفتد. البته این موضوع در مورد تمامی شرکت‌های پخش صدق نمی‌کند و نظارت‌هایی هم بر روی این شرکت‌های پخش هم صورت می‌گیرد؛ اما به هر حال هر چقدر که واسطه‌ها میان تولیدکنندگان و توزیع‌کنندگان یا همان فروشگاه‌های زنجیره‌ای بیشتر باشد، به طور قطع، کالا گرانتر به دست مصرف‌کنندگان خواهد رسید، هر چند نباید در این میان حضور پررنگ دلان و واسطه‌های متخلف را هم نادیده گرفت. بر این اساس است که فروشگاه‌های زنجیره‌ای در مقاطع مختلفی که دولت از آنها برای توزیع مستقیم کالاها را اساسی در اختیار خود کمک خواسته، این فروشگاه‌ها به دلیل نظام توزیع مویرگی که در اختیار دارند، توانسته‌اند مناسب عمل کرده و در تنظیم بازار نقش آفرینی جدی داشته باشند.

تولد فروشگاه‌های زنجیره‌ای یا همان ریتیل استورها در اقتصاد ایران ظرف دهه‌های گذشته توانسته سیستم توزیع مویرگی نسبتاً مدرنی را پیش روی مردم قرار دهد که نه تنها مکان‌هایی را برای عرضه مستقیم کل سبد مصرفی روزانه خریداران فراهم می‌کند؛ بلکه رقابتی که در سال‌های گذشته در میان آنها شکل گرفته توانسته فضایی رقابتی را برای بسیاری از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان فراهم نماید تا کالا ارزاتر و با قیمت مناسب‌تر به دست مردم برسد؛ هر چند این به معنای بی‌نقص بودن عملکرد آنها هم نبوده است. حالا فروشگاه‌های زنجیره‌ای که با شعب فراوان در سراسر کشور فعالیت می‌کنند به یکی از دماسنج‌های اصلی بازار برای بررسی قیمت‌ها تبدیل شده و توانسته‌اند با فضایی که به وجود می‌آورند فرهنگ جدیدی را میان مصرف‌کنندگان ایجاد کنند که به راحتی هر قیمتی را از عرضه‌کنندگان کالا نپذیرند. تا همین چند سال پیش نه تنها محدودیت‌هایی در حوزه عرضه برخی کالاها وجود داشت و تنوع به شدت کم بود، بلکه بسیاری از مردم برای تهیه مایحتاج خود فقط می‌توانستند از سوپرمارکت‌ها و یا در نهایت عمده‌فروشان محله خرید کنند، هر چند که به مرور زمان چند فروشگاه زنجیره‌ای آن هم با شعبات محدود در کشور و عمدتاً پایتخت آغاز به کار کردند و پس از آن، تعاونی‌های مصرف محلی هم آنها را تکمیل کردند. اما اکنون در کوچکترین شهرستان‌های کشور ردپایی از فروشگاه‌های زنجیره‌ای و شعبات برندهای مختلف آنها به چشم می‌خورد و در بسیاری از مناطق شهری تهران نیز، آنقدر تعداد این فروشگاه‌ها زیاد شده که تقریباً در هر خیابان، یک یا دو شعبه فروشگاه زنجیره‌ای به چشم می‌خورد که البته برخی از آنها، مساحت بالایی ندارند؛ اما به هر حال پرچمدار برندی هستند که به اسم فروشگاه زنجیره‌ای مشغول به فعالیت است. البته به موازات آنها، سوپرمارکت‌های محلی نیز برای خریدهای روزانه و فورس‌ماژور خانوارها دایر هستند و همچنان به کار خود ادامه می‌دهند؛ اما به هر حال با حضور فروشگاه‌های زنجیره‌ای در دور و بر خود، کاسی آنها تا حدود زیادی کسادتر از قبل شده است. در واقع، این فروشگاه‌های زنجیره‌ای و شعبات آنها اگر به درستی به فعالیت و مأموریت خود ادامه دهند، می‌توانند به ضربه‌گیری برای افزایش قیمت تبدیل شده و پتانسیل آن را دارند که به خوبی در فضای خرده‌فروشی کشور نقش آفرینی کرده و در مدیریت قیمت‌ها مؤثر باشند؛ هر چند ضعف‌هایی که در فعالیت آنها به دلیل نوپایی وجود دارد، حضور برخی از برندهای جدید



در حالی که به سبب برخورداری این حوزه کلان اقتصادی از ظرفیت‌های سرزمینی و امکانات دولتی، لازم است عملکرد این بخش‌های غیررسمی در ظرف تحلیل اقتصادی مرور و بررسی شود. آشکار است که در ظرف تحلیل مالی عملاً بازدهی پروژه‌های عمرانی و صنعتی بزرگ گاهی تا چند هزار درصد می‌رسد که این بازدهی با چشم‌پوشی از زیان‌های این پروژه‌ها در حوزه‌های عدالت اجتماعی و زیست محیطی به دست می‌آید. در حالی که در ظرف تحلیل اقتصادی لازم است پیامدهای یادشده سنجش و ارزش گذاری شوند و در محاسبات و تحلیل منفعت هزینه دیده شوند. در این صورت از اجرای بسیاری از پروژه‌های عمرانی و صنعتی کشور خودداری خواهد شد. اکنون بسیاری از صنایع بزرگ دولتی به مرور و البته به صورت خاموش و تدریجی از ظرف اقتصاد رسمی خارج شده‌اند و با هوشمندی و دقت بسیار زیاد به ظرف اقتصاد غیررسمی سوق داده شده‌اند.

اقتصاد رسمی و غیررسمی در ایران در دو مسیر متفاوت حرکت می‌کنند و ضمن اینکه واگرایی دارند و اقتصاد رسمی نیز از بهره‌وری لازم برخوردار نیست اما اقتصاد غیررسمی عملاً تشدیدکننده بحران آب ایران است و در خالی از سکنه شدن کلانشهرها و کوچ ۳۰ تا ۵۰ میلیون نفری از فلات مرکزی نقش طراز اول را دارد. سازوکار این دوگانگی شدید در اقتصاد کشور به این نحو است که متولیان اقتصاد غیررسمی مستقل از اقتصاد رسمی عمل می‌کنند و همان‌طور که ماهیت آن عبارت از فرار مالیاتی گسترده است و در ظرف آن هرگز به دستورالعمل‌های سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور عمل نمی‌شود. در نتیجه با پرهیز از محاسبات مربوط به پیامدهای زیست محیطی و آثار بازتوزیعی درآمدی پروژه‌های عمرانی و صنعتی بزرگ، عملاً به بحران آب دامن می‌زنند. از زاویه تحلیل‌های منفعت هزینه، عملکرد اقتصاد غیررسمی در ظرف تحلیل مالی اتفاق می‌افتد.

یک کارشناس مطرح کرد؛

اقتصاد

غیررسمی

عامل کوچ

۴ میلیون!

دربوش مختاری *

آنچه با نام خصولتی می‌شناسیم، دقیقاً از یک بافت کاملاً دولتی در یک گذار پنهانی زیر نام خصولتی به سمت خصوصی حرکت کردند. البته با اندکی دقت در می‌یابیم که متولیان اقتصاد غیررسمی به دنبال شخصی کردن این صنایع هستند. کاربرد عبارت شخصی کردن هم تراز همان ظرف اقتصاد غیررسمی است؛ چرا که عبارت خصوصی کردن در هر حال در ظرف اقتصاد رسمی تعریف می‌شود و متولیان بخش خصوصی خود را متعهد به رعایت مقررات معمول بیمه، اعتبار، مالیات، مقررات گمرکی و مقررات تصویب و انجام مناقصه‌های پروژه‌های عمرانی می‌دانند. ولی به محض وارد شدن فعالیت‌های یادشده در ظرف اقتصاد غیررسمی یک تاریکی و کدوری بر اقتصاد سایه می‌اندازد و دقیقاً به همین دلیل می‌توان گلوگاه‌ها و پرتگاه‌های بحران آب کشور را به اقتصاد غیررسمی نسبت داد. حدود ۳۰ و حتی با احتساب خصولتی‌ها، شاید حدود ۶۰ درصد اقتصاد کشور و یا بیشتر، در سایه حرکت می‌کند و در کنار استفاده از ظرفیت‌های ملی و سرزمینی، از رعایت عدالت اجتماعی و ضوابط زیست محیطی، خودداری می‌کنند. این فعالیت‌های کور اقتصادی دارای بازدهی چند هزار درصدی هستند که از آن با نام رانت اقتصادی یاد می‌شود. اقتصاد غیررسمی لزوماً یک اقتصاد کور و یا اقتصاد سیاه نیست ولی استعداد پدید آوردن چاله‌های بزرگ اقتصادی را برای اقتصاد ملی دارد. چنانچه بنگاه‌های اقتصادی خصولتی که

در حال دگردیسی مصنوعی به سمت بنگاه‌های خصوصی هستند را جزو همان اقتصاد غیررسمی به حساب بیاوریم، در پیوند با این اقتصاد و بحران آب می‌توان گفت که اتفاقاً گلوگاه‌های اصلی بحران آب با عملکرد اقتصاد غیررسمی یا شبه رسمی (خصولتی) گره خورده است. دقیقاً همان جایی که توسعه صنایع آب‌بر در فلات مرکزی و پروژه‌های آب‌های خطرناک شیرین سازی و انتقال آب از دریا در دستور کار بنگاه‌های بزرگ خصولتی قرار گرفته است. تأثیر بعدی و فراگیر اقتصاد رسمی بر انباشت جریان نقدینگی در کشور است و رشد چند ۱۰ برابری جریان نقدینگی که جذب اقتصاد غیررسمی و افزون بر آن جذب اقتصاد سوداگری می‌شود، به تورم دامن می‌زند و بالا بودن نرخ تورم انتظاری زمینه‌گرایش به تخریب‌های زیست محیطی را پدید می‌آورد. دقیقاً همان جایی که آحاد جامعه احساس می‌کنند می‌تواند ارزش حال بهره برداری فعلی از منابع طبیعی (به ویژه زمین‌های شهری) را بیشینه کند و به همین سادگی بهره برداری شتابزده امروز را به تأخیر نیندازند و افزایش قیمت‌های املاک و اراضی شهری این گمان عمومی را تقویت می‌کند. همان جایی که دستبرد امروز به منابع طبیعی، ارزش واقعی (نه حقیقی) این منابع را در یک بازه زمانی چند ساله چند برابر می‌کند. اقتصاد غیررسمی در همان حال که گلوئی اقتصاد رسمی را می‌فشارد، پی در پی با زدودن فرصت‌های

سرمایه‌گذاری کم بازده‌تر ولی با منفعت عمومی بالاتر که برای کاستن از بحران آب لازم است، فقط در مسیر تشدید بحران آب حرکت می‌کند. چشم‌انداز بازدهی چند هزار درصدی برای این بخش اقتصادی ویرانگر و خطرناک اجازه نمی‌دهد تصمیم‌های مربوط به پروژه‌های عمرانی از مسیر معمول و کارشناسی حرکت کند. توسعه اراضی شهری با ایجاد بزرگراه‌ها و تونل‌های پیرامون شهرها، پروژه‌های شیرین سازی و انتقال آب از دریا، توسعه بی‌رویه صنعت ناکارآمد خودرو، ساخت بزرگراه‌های اضافی و توسعه بی‌رویه صنایع آب‌بر در مناطق پرخطر و کم‌آب فلات مرکزی، از مصادیق اقتصاد غیررسمی و یا فعلاً یک اقتصاد شبه غیررسمی و یاد در آستانه تبدیل به یک اقتصاد کاملاً غیررسمی است که کشور را در آستانه یک کوچ ۳۰ تا ۵۰ میلیون نفری قطعی قرار داده است. در نتیجه حرکت در مسیر شفافیت اقتصادی و محدود نکردن اجزای اقتصاد غیررسمی به فعالیت‌های زیرزمینی و یا قاچاق کالا و ارز، می‌تواند در بازشناسی اجزای یک فروپاشی محتمل و پیش‌روی فلات مرکزی ایران کمک بسیار بزرگی کند. در این میان نباید اسیر شعارزدگی و تبلیغات پروژه‌های بزرگ شد. تبلیغاتی که در یک رخداد خطرناک تاریخی، سر و صدای آن هرگز کمتر از سر و صدای همان کوچ ۳۰ تا ۵۰ میلیونی پیش رو نیست.

* کارشناس حوزه مدیریت منابع آبی

تأمین امنیت غذایی با ترویج باغبانی شهری

سپیده قاسمی

اکنون بیش از دو سال است که جهان درگیر بیماری کووید شده است. تاکنون ویروس این بیماری چندین بار جهش داشته و انواع خطرناکی از خود با مرگ و میر بالا را نشان داده است. به تازگی نوع جدید این ویروس به نام اومیکرون در حال گسترش سریع در جهان است. این نوع ویروس مسری تر اما با خطر مرگ کمتر است. دانشمندان

پزشکی معتقدند که گسترش سریع نوع اومیکرون ویروس کرونا ممکن است به نزدیک شدن بیماری همه گیر کووید - ۱۹ به مرحله آندمیک (بومی) کمک کند، مرحله ای که در آن بیماری وجود دارد اما قابل کنترل است. بر همین اساس اگر جهش جدی و خطرناکی نداشته باشیم، ممکن است سال ۲۰۲۲ به مرحله آندمی بیماری کووید - ۱۹ برسیم.

اما باغبانی شهری چیست؟ و در ایران چگونه می توان این روش را به عنوان راهی برای افزایش امنیت غذایی به کار بست؟ شکرالله حاجی وند، عضو هیات علمی سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی در تعریف «باغبانی شهری»، گفت: باغبانی شهری کشت میوه، سبزیجات، قارچ، سبزی و گیاهان معطر و زینتی است که به راحتی در یک شهر و اطراف آن رشد می کنند. وی با اشاره به پاندمی کرونا و قرنطینه اجباری شهرنشینان، افزود: قرنطینه اجباری کرونا مزایایی را برای شهرنشینانی که در خانه ها میوه و سبزیجات می کارند، ایجاد و فرصتی برای تقویت باغبانی شهری فراهم کرده است.

حاجی وند ادامه داد: بسیاری از محصولات باغی برای تولید در باغبانی شهری ایده آل هستند زیرا فضای کمی را اشغال می کنند و در واحد سطح عملکرد مناسب، ارزش غذایی بالایی و چرخه های تولید کوتاهی دارند. وی در توضیح به مثال هایی برای کشت انواع گیاهان در باغبانی شهری پرداخت و عنوان کرد: به عنوان مثال در باغبانی شهری می توان به کشت انواع سبزیجات پرداخت چرا که در یک دوره زمانی کوتاه (۶۰ تا ۹۰ روز) یا حتی کمتر برای برخی

بیماری کووید - ۱۹ ادامه داشته باشد یا نه، جهان پس از این بیماری جهانی متفاوت خواهد بود که نیاز به برنامه ریزی برای شرایط بحران پاندمی بیماری های جدید پیش رو دارد.

در ابتدا که شیوع ویروس کرونا که به ابعاد پاندمی رسید زنجیره تأمین غذای شهری به طرق مختلف مختل شد. این پاندمی با کاهش درآمد و افزایش ناامنی شغلی توانایی مردم را نیز برای دسترسی به غذا محدود کرد. استراتژی های قرنطینه در

سراسر جهان باعث افزایش وقفه هایی در حمل و نقل، کمبود نیروی کار و دسترسی محدود به بازار و مواد غذایی شد. یکی از تهدیدات اصلی این پاندمی برای کشورهای در حال توسعه گرسنگی بود، زیرا اگر قرنطینه ادامه داشت، افراد بیشتری به جای بیماری به دلیل گرسنگی جان خود را از دست می دادند. در شرایط قرنطینه تقریباً ۴۰ درصد از جمعیت شهری نمی توانند برای بیش از ۱۴ روز غذا ذخیره کنند. پاندمی کرونا موجب شد بر اهمیت تولید محلی غذا و باغبانی شهری افزوده شود و این روش تولید غذا به عنوان روشی امن تر برای تأمین امنیت غذایی در شرایط بحران مورد توجه و توصیه قرار گیرد.



پاندمی کرونا موجب شد بر اهمیت تولید محلی غذا و باغبانی شهری افزوده شود و این روش تولید غذا به عنوان روشی امن تر برای تأمین امنیت غذایی در شرایط بحران مورد توجه و توصیه قرار گیرد.



ارائه شده برای باغبانی شهری و همچنین ابتکارات فردی در تولید میوه و سبزیجات وابسته دانست. وی استفاده از آب را از نگرانی کارشناسان در توسعه باغبانی شهری برشمرد. لطیفیان گفت: البته مطالعه بازیافت آب خانگی نشان داده که «آب خاکستری» حاصل از سینکها و دوشها در خانه می تواند برای باغبانی شهری استفاده اما باید فیلتر شود. وی خاطر نشان کرد: ۷۶ درصد از آب خاکستری برای باغبانی شهری قابل استفاده است. به گفته لطیفیان، پشت بام سبز ۹۵ درصد در کاهش گرما و ۲۶ درصد تلفات حرارتی را کاهش می دهد، همچنین پشت بامهای سبز با محافظت از خانه ها در برابر اشعه ماورای بنفش و استرس حرارتی، طول عمر غشای سقف را تا ۴۰ تا ۵۰ سال در مقایسه با سقف های معمولی افزایش می دهد. وی اضافه کرد: علاوه بر این، باغبانی شهری می تواند به مردم کمک کند تا از نظر جسمی قوی تر و از نظر روحی غنی تر شوند. به اعتقاد این کارشناس، باغبانی شهری را می توان یک مؤلفه کلیدی برای ارتقای سلامت عمومی جامعه در نظر گرفت. لطیفیان گفت: پتانسیل استفاده نشده زیادی در شهرهای ایران برای زیرساخت های سبز شهری در تولید سبزیجات و میوه ها وجود دارد که در صورت برنامه ریزی صحیح برای توسعه باغبانی شهری ضمن تأمین غذای پایدار برای ساکنان شهری، حفاظت از محیط زیست و افزایش امنیت غذایی را به دنبال دارد.

محصولات سبزی برگی کافی است. حاجی وند یادآور شد: برنامه جهانی غذا مدعی شده است که ناامنی غذایی شدید به دلیل بیماری های مشابه کووید-۱۹ افزایش خواهد داشت و تعداد افرادی که تحت تأثیر ناامنی غذایی قرار دارند، دو برابر خواهد شد. وی تأکید کرد: در این شرایط باغبانی شهری فرصتی را برای عرضه میوه و سبزیجات سالم و مطمئن به شهرها فراهم می کند. حاجی وند بر این باور است که توسعه باغبانی شهری با کاهش نوسانات قیمت در بازارها تحت شرایط همه گیری بیماری های مانند کووید-۱۹ در تثبیت قیمت مواد غذایی مفید خواهد بود. وی تصریح کرد: سبزیجات در باغبانی شهری عرضه مداوم مواد غذایی را با استانداردهای بالای ایمنی غذایی امکان پذیر می کند، ضمن اینکه این روش باغبانی در عملکرد روان سیستم های تأمین غذایی در طی شرایط بحران مفید خواهد بود. به گفته حاجی وند: برآورد شده است که می توان ۳۵.۵ درصد از سبزیجات مورد نیاز را باغ های پشت بام خانه ها تولید کرد. نتایج مطلوب باغبانی شهری به شرط مدیریت صحیح آب مسعود لطیفیان، یکی از اعضای هیات علمی موسسه تحقیقات باغبانی نیز باغبانی شهری را راهکار حفظ امنیت غذایی شهرنشینان در شرایط بحران همه گیری بیماری ها عنوان کرد، اما دستیابی به نتایج مطلوب را به شرط مدیریت مناسب استفاده از فضاهاى موجود، مانند فضاهاى خالی، پشت بام، چمن و مکان های تجاری

علی قنبری: مالیات از دارایی در دوره تورم بحران زاست

تصمیمات تهدیدی!

لوکس و دریافت مالیات‌های دیگری که در این راستا پیش بینی شده است اما نکته مهم اینجاست که تورمی که سبب افزایش شدید قیمت‌ها شده تا خوردویی بالاتر از یک میلیارد تومان برسد و سپس لوکس محسوب شود، خودش یک نوع مالیات است. وی با تاکید بر اینکه طبقه متوسط ایران را در معرض خطر بسیار جدی می‌بیند، گفت: من شخصاً معتقدم همان نقل قول معروف را باید مداوم تکرار کنیم اینکه بهترین راه از بین بردن طبقه متوسط ایجاد تورم و دریافت مالیات است، گفت: در این فضا نیز تورم فزاینده طبقه متوسط ایران را به شدت تهدید می‌کند و زاسوی دیگر می‌بینیم با تعیین سرفصل‌های عجیب و غریب در صند از همین تورمی که ایجاد شده، مالیات دریافت شود. او در توضیح این مطلب ادامه داد: مالیات یک بار در زمانی که فرد درآمدی را کسب کرده دریافت شده است، وقتی فرد مالیات در اکدش را داده است، چرا باید از دارایی‌اش نیز مالیات بدهد؟ این نکته مهمی است که قانونگذار باید بدان توجه کند که یک فرد نباید چندین بار مالیات پرداخت کند. قنبری گفت: حقوق بگیر وقتی حقوق خود را می‌گیرد که مالیاتش کسر شده است، بعد چرا باید پس از چند سال دوباره بیایم و از دارایی وی به این بهانه مالیات دریافت کنیم.

وی اضافه کرد: دولت از اصلاحات اقتصادی صحبت می‌کند در حالی که وقتی قیمت‌ها لحظه‌ای تغییر می‌کند و تورم رو به افزایش است و اتفاقاً می‌بینیم که آینده اقتصاد قابل پیش‌بینی نیست، چطور می‌توانیم اصلاحات اقتصادی را در دستور کار قرار دهیم؟ او گفت: اینکه دولت اعلام می‌کند قصد دارد رشد هشت درصدی اقتصاد را ایجاد کند، کافی نیست، باید با بازگرداندن ثبات و ایجاد شرایط لازم برای سرمایه‌گذاری و به راه انداختن تولید، شرایط اقتصادی را برای فعالیت مهیا نماید. به گفته وی تا زمانی که مشکل ایران در عرصه سیاسی و بین‌المللی حل نشود، نمی‌توان امیدوی به حل مشکلات اقتصادی داشت. مگر می‌شود با تمام جهان بجنگی اما در داخل فضای امن و آرام برای سرمایه‌گذاری ایجاد نمایی و حل این تناقض مهمترین دغدغه کارشناسان و دلسوزان این مرز و بوم است.

«تداوم تورم، حیات طبقه متوسط در ایران را تهدید می‌کند». این هشدار است که یک کارشناسان اقتصادی می‌دهد و تاکید می‌کند موافقت ما با تک‌نرخی شدن ارز مستلزم مهیا شدن پیش‌نیازهاست.

علی قنبری، عضو هیات علمی دانشگاه با اشاره به اینکه مهمترین کارویژه دولت در شرایط کنونی باید ایجاد ثبات اقتصادی و مهار تورم باشد، گفت: دولت در صدد اجرای سیاست‌های اقتصادی است که پیش‌نیاز آنها ثبات است اما متأسفانه بدون در نظر گرفتن الزامات در کشور چنین سیاست‌هایی در حال اجراست. او در توضیح این مطلب به برنامه دولت برای حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی اشاره کرد و ادامه داد: من شخصاً به لحاظ اقتصادی موافق حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی هستم، البته موافقت بنده فراتر از ماجرای ارز ۴۲۰۰ تومانی است. در حقیقت باید اشاره کنم که تک‌نرخی شدن ارز مهمترین خواسته ماست چرا که عدم شفافیت در اقتصاد را از میان می‌برد و سبب می‌شود که اقتصاد قابل پیش‌بینی باشد. او در گفتگو با خبرآنلاین شرایط کنونی را مورد اشاره قرار داد و افزود: در این فضا اما شاهد این نکته هستیم که تورم بالاتر از چهل درصد ایستاده و هر اقدامی که به تورم در کشور دامن بزند می‌تواند اقدامی مضر تلقی شود. وی ادامه داد: موافقت ما با تک‌نرخی شدن ارز مستلزم مهیا شدن پیش‌نیازهاست. به عبارت دیگر تا وقتی ثبات اقتصادی ایجاد نشده چطور می‌توان به این اقدام دست زد و نامتعادلی بزرگتری را در اقتصاد ایجاد کرد، اقدامی که بی‌تردید می‌تواند زمینه را برای رشد دوباره تورم مهیا نماید. معاون پیشین وزیر جهاد کشاورزی تاکید کرد: اینکه تنها ارز ۴۲۰۰ تومانی در شرایطی که ناتعادلی اقتصاد بسیار بالاست، برداشته شود، کارکردی جز تهدید دوباره طبقه متوسط و فقیرتر شدن فقرا در سایه تورم فزاینده نخواهد داشت.

■ مالیات‌های جدید مفیدند یا مضر؟

وی در بخش دیگری از سخنانش به مساله تلاش دولت برای دریافت مالیات بیشتر اشاره کرد و گفت: سرفصل‌های مالیاتی جدیدی تعریف شده است، به عنوان مثال دریافت مالیات از خودروهای لوکس، دریافت مالیات از خانه‌های

خودروسازان: ایربگ خودروی

لاکچری علی دابی هم مشکل داشت!

مناقشه ادامه دار
ایربگی خودروها

هادی احتشام

«خودروی لاکچری علی دابی هم تصادف کرد و ایربگ آن باز نشد. آن خودرو که دیگر ایرانی نبود و تویوتای ژاپن بود!» این جملات را محمدرضا نجفی منش، رئیس انجمن قطعه سازان همگن خودرو در واکنش به باز نشدن ایربگ خودروهای ایرانی در تصادف زنجیره‌ای بهیبهان می‌گوید! تصادف زنجیره‌ای حدود ۶۰ خودرو در جاده بهیبهان در حالی اتفاق افتاد که کمال هادیان فر، بیس پلیس راهنمایی و رانندگی در مصاحبه‌ای اعلام کرد که «در همین حادثه بهیبهان ایربگ هیچ خودرویی باز نشد. این چه خودرویی است که ما داریم. چرا اربه مرگ تولید می‌کنیم؟» این افشاگری پلیس موجی از انتقادات را علیه خودروسازان راه انداخته و این جریان با گذشت بیشتر از ۱۰ روز از آن تصادف همچنان ادامه دارد. امروز سهیل معمارباشی، مدیر کل صنایع حمل و نقل وزارت صمت در مصاحبه‌ای با خبرگزاری صدا و سیما گفته است: ما قبول داریم که کیفیت خودروهای داخلی پایین است، اما وزارت صمت درباره ایمنی خودروها کوتاه نمی‌آید و اگر مشکلی در ایمنی باشد قابل اغماض نیست. او توضیح داد: وضعیت کیفی خودروهای داخلی ما آن طور که باید نیست و باید خودرو سازان ما در حوزه کیفیت بیش از این کار کنند و به طور جدی به بحث کیفیت وارد شوند. دو شرکت بزرگ خودرو سازی ما تاکنون هزاران میلیارد تومان ضرر کرده‌اند و همچنان در زیان هستند، واحدی که در زیان باشد نمی‌تواند در حوزه کیفیت و توسعه محصولات عملکرد خوبی داشته باشد. مدیر کل صنایع حمل و نقل وزارت صمت با اشاره به تصادف زنجیره‌ای حادثه بهیبهان و باز نشدن کیسه هوا افزود: کیسه هوا دارای جعبه سیاه است و باید این جعبه‌های سیاه به دقت بررسی شود و چنانچه مشکلی در کیسه هوای خودروها باشد قابل اغماض نیست، ما

سالانه گزارش‌هایی مبنی بر باز نشدن کیسه هوا در تصادفات از خودرو سازان دریافت می‌کنیم که این نشان می‌دهد ایراد کلی وجود ندارد، اما درباره حادثه بهیبهان نیاز به بررسی دقیق‌تری داریم و چنانچه قصوری از خودرو سازان سر زده باشد حتماً تبعات آن را می‌پذیرند.

■ ایربگ خودروی علی دابی هم باز نشد!

در همین زمینه محمدرضا نجفی منش، رئیس انجمن قطعه سازان همگن خودرو می‌گوید: خودروی لاکچری علی دابی هم تصادف کرد و ایربگ آن باز نشد. آن خودرو که دیگر ایرانی نبود و تویوتای ژاپن بود! او در واکنش به اینکه آیا کیفیت پایین خودروهای داخلی را قبول ندارد، توضیح می‌دهد: باز نشدن ایربگ خودروهای ایرانی در تصادف زنجیره‌ای بهیبهان می‌تواند عوامل متعدد داشته باشد و ما چرا باید به صورت فنی بررسی شود. بسیاری از ایرانی‌ها خودشان ایربگ خودرو را قفل می‌کنند. ضمن اینکه ایربگ خودرو در زوایای خاصی باز می‌شود و در تصادف زنجیره‌ای بهیبهان تصادف خودروها از ناحیه عقب خودرو بوده است. نجفی منش درباره نحوه تست ایمنی خودروهای داخلی هم توضیح می‌دهد: برخی از تست‌های تصادف در ایران وجود ندارد. به عنوان مثال تست ایمنی در جاده در ایران وجود ندارد و بارها به سازمان استاندارد و نهادهای متولی نامه‌نگاری شده که این تست‌ها ایجاد شوند اما این نامه‌نگاری‌ها بی‌پاسخ مانده است.

■ توجیه خودروسازان قابل قبول نیست

فربد زاوه، کارشناس صنعت خودرو اما این ادعاها را قبول ندارد می‌گوید: تست ایمنی خودرو تنها در چند کشور انجام می‌شود و نیازی نیست این تست‌ها در داخل کشور راه‌اندازی شود. به عنوان مثال آمریکا دو مرکز تست ایمنی خودرو دارد، چین دو یا سه مرکز و آلمان هم دو مرکز تست ایمنی خودرو دارد و خودروهای سایر کشورها برای تست ایمنی به این مراکز ارسال می‌شوند. او ادامه می‌دهد: مسلماً خودروهای یا تکنولوژی ۵۰ سال پیش ایران در تست‌های به روز ایمنی نمره کافی نمی‌گیرند و خودروسازان نمی‌توانند و خسارت ادامه این وضعیت صنعت خودرو سازی

تنها از جان و جیب مصرف کنندگان می‌رود. این کارشناس صنعت خودرو پیش از این هم توضیح داده بود: تست باز شدن ایربگ خودرو ساده‌ترین تست ایمنی است اما حتی اگر ایربگ این خودروها باز می‌شد استحكام بدنه خودروهای ایران به حدی ضعیف است که باز شدن ایربگ نه تنها کمکی به زنده ماندن سرنشینان نمی‌کرد بلکه ممکن است موجب مرگ چند نفر دیگر می‌شد! او ادامه داد: وقتی بر اثر استحكام ضعیف بدنه کل صندوق عقب و کاپوت جلوی خودرو جمع شده یا خودرو از نواحی جانبی کاملاً له و مچاله شده است و قفسه سینه و صورت افراد به شدت آسیب دیده است، باز شدن ایربگ می‌توانست به کاهش تبادل اکسیژن و مرگ سرنشینان دامن بزند. زاوه تاکید کرد: مساله استانداردهای تولید خودرو به این سادگی نیست و نکات فنی و بسیار دقیقی دارد که در جهان هر چهار سال یکبار بازنگری می‌شود و ارتقا پیدا می‌کند. مثلاً آمریکا زمانی متوجه شد که حجم بزرگ ایربگ‌ها باعث تشدید مرگ در تصادف‌ها شده است و همین مساله باعث بحران برای شرکت سازنده کیسه هوای تاکاتای ژاپن شد و بر اثر آن ۱۰۰ میلیون خودرو فراخوان شدند و از بازار جمع‌آوری شدند و یک میلیارد دلار خسارت برای خودروسازان به جا گذاشتند. این کارشناس خودرو همچنین گفت: پس از این ماجرا حجم ایربگ خودروها به یک سوم رسید. بنابراین تست‌های ایمنی خودرو مدام به روزرسانی می‌شوند و در حال حاضر ممکن است بنز ۵۵۰۰ سال ۲۰۱۵ در تست ایمنی فعلی مردود شود اما خودروسازان ایران خودروی ۵۰ سال پیش را در ایران تولید می‌کنند و با اضافه کردن چند آپشن سطحی می‌خواهند آن را مدل جدید نشان بدهند. گذشته از این مقایسه وضعیت ایربگ خودروی خارجی یک فوتبالیست با تصادف زنجیره‌ای بهیبهان در شرایطی انجام می‌شود که در این حادثه ایربگ نزدیک به ۶۰ خودرو باز نشده است! اما خودروسازان احتمال قفل کردن ایربگ ۶۰ خودرو را مطرح می‌کنند اما گویا این ملاحظه را برای تصادف یک خودروی خارجی قائل نمی‌شوند!

فرصت‌ها و شرط‌های مذاکرات اخیر ایران و روسیه در حوزه توسعه صنعت نفت و گاز؛

دیپلماسی انرژی ایران و روسیه

سحر بابایی



میان ایران و روسیه در بخش‌های مختلف از جمله نفت و گاز هنوز منتشر نشده اما با توجه به اظهارات رئیس جمهوری و همچنین وزیر نفت، به نظر می‌رسد توافق‌های خوبی در این زمینه صورت گرفته است.

بر اساس اعلام مقام‌های نفتی، دو کشور در حوزه‌های توسعه میدان‌های نفت و گاز و همچنین ترانزیت به نتایج و دستاوردهای خوبی رسیده‌اند، افزون بر این باید انتظار داشت که تهران و مسکو در حوزه بازار جهانی نفت و تعاملات بین‌المللی انرژی، همکاری‌های کنونی را به نفع خود و کشورهای تولیدکننده نفت و گاز گسترش دهند. در سفر اخیر هیات عالی رتبه ایرانی به روسیه در حوزه‌های راهبردی

مذاکرات اخیر ایران و روسیه گامی بزرگ در حوزه توسعه صنعت نفت و گاز است، موضوعی که مقامات سیاسی نیز بر آن اذعان دارند، اما برخی کارشناسان بر این باورند که شرط تحقق شرایطی ایده آل تنها با پیگیری و حمایت دولت محقق می‌شود و اگر توجه دولت از این مساله برداشته شود، اتفاق خاصی نخواهد افتاد. با توجه به نقش و جایگاه کشور روسیه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عرضه‌کنندگان نفت و گاز جهان، موضوع انرژی یکی از مهم‌ترین محورهای مذاکره پایان هفته هیات ایرانی در مسکو بود و آنگونه که از اظهار نظرها برمی‌آید، دستاوردهای خوبی در بخش‌های مختلف از جمله انرژی به همراه داشته است. اگرچه جزئیات توافق‌های صورت گرفته

مشارکت فعال به‌طور قطع تأثیر گسترده‌ای برای کشور دارد. او درباره مذاکرات برای سوآپ گاز روسیه از خاک ایران توضیح داد و گفت: در سفر جاری بحث سوآپ گاز روسیه از خاک ایران مطرح شد. در ماه‌های اخیر سوآپ گازی از ترکمنستان به آذربایجان از خاک ایران محقق شد که همین پیشنهاد به طرف روس برای سوآپ گاز این کشور از آذربایجان به جنوب ایران به‌منظور صادرات مطرح شد که می‌توان این گاز را در قالب ال‌ان‌جی به هر نقطه‌ای در جهان صادر کرد.

■ توسعه میدان‌های نفت و گاز با مشارکت شرکت‌های روسی محسن خجسته‌مهر - مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران نیز به تازگی در گفت‌وگوی تلویزیونی از توسعه میدان‌های نفت و گاز ایران با مشارکت شرکت‌های روسی خبر داد و گفت: ایران و روسیه از نظر ذخایر نفت و گاز در رتبه‌های اول و دوم جهان قرار دارند؛ روسیه از نظر توسعه میدان‌های نفت و گاز و تأمین تجهیزات مورد نیاز، توانمندی‌های بسیاری دارد و در این زمینه می‌تواند در زمینه سرمایه‌گذاری مشترک، توسعه میدان‌های نفت و گاز ایران و افزایش تولید با ایران همکاری کند. وی یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های سفر رئیس‌جمهوری به روسیه را گسترش روابط اقتصادی به‌ویژه در حوزه انرژی برشمرد و افزود: به‌طور مشخص حوزه نفت و گاز، عرصه بسیار مهمی برای تقویت همکاری‌های دو کشور است، در شرایط کنونی که منافع اقتصادی ایران و روسیه در گرو یکدیگر است، سفر رئیس‌جمهوری به تعمیق راهبردی روابط کمک خواهد کرد.

■ مسیر راه روشن است

محمد خطیبی - نماینده سابق ایران در اوپک با اشاره به همکاری‌ها و مذاکرات اخیر ایران و روسیه و تأثیر آن بر صنعت نفت ایران، به ایسنا گفت: قطعاً این مسأله می‌تواند به نفع ایران باشد؛ ما در حداقل سه سازمان انرژی پیمان بسته‌ایم و حضور در این سازمان‌ها می‌تواند به توسعه روابط کمک کند، ضمن اینکه روس‌ها در بسیاری از شرکت‌ها در بخش بالادستی سرمایه‌گذاری کردند و این شرکت‌ها توان این را دارند که هم در بخش بالادستی و هم در بخش پایین دستی توسعه را رقم بزنند. وی با تأکید بر اینکه روس‌ها شرکت‌های مقتدری در حوزه نفت دارند، تصریح کرد: بی‌شک در حوزه نفت می‌توانیم با روس‌ها همکاری داشته باشیم اما به شرط آن که اسنادی که توسط مقامات سیاسی امضا می‌شوند، پیگیری مورد پیگیری قرار بگیرند و شرکت‌ها مورد حمایت باشند تا بتوانند این اهداف را دنبال کنند ولی اگر در حدامضا باشد، شرایط مانند گذشته می‌شود.

و اقتصادی، همکاری‌های نفت و گاز دو کشور اولویت بالایی در مذاکرات و توافق‌ها داشته است و به نظر می‌رسد زمینه و بنیاد همکاری‌های راهبردی دو کشور در بخش نفت و گاز آنهم در سطوح مختلف دوجانبه، چندجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی فراهم شده باشد. باید منتظر ماند و در آینده نزدیک آثار واقعی این توافقات را مشاهده کرد.

مناسبات ایران و روسیه با توجه به مجاورت جغرافیایی و اشتراک در بسیاری از مسائل بین‌المللی در سال‌های اخیر ماهیت راهبردی پیدا کرده است. به‌طور طبیعی آنچه این مناسبات راهبردی را تقویت، پایدار و اثربخش برای دو کشور می‌کند، گسترش همکاری‌ها به حوزه‌های اقتصادی و به‌ویژه انرژی است که ما جلوه‌های این همکاری را در بازار جهانی نفت به خوبی می‌بینیم. منتها هنوز این شکل از مناسبات راهبردی به حوزه همکاری‌های دوجانبه در نفت و گاز به‌صورت واقعی تبلور پیدا نکرده است. ایران و روسیه هر دو در زمره بزرگترین دارندگان و تولیدکنندگان نفت و گاز هستند. این مسئله نمی‌تواند تنها دو کشور را در قامت رقیب قرار دهد. تهران و مسکو ظرفیت‌های بزرگی برای همکاری در طرح‌های مشترک نفت و گاز و تبدیل شدن به یک بلوک واحد تولید و عرضه انرژی تعریف کنند.

■ مذاکرات تا کجا پیش رفت؟

جواد اوجی - وزیر نفت در آخرین صحبت‌های خود ضمن تشریح مذاکره با مقام‌های روسیه گفت: جلسات بسیار فشرده و متعددی با مقام‌های ارشد روسیه، معاون نخست‌وزیر، وزیر انرژی روسیه، همچنین شرکت‌های توانمند روسیه داشتیم. خوشبختانه وزارت نفت در مجموعه چهار شرکت اصلی از قبل برنامه جامع و نقشه راه کاملی را تدارک و پروژه‌های مختلفی در حوزه توسعه میدان‌های نفتی و گازی، احداث پتروپالایشگاه‌ها، واحدهای ال‌ان‌جی و انتقال فناوری به‌ویژه برای ازدیاد برداشت از میدان‌های نفتی و گازی آماده کرده بود که به دولتمردان روسی ارائه شد. وی درباره دیدار با شرکت‌های روسی فعال در زمینه نفت و گاز گفت: در دو ماه گذشته با شرکت‌های توانمند روسی، مذاکرات متعددی صورت گرفت که در جلسات این سفر برخی از آن مذاکرات به توافق‌های بسیار مهمی منجر شد. بعضی از تفاهم‌نامه‌هایی که در این سفر امضا شد، قطعاً می‌تواند تأثیر بسزایی در صنعت نفت داشته باشد، چرا که ایران و روسیه در عرصه انرژی در جهان بازیگران قوی هستند و با ظرفیت‌هایی که در صنعت نفت داریم و توانمندی شرکت‌های روسی، این همکاری با

رشد اقتصادی، تنها از طریق افزایش جذب سرمایه‌گذاری خارجی ممکن است

جذب سرمایه‌گذاران خارجی از شعار تا عمل

امیرحسام اسحاقی *

رونق بازمی‌گردد. نااطمینانی‌های سال ۲۰۲۱ بیشتر ناشی از کرونا، بحران سلامت و اقدامات سیاستی مقابله با پیامدهای اقتصادی و ریسک‌های ژئوپلیتیک و مالی و تداوم تنش‌های تجاری میان غول‌های اقتصادی دنیا بوده است. محدودیت‌های بین‌المللی که سازمان‌های جهانی و دولت‌ها برای مهار این ویروس تعیین و اعمال کردند نه تنها موجب کندی اجرای پروژه‌های سرمایه‌گذاری شد بلکه چشم‌انداز نهادهای بین‌المللی از اقتصاد جهانی را تاریک کرد و موجب تجدید نظر شرکت‌های چندملیتی برای پروژه‌های سرمایه‌گذاری آتی شد. سرمایه‌گذاری خارجی مصوب شامل کلیه درخواست‌ها اعم از سرمایه‌گذاری جهت ایجاد طرح‌های جدید، خرید سهام شرکت‌های موجود و همچنین سرمایه‌گذاری‌های خارجی در قالب ترتیبات قراردادی است. در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برخلاف سرمایه‌گذاری غیرمستقیم که اغلب در بازارهای سهام صورت می‌گیرد، جابه‌جایی سرمایه میان کشورها برای ایجاد یا گسترش بنگاه تولیدی است. در این گونه سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذار با هدف حضور بلندمدت در کشور میزبان، کنترل بنگاه تولیدی را به‌طور کامل در دست دارد یا در کنار دیگر شرکای محلی و خارجی، بر مدیریت آن به‌گونه‌ای مؤثر تأثیر می‌گذارد. بعد از جنگ جهانی دوم، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کنار بازرگانی بین‌المللی، نقش عمده‌ای در پیش‌برد مرحله تازه‌ای از فرایند جهانی شدن اقتصاد داشته است. موج بزرگ جهانی شدن با تکیه بر اوج‌گیری سرمایه‌گذاری‌های خارجی و شتاب بازرگانی بین‌المللی، بسیاری از کشورهای در حال توسعه را در بر گرفت. شماری از این کشورها با جذب انبوه سرمایه و فناوری و صدور کالاهای صنعتی رقابتی به بازارهای گوناگون جهان به‌ویژه در مناطق ثروتمند، به باشگاه قدرت‌های نوظهور پیوستند. چین که مهم‌ترین عضو این باشگاه است، با تکیه بر شرکت‌های فراملیتی آمریکایی، اروپایی، ژاپنی و حتی تایوانی و صدور حجم روزافزون کالاهای صنعتی به‌ویژه به ایالات متحده، امروز در جایگاه نخست قرار گرفته است. متأسفانه ما از حدود ۴۰ سال گذشته به جای استفاده از تجارب

جذب سرمایه‌گذار مستقیم خارجی در هر کشور تابع زنجیره‌ای از عوامل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی همچون هزینه تولید، میزان و قیمت مواد اولیه، نقش آفرینی دولت و بخش خصوصی، ریسک سرمایه‌گذاری، آزادی اقتصادی، شرایط سیاسی و امنیت اجتماعی، سابقه تاریخی، موقعیت جغرافیایی و سرزمینی، ساختار و هرم جمعیتی، هندسه دیپلماسی، سیاست خارجی و روابط بین‌المللی است. بر پایه تازه‌ترین گزارش سازمان تجارت و توسعه ملل متحد (آنکتاد)، ارزش سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی در جهان طی سال ۲۰۲۰ به ۹۹۹ میلیارد دلار رسید که فقط یک میلیارد و ۳۴۲ میلیون دلار آن معادل ۰.۱۳ درصد آن سهم ایران بوده است. این در حالی است که کشور کوچک امارات ۱۵ برابر ایران یعنی ۲۰ میلیارد دلار، ترکیه ۷ میلیارد و ۹۰۰ میلیون دلار و عربستان سعودی ۵ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار سرمایه مستقیم خارجی جذب کردند. آنکتاد ارزش کل سرمایه‌های خارجی وارد شده به ایران را از آغاز تا سال ۲۰۲۰ در مجموع ۵۹ میلیارد دلار اعلام کرده است. این شاخص در کشورهای عربستان سعودی ۲۴۲ میلیارد، ترکیه ۲۱۱ میلیارد و امارات متحده عربی ۱۵۱ میلیارد دلار بوده است. این آمار نشان می‌دهد که فرصت از دست‌رفته ایران در ناتوانی جذب سرمایه و فناوری خارجی و شکاف عمیق سرمایه‌گذاری با این کشورها چقدر عمیق شده است. هر چند بعد از توافق برجام به گفته مسئولان وقت، ده‌ها شرکت بزرگ بین‌المللی برای حدود ۸۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی اعلام آمادگی کردند اما آنچه در عمل اتفاق افتاد به ۵ میلیارد دلار هم نرسید. این در حالی است که برخی کشورهای توسعه‌یافته مانند فرانسه ۱۸ میلیارد، آلمان ۳۵۶ میلیارد، ژاپن ۱۰۲ میلیارد و انگلیس ۱۹۰۷ میلیارد دلار سرمایه خارجی جذب کردند که به علت شیوع کرونا نسبت به سال پیش از آن کاهش چشم‌گیری داشته است. آنکتاد پیش‌بینی کرده بود که روند کاهش سرمایه‌گذاری مستقیم در سال ۲۰۲۱ نیز ادامه خواهد داشت و جهان در این سال با افت ۵ تا ۱۰ درصدی مواجه خواهد شد؛ هر چند در ۲۰۲۲ این روند معکوس می‌شود و به دوره

صنعت، معدن و تجارت ایران سرمایه‌گذاری کرده‌اند. نزدیک ۷۰ درصد این سرمایه‌گذاری‌ها در استان‌های سیستان و بلوچستان و باقی در استان‌های بوشهر، کرمان، تهران و البرز جذب شده است. مهم‌ترین این طرح‌ها، پروژه تبدیل گاز طبیعی به پروپیلن در استان سیستان و بلوچستان است که توسط سرمایه‌گذاران کشور غنا اجرا می‌شود. آلمان که پیش‌تر در ردیف کشورهای با بیشترین پروژه صنعتی در ایران بود، در این گزارش از فهرست خارج شده و جای خود را به عراق داده است. طی سه ماه گذشته فقط ۶۰۰ میلیون دلار از این قراردادها امضا شده که نشانگر فاصله زمانی مجوزهای تأسیس صادر شده با پروانه‌های بهره‌برداری صادره است که گویای تنگناهای پیش‌روی سرمایه‌گذاری خارجی است. این گزارش نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری خارجی در ایران به‌ویژه در بخش صنعت و معدن با چالش‌های فراوان مواجه است. ما ظرفیت جذب سالانه حدود ۱۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی داریم. هر کدام از پروژه‌های بزرگ نفتی و پتروشیمی کشور می‌توانند ۲۰ تا ۳۰ میلیارد دلار سرمایه جذب کنند. بسیاری از پالایشگاه‌های فرسوده را می‌توانیم به کمک سرمایه‌گذارهای خارجی ترمیم کنیم. طی سال‌های اخیر، تحریم و محدودیت‌های بانکی ناشی از سوئیفت و FATF مانع بزرگ جذب سرمایه خارجی بوده و حتی برخی از شرکت‌های معتبر بین‌المللی مانند توتال، سامسونگ و ال‌جی که در ایران سرمایه‌گذاری کرده بودند، بعد از تحریم ایالات متحده در میانه کار، پروژه را رها کردند و رفتند. در چنین شرایطی تحقق رشد ۸ درصدی با وجود ظرفیت‌های اقتصادی درون‌زا که کشور دارد قطعاً با چالش‌هایی مواجه خواهد بود. تجربه قدرت‌های نوظهور اقتصادی همچون چین، مالزی، اندونزی، برزیل و هر کشوری که توانست رشد اقتصادی خود را در کوتاه‌مدت افزایش دهد، تنها از طریق افزایش جذب سرمایه‌گذاری خارجی بوده است. نقش سرمایه‌گذاری خارجی در اقتصاد کلان، نه فقط به خاطر جذب سرمایه بلکه ورود تکنولوژی، برندهای بین‌المللی و ارتباطات جهانی است که از طریق شرکت‌های خارجی و افزایش صادرات حائز اهمیت است. امروزه تمام کشورها حتی کشورهای فاقد ظرفیت و امکانات زیرساختی به دنبال جذب سرمایه‌گذاری خارجی هستند؛ با این وجود کشور ما که از جایگاه نخست ذخایر گاز و منابع معدنی و رتبه دوم نفت برخوردار است، به‌رغم بهره‌مندی از نیروی کار جوان و تحصیل کرده و نیز بازار مصرف و تجارت پایدار که با احتساب جمعیت کشورهای همسایه و منطقه ۵۰۰ میلیون نفر برآورد می‌شود، در ردیف آخرین کشورهای سرمایه‌پذیر قرار گرفته است.

* استاد دانشگاه

موفق این کشورها، به الگوهای اقتصادی منسوخ و ناشناخته روی آوردیم و شعار خودکفایی را بدون هیچ راهبرد توسعه‌ای در صدر هدف‌های سیاست‌گذاری اقتصادی خود قرار دادیم و از پویایی عظیم حاصل از جهش سرمایه‌گذاری‌های خارجی به‌ویژه شکل مستقیم آن محروم مانده‌ایم. سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران که در تیر ۱۳۵۴ به عنوان تنها نهاد رسمی و متولی سرمایه‌گذاری خارجی تأسیس شد، در چارچوب قانون جدید مصوب ۱۳۸۱، مسئول دریافت تمام تقاضاهای پذیرش و صدور مجوز سرمایه‌گذاری، هدایت امور، حفاظت از حقوق سرمایه‌گذاران در طرح‌های مصوب و هم‌چنین ارائه خدمات مختلف به سرمایه‌گذاران از جمله هماهنگی و تسهیل کلیه امور مربوط به سرمایه‌گذاری حتی پس از صدور مجوز سرمایه‌گذاری خارجی، رسیدگی به امور مربوط به نقل و انتقالات سرمایه‌گذاری‌های خارجی، مدیریت و انجام مذاکرات مربوط به موافقتنامه‌های دو و چندجانبه، تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری با دیگر دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی است. این سازمان، صرف نظر از امضای چند موافقتنامه کم‌اهمیت دوجانبه با معدودی از کشورهای به‌ویژه آسیای جنوب شرقی، خاور میانه، شمال و جنوب آفریقا و همسایه تاکنون دستاورد قابل توجهی نداشته است. طبق تازه‌ترین گزارش وزارت صنعت، معدن و تجارت (صمت) در ۹ ماهه اسامال، ۱۷۵ مورد سرمایه‌گذاری خارجی به ارزش بیش از سه میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار در کل کشور تصویب شده که گرچه به لحاظ تعداد ۳۵۶ درصد رشد داشته، اما از نظر ارزش ۲۴.۷ درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل کاهش یافته است. ۱۰۲ مورد از این طرح‌ها با حجم سرمایه‌گذاری دو میلیارد و ۸۰۴ میلیون دلار (حدود ۴۶ درصد از کل) در بخش صنعت، معدن و تجارت بوده که ۴۳ مورد در حال بهره‌برداری و باقی در طی مراحل اجرایی است. از کل سرمایه‌گذاری خارجی بخش صنعت، معدن و تجارت، ۳۹ شرکت با ۱۰۰ درصد سهامدار خارجی، ۴۳ شرکت به صورت مشارکتی با شرکای داخل (J.V) و ۲۰ مورد به صورت مشارکت مدنی، بیع متقابل و BOT اجرا می‌شود. بیشترین حجم سرمایه‌گذاری خارجی در گروه‌های ساخت مواد و محصولات شیمیایی یک میلیارد و ۸۴۹ میلیون دلار، ساخت فلزات اساسی ۴۸۳.۶ میلیون دلار، ساخت رادیو و ساخت کُک فرآورده‌های حاصل از تصفیه نفت و سوخت‌های هسته‌ای ۳۴۴.۸ و تلویزیون و وسایل ارتباطی ۲۲۳.۳ میلیون دلار بوده است. کشورهای غنا با یک میلیارد و ۶۸۰ میلیون دلار، امارات با ۸۲۳.۵، افغانستان با ۲۱۳.۵، هلند با ۷۸.۴ و صربستان با ۵۵ میلیون دلار، پنج کشور اول به لحاظ ارزش سرمایه‌گذاری خارجی مصوب محسوب می‌شوند. ترکیه، چین، هنگ کنگ و آلمان نیز در بخش

یک کارشناس اقتصادی هشدار داد

شکاف حقوقی

مریم فکری

حمید حاج اسماعیلی، کارشناس بازار کار و فعال کارگری در این خصوص می‌گوید: اصلاحات در لایحه بودجه زمانی معنا پیدا می‌کند و موجب حساسیت می‌شود که منابع درآمدی دولت با محدودیت مواجه است.

وی می‌افزاید: ما چند سالی است که با کسری بودجه بالایی مواجه هستیم و برای سال ۱۴۰۱ نیز کسری بودجه محرز است؛ هم خود دولت اعتراف به این موضوع دارد و هم مجلس و نخبگان و کارشناسان نسبت به این موضوع اذعان دارند که بودجه دولت کاملاً با کسری مواجه است. الان هم ما واقعاً با یک عدم قطعیت و شرایط غیر قابل پیش‌بینی برای سال آینده روبه‌رو هستیم.

این کارشناس بازار کار عنوان می‌کند: از طرفی دولت تلاش می‌کند فروش مواد نفتی و نفت را از راه‌هایی غیر از شرایطی که شفاف و قانونی است، انجام دهد؛ دلیل آن هم تحریم‌هاست. البته دولت مدعی است که مقدار فروش مواد نفتی و نفت افزایش پیدا کرده است. در بودجه نیز یک میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه را برای سال آینده پیش‌بینی کرده‌اند که می‌تواند ۱۵ تا ۱۶ میلیارد دلار درآمد خالص برای دولت ایجاد کند.

حاج اسماعیلی تصریح می‌کند: توجه کنید که دولت هنوز دنبال این است که از طریق مذاکرات بتواند منابع بلوکه شده کشور را آزاد کند و شرایط سخت تحریمی را تعدیل کند. این انتظاری است که هم دولت دنبال می‌کند و هم مردم چشم‌انتظار چنین اتفاقی هستند. بنابراین اگر اتفاقی نیفتد، به طور قطع شرایط سخت خواهد بود، چون هزینه‌ها افزایش پیدا می‌کند و شاهد گرانی‌ها و تورم بیشتری خواهیم بود و این می‌تواند بودجه را بیشتر دچار مشکل و کسری کند.

وی متذکر می‌شود: ما انتظار حمایت‌های بیشتر را از مجلس و

با تصمیم جدید اعضای کمیسیون تلفیق لایحه بودجه سال آینده، رقم پیشنهادی حداقل حقوق کارمندان دولت، ۶۰ درصد افزایش پیدا کرد و به ۵۶ میلیون تومان رسید. این در حالی است که دولت سیزدهم در لایحه بودجه سال ۱۴۰۱ پیشنهاد کرده بود حداقل حقوق پایه کارکنان خود را برای سال آینده به صورت پلکانی از ۵ تا ۲۹ درصد افزایش دهد، به گونه‌ای که حداقل حقوق کارمندی از حدود ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان در سال جاری، یک میلیون تومان افزایش پیدا کند و به ۴ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان برسد. در این فرایند به طور میانگین حقوق گروه‌های مختلف به طور متوسط ۱۰ درصد افزایش پیدا می‌کرد، اما میزان این افزایش از ۵ تا ۲۹ درصد برای درآمدهای بالا و پایین در نوسان بود. سخنگوی کمیسیون تلفیق بودجه ۱۴۰۱ در نشست خبری روز دوشنبه اعلام کرد: براساس مصوبه این کمیسیون، حداقل حقوق پیشنهادی دولت در لایحه بودجه که ۴ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان بود که با ۶۰ درصد افزایش به ۵ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان افزایش یافته است.

رحیم زارع همچنین از اعمال نظر کمیسیون تلفیق لایحه بودجه ۱۴۰۱ بر پیشنهاد حداقل حقوق بازنشستگان در سال آینده خبر داد و گفت: کف حقوق بازنشستگان دولت ۵ میلیون تومان تعیین شده و حقوق پرداختی به کارکنانی که بیش از ۵ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان (حداقل حقوق مصوب در سال ۱۴۰۱) دریافت کنند نیز «حداقل» ۱۰ درصد افزایش پیدا می‌کند.

افزایش ۶۰ درصدی حقوق با کسری شدید بودجه عملیاتی است؟

افزایش ۶۰ درصدی حقوق کارمندان در حالی در کمیسیون تلفیق بودجه مصوب شده که با توجه به کسری بودجه دولت، این سؤال مطرح است که آیا امکان اجرایی شدن آن وجود دارد؟

دولت داریم. در عوض، برخی از اقداماتی که در قالب حمایت انجام می‌شود، می‌تواند عوارض بزرگ‌تری را در کشور ایجاد کند که باز هم مردم باید تاوان آن را بپردازند و از جیب مردم خسارت‌ها پرداخت می‌شود.

■ شکاف دستمزدها میان مدیران و حداقل‌بگیران بالاست

این کارشناس بازار کار در ادامه می‌گوید: از آنجایی که هم مجلس و هم دولت یک گروه سیاسی خاص هستند، هر دو گروه تحت فشار افکار عمومی قرار دارند. بالاخره دولت جدید با شعارهایی آمده که بدون حمایت جدی و اقدامات عملی امکان حمایت از مردم وجود ندارد.

حاج‌اسماعیلی می‌افزاید: یکی از اقدامات عملی افزایش دستمزدهاست. درست است که هم دولت و هم مجلس از چند ماه قبل در این خصوص نوعی واکنش منفی نشان داده بودند که ما افزایش نخواهیم داشت، ولی افکار عمومی آن‌ها را تحت فشار قرار داده است.

وی عنوان می‌کند: اعتراضاتی که طی سال‌های گذشته در کشور شکل گرفته و در ماه‌های اخیر نیز این اعتراضات را در بخش‌های مختلف کارگری، بازنشستگی و کارمندی شاهد بودیم. این خیلی تأثیر در تصمیم‌گیری مجلس داشته است.

این کارشناس بازار کار تصریح می‌کند: این در شرایطی است که توانایی‌های درآمدی دولت برای حمایت بسیار پایین است. این واقعیتی است که الان شرایط کشور ایجاب می‌کند که آنها امکان حمایت‌های جدی و عملی را ندارند و به خاطر تحریم‌ها در شرایط خاصی به سر می‌بریم و دست و پای دولت بسته است. اما هیچ راهی جز افزایش حقوق‌ها وجود ندارد.

حاج‌اسماعیلی متذکر می‌شود: از طرفی، خود مجلس واقف است به این که مدیران در کشور حقوق‌های بسیار خوب می‌گیرند و این شکاف بین حقوق مدیران و حقوق عامه مردم قابل قبول نیست. علاوه بر این که نجومی‌بگیر در بین مدیران تادلت بخواهد زیاد داریم و این افراد از چندین جا درآمد دارند که رقم درآمدهای خیلی از مدیران بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ میلیون تومان برآورد شده است.

وی ادامه می‌دهد: این انصاف نیست که در کشور افرادی زیر ۴ میلیون تومان حقوق داشته باشند و مستمری بازنشستگی داشته باشند. این شکاف وجود دارد.

این کارشناس بازار کار با اشاره به افزایش حقوق حداقل‌بگیران به ۵ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان، می‌گوید: این یک اقدام عملی خوب بود و امیدواریم که در صحن علنی مجلس هم تصویب شود و شورای نگهبان بر آن صحنه بگذارد. به شرط این که گرانی‌ها کنترل شود و تورم مهار شود تا این رقم روی زندگی

حداقل‌بگیران اثر داشته باشد.

■ مبنای تعیین دستمزدها باید خط فقر باشد

حاج‌اسماعیلی عنوان می‌کند: مبنای تعیین دستمزدها چه برای بازنشستگان و چه برای حقوق‌بگیران، واقعاً خط فقر است. رقمی که وزارت کار در رابطه با خط فقر اعلام کرد، با واکنش منفی هم افکار عمومی و هم صاحبان فنی و تخصصی در کشور روبه‌رو شد. خط فقر در کلانشهرها کمتر از ۱۰ میلیون تومان نیست. وی می‌افزاید: زمانی که خط فقر بالاست، ما باید دستمزدها را افزایش دهیم. ملاک تعیین دستمزدها و مستمری‌ها حتماً خط فقر است. امیدواریم خط فقر به صورت شفاف تعریف شود تا بتواند در این تصمیمات اثر جدی و مستقیمی داشته باشد. این کارشناس بازار کار عنوان می‌کند: واقعاً تعیین دستمزدها در کشور چه برای کارگران و چه برای کارمندان و مستمری‌بگیران، از یک روند منطقی و فرآیند قانونی تبعیت نمی‌کند.

■ بازار آینده از آن کیست؟

ایسنا به نقل از اینوستور: شرکت آی‌بی‌ام گزارش کرد که شاخص داو جونز با روند نزولی بیت‌کوین و سقوط تسلا سقوط کرد. با کاهش قیمت بیت‌کوین در آخر هفته، میانگین صنعتی داو جونز روز دوشنبه ۵۰۰ واحد کاهش یافت و سهام تسلا بیش از ۳ درصد سقوط کرد.

در میان رهبران داو جونز، اپل روز دوشنبه ۱.۵ درصد از دست داد و مایکروسافت در بازار سهام ۲ درصد کاهش داشت. سهام تسلا، رهبر خودروهای الکتریکی بیش از ۴ درصد کاهش یافت و لوسید موتورز حدود ۲ درصد سقوط کرد و لی‌آ‌تو و اکسپنگ پایین‌تر بودند. پس از باز شدن بازار سهام در روز دوشنبه، میانگین صنعتی داو جونز ۱.۶ درصد سقوط کرد در حالی که اس‌اند‌پ ۵۰۰ سقوط ۱.۹ درصدی داشت.

بازدهی ۱۰ ساله خزانه‌داری به ۱.۷۴ درصد کاهش یافت در حالی که روز جمعه، بازدهی ۱۰ ساله خزانه‌داری به زیر ۱.۷۵ درصد کاهش یافته بود. قیمت بیت‌کوین در آخر هفته حدود ۱۲ درصد کاهش یافت و صرافی ارز دیجیتال کوین‌بیس بیش از ۱۱ درصد سقوط کرد و به پایین‌ترین حد تاریخی خود رسید. فروش بازار سهام بدتر خواهد شد زیرا بازار سهام عملکرد ناامیدکننده را به ثبت رساند و نزدیک به ۷.۵ درصد سقوط، بدترین افت هفتگی از زمان شیوع همه‌گیری در مارس ۲۰۲۰ را ثبت کرد. میانگین صنعتی داو جونز نیز ۱.۳ درصد کاهش یافت. سرمایه‌گذاران باید لیست‌های پیگیری را با سهام‌های پیشرو که ثبات نسبی مشخصی از خود نشان می‌دهند، به جای خرید سهام ارائه کنند زیرا احتمالاً می‌توانند طی روند صعودی قطعی آینده به رهبران بازار تبدیل شوند.

«افق تازه» از وام مسکن تا حق ناچیز مسکن گزارش می دهد

رویایی خانه دار شدن

نسرین هزاره مقدم

آذرماه سال گذشته، صعود نرخ اجاره بها در تهران رکورد زد؛ این شاخص که تا آن زمان حدود ۳۰ درصد بود، برای اولین بار از مرز ۵۱ درصد گذشت؛ همین مساله، بحران مسکن را به یکی از جدی ترین بحران های زیستی دهک های پایین بدل کرد. این در حالیست که علیرغم تاکید روشن اصل ۳۱ قانون اساسی بر لزوم تأمین مسکن رایگان برای همه مردم با اولویت کارگران وروستائینان و تمهیدات ماده ۱۴۹ قانون کار برای ایجاد مسکن تعاونی یا خانه های سازمانی، در عمل در دهه های گذشته، تلاش معنادار چندانی برای خانه دار کردن فرودستان صورت نگرفته است.

طرح های رنگارنگ دولتی ها برای تأمین مسکن از مسکن ملی گرفته تا نهضت ملی مسکن، عموماً آورده ملموسی برای جامعه هدف یا ۸.۵ میلیون خانوار فاقد مسکن نداشته است؛ کنگر برخی از این طرح ها در خارج از محدوده های شهری تازه به زمین خورده است و برخی دیگر هنوز در محدوده استراتژی کلان است و به تکتیک اجرایی بدل نشده است؛ شاید آخرین طرحی که هر چند با ایرادات بسیار، تا حدودی توانست برخی از جامعه فاقدان مسکن را صاحبخانه کند، همان مسکن مهر بود که پس از آن، صعود تورم مسکن، خانه دار شدن را از لیست گزینه های در دسترس اکثریت مردم خارج کرد.

تحلیل چرایی عدم موفقیت این طرح ها، بحث جداگانه ای می طلبد؛ اما در شرایطی که هیچ یک از گزینه های جواب پس داده در جهان از جمله اجاره به شرط تملیک یا تعاونی های مسکن، به درستی پیاده نشده اند، از تسهیلات بانکی مسکن نیز آبی برای جامعه هدف گرم نمی شود.

یازدهم خردادماه سال جاری خبر آمد که شورای عالی پول و اعتبار با وام ۷۰۰ میلیون تومانی خرید مسکن توسط زوجین موافقت نکرده است. بنابراین پرداخت این تسهیلات همچنان به نرخ سابق ۴۰۰ میلیون تومان برای هر زوج ادامه دارد. اما شرایط این وام های مسکن هیچ تناسبی با استطاعت واقعی جامعه هدف ندارد؛ برای نمونه، طبق محاسبات، اقساط تسهیلات ۷۰۰ میلیون تومانی با نرخ سود ۱۸ درصد و مدت بازپرداخت ۱۲ ساله به حدود ۱۱ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان می رسد؛ سؤال اینجاست که چند درصد از ۸.۵ میلیون خانوار مستأجر کشور که عموماً آن ها کارگر و مزدبگیر و شاید بیش از ۷۰ درصد کمتر از ده میلیون تومان حقوق ماهانه دارند، می توانند فقط ۱۱ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان قسط وام مسکن بدهند؟!

«تعداد مستأجران پایتخت از مالکان بیشتر شد»؛ این زنگ خطر جدی تیرماه سال گذشته به صدا درآمد؛ در همان زمان تمام شاخص های رسمی، نشان از بالا رفتن نرخ اجاره نشینی و به تبع آن، افزایش حاشیه نشینی در تهران و کلانشهرها داشت، در حالیکه تمهیدات دستوری دولت برای محدود کردن نرخ افزایش اجاره بها به ۲۵ درصد، در عمل نتوانست برای خیل عظیم مستأجران پایتخت، «امنیت سرپناه» به همراه بیاورد. براساس آمار رسمی، نرخ اجاره نشینی شهری در کل کشور از ۱۸ درصد در سال ۱۳۶۵ طی سی سال به ۳۸ درصد در سال ۱۳۹۵ رسید. در سال ۱۳۹۸ در تهران ۴۲ درصد مردم مستأجر شدند و در نهایت در سال ۱۴۰۰ برای اولین بار تعداد مستأجران پایتخت از مالکان بیشتر شد.

دو هفته قبل تر از اعلان این آمارهای سرسام آور، در اول تیرماه، یک عضو هیئت رئیسه مجلس اعلام کرده بود که بنابر آمار رسمی، «قیمت زمین در تهران، به طور میانگین، در ۱۰ سال گذشته حدود ۴۰ برابر و قیمت مسکن حدود ۲۰ برابر شده و سه دهک جامعه برای خرید یک واحد ۷۰ متری باید ۱۲۰ سال انتظار بکشند.»

و امروز ۱۲۰ سال انتظار برای داشتن یک سرپناه کوچک ۷۰ متری، بزرگ ترین دغدغه و رنج برای ۸.۵ میلیون خانوار مستأجر کشور است؛ نه تنها «خانه دار شدن» دیگر تبدیل به یک آرزوی دور از دسترس شده، بلکه پرداخت اجاره خانه های سنگین، از توان حداقل سه دهک فرودست جامعه کاملاً خارج شده است؛ تنزل عمودی در سطح شهر و در مرحله بعد، کوچ اجباری از متن به حاشیه، به سرنوشت ناگزیر خیل عظیمی از فرودستان از جمله مزدبگیران کم درآمد بدل شده است؛ در یکی دو سال اخیر، حتی لایه هایی از طبقه متوسط شهری به ناچار به کلونی های کم درآمدها در خارج از شهر مهاجرت کرده اند.

بیژن امیری (کارگر بازنشسته خودروسازی) که چند سال است در پردیس در حاشیه تهران زندگی می کند، تغییر بافت جمعیتی این منطقه را اینگونه توصیف می کند: «اوایل دهه ۹۰ فقط کارگران ساده و افرادی بضاعت در این منطقه زندگی می کردند اما به تدریج گروه های بیشتری به این محدوده آمدند؛ معلمان، پرستاران و حتی مهندسان ...»

به گفته وی، در همان محدوده خارج از شهر با کمتر از ۲ میلیون تومان اجاره ماهانه و صد میلیون تومان پول پیش، نمی توان یک آپارتمان هفتاد متری اجاره کرد.



که تعیین آن طبق قانون بر عهده شورایی عالی کار است و این شورا در اسفند ۱۴۰۰ مبلغ آن را ۶۵۰ هزار تومان تعیین کرده است. کارگران به ناچار به دیوان عدالت شکایت کرده‌اند تا شاید بتوانند حق مسکن ۱۴۰۱ را احیا کنند. حق مسکن ۶۵۰ هزار تومانی، یک سوم اجاره خانه کارگران را تأمین نمی‌کند اما دولت صد هزار تومان از آن کسر می‌کند؛ تسهیلات ریز و درشت مسکن نیز به کار کارگران و دهک‌های فرودست نمی‌آید؛ به همین دلیل است که حاشیه نشینی و تنزل اجباری فضای زیستی، تبدیل به یک اپیدمی فراگیر می‌شود، در حالیکه گویا مسئولان توجه چندانی به عوارض اجتماعی و فرهنگی این خروج از متن اجباری که منجر به تنزل تمام شاخص‌های کیفی زندگی می‌شود، ندارند. مینو عبداللهی زنی سرپرست خانوار که با مستمری ناچیز همسر متوفی‌اش زندگی می‌کند، در این رابطه به تلخی می‌گوید: «بعد از سی سال زندگی در تهران، پارسال به اجبار به اسلامشهر کوچ کردم؛ حالا صاحبخانه در همان اسلامشهر می‌خواهد یک میلیون تومان روی اجاره خانه بگذارد، به راستی باید چه کنیم؛ از تهران به اسلامشهر، از اسلامشهر به کجا...»

فرامرز توفیقی (از نمایندگان کارگری شورایی عالی کار) در این رابطه می‌گوید: عموم تسهیلات ارائه شده برای مسکن هیچ سختی با الزامات اصل ۳۱ قانون اساسی ندارند؛ هدف از این تسهیلات، خانه دار کردن طبقات کم درآمد نیست که اگر اینگونه بود، باید این تسهیلات، بدون بهره با بازپرداخت طولانی و اقساط کم به جامعه هدف داده می‌شد؛ با قاطعیت می‌توان گفت هیچ

قشری از جامعه فاقدان مسکن، داوطلبان این تسهیلات نیستند و توان بالقوه برای دریافت آن‌ها ندارند؛ به این ترتیب، بانک‌ها قصد دارند از معضل «بی‌خانگی» سود ببرند و این وام‌ها عموماً محملی می‌شود برای خرید و فروش در بازار آزاد و دلالتی عده‌ای خاص. او ادامه می‌دهد: در شرایطی که دولت هیچ اهمیتی برای اجرای اصل ۳۱ قانون اساسی ندارد، حتی حق مسکن ناچیز ۶۵۰ هزار تومانی کارگران را امضا نمی‌کند؛ امروزه بیشتر کارگران حتی کارگران متخصص و با سابقه، مستأجر و فاقد مسکن ملکی هستند؛ اما دولتی که خانه دار کردن این جمعیت عظیم را جدی نگرفته، برخلاف قانون و راساً صد هزار تومان از حق مسکن ناچیز کارگران کسر کرده است؛ حق مسکنی



تحلیل چرایی عدم موفقیت این طرح‌ها، بحث جداگانه‌ای می‌طلبید؛ اما در شرایطی که هیچ یک از گزینه‌های جواب پس داده در جهان از جمله اجاره به شرط تملیک یا تعاونی‌های مسکن، به درستی پیاده نشده‌اند، از تسهیلات بانکی مسکن نیز آبی برای جامعه هدف گرم نمی‌شود.

اما و اگر های ساخت سالانه یک میلیون مسکن

علی مسعودی *



است، برای هر متر مربع ساختمان حدود ۱۰۰ تا ۱۵۰ کیلوگرم سیمان لازم است و در نتیجه برای انجام این پروژه ۱۰ تا ۱۵ میلیون تن سیمان لازم است که با توجه به اینکه تولید سیمان در سال گذشته حدود ۶۸ میلیون تن بوده و تا ۸۰ میلیون تن ظرفیت وجود دارد مشکلی ویژه‌ای بوجود نمی‌آید. اما نکته فراموش شده، نادیده گرفتن زیرساخت‌های لازم اعم از مدرسه، مراکز تجاری و مراکز بهداشتی است که با در نظر گرفتن سهم نیاز آن‌ها از فولاد و سیمان دیگر نمی‌توان گفت که تأمین مواد اولیه به راحتی صورت می‌گیرد

■ زیرساخت‌ها، هزینه نامرئی

برای ساخت مسکن در چنین حجم عظیمی لازم است محلی خارج از شهر یا در اطراف آن در نظر گرفته شود؛ بنابراین وظیفه دولت است که امکانات زیرساختی را برای این محل‌های جدید تأمین کند. براساس پژوهشی که سال گذشته مرکز پژوهش‌های مجلس انجام داده است تنها تأمین آب و برق برای پروژه مسکن سازی دولتی به ازای هر واحد ۲۵ میلیون تومان هزینه دارد، همچنین برخی گزارش‌های کارشناسی هزینه زیربنایی لازم را به ازای هر واحد ۲۰۰ میلیون تومان ارزیابی می‌کند که در مجموع برای یک میلیون مسکن سالانه ۲۰۰ هزار میلیارد تومان هزینه دارد که این مبلغ ۸۰ درصد بودجه عمرانی کل کشور است. این مبلغ کسری بودجه را شدیداً افزایش می‌دهد و هزینه آن از چاپ پول و تورم پرداخت می‌شود. در سال‌های گذشته که دولت بهار طرح مسکن مهر را آغاز کرد هزینه زیرساخت، هزینه فراموش شده بود و بعد از ساخت خانه‌ها با مشکل نبود امکانات مواجه شد و مراکز تجاری و

ساخت یک میلیون مسکن پروژه‌های صرفاً فنی نیست و تاثیرات زیادی در اقتصاد کلان و صنایع مختلف دارد. صنایع فولاد و سیمان متناسب با این پروژه باید تولیدات خود را تغییر دهند و از طرفی هزینه‌های زیادی برای کشور ایجاد خواهد کرد. اشتغال‌زایی به شکل پایدار شکل نمی‌گیرد و برای تأمین مالی آن لازم است نقدینگی افزایش پیدا کند که منجر به تورم خواهد شد. با گذشت زمان ابعاد جدیدی از طرح ملی مسکن دولتی آشکار شده است. چگونگی ساخت، تأثیر آن بر بازار فولاد و سیمان، میزان اشتغال که تحت تأثیر آن ایجاد می‌شود و شیوه تأمین مالی این ابرپروژه، مسائلی هستند که مورد توجه مردم و فعالین اقتصادی کشور قرار گرفته است. باید توجه کرد که چنین پروژه‌های به طور قطع روی بخش‌های زیادی از اقتصاد ایران تأثیر می‌گذارد و می‌تواند فرصت اقتصادی ویژه‌ای در اختیار افرادی قرار دهد و یا برای گروهی زیان‌آور باشد.

■ صنایع پایه می‌توانند تأمین منابع برای یک میلیون مسکن را دارند

برای ساخت مسکن منابعی مختلفی لازم است که شیوه تأمین آن نگرانی‌هایی ایجاد می‌کند، بیش از ۳۵ درصد از هزینه ساخت مسکن مربوط به محصولات فولادی است. برای ساخت هر متر مربع مسکن، حدود ۴۰ کیلوگرم فولاد لازم است و با توجه اینکه گفته شده میانگین مساحت خانه‌های ساخته شده ۱۰۰ متر مربع خواهد بود، بنابراین برای ساخت سالیانه یک میلیون مسکن، حدود چهار میلیون تن فولاد لازم است و با فرض تولید حدود ۳۰ میلیون تنی فولاد در کشور به نظر می‌رسد تأمین آن فشاری برای صنعت فولاد وارد نمی‌کند. دیگر مواد لازم برای ساخت این پروژه سیمان

است تغییر ویژه‌ای اتفاق نیفتاده است.

■ تأمین مالی، مهم‌ترین مساله

در اظهار نظرهای رسمی برای ساخت مسکن دولتی به ازای هر متر مربع، مبلغ ۳ میلیون و ۷۵۰ هزار تومان هزینه برآورد شده و مبلغ پیشنهادی انبوه‌سازان برای هر متر مربع ۵ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان است، این در حالی است که بنابر بررسی‌ها، هم‌اکنون هزینه لازم برای ساخت یک مسکن استاندارد در تهران حدود ۱۰ میلیون تومان به ازای هر متر مربع است. اگر فرض کنیم عدد پیشنهادی از طرف انبوه‌سازان عدد نهایی باشد، ساخت یک میلیون مسکن در هر سال نیاز به حدود ۵۲۰ همت (هزار میلیارد تومان) هزینه دارد که این حدود ۱۳ درصد از کل نقدینگی کشور را شامل می‌شود. با توجه به این باز پرداخت وام‌ها بیش چهار سال است پس تسهیلات اختصاص داده شده برای چهار سال باهم جمع می‌شود، یعنی بعد از چهار سال بیش از ۴۰ درصد نقدینگی کل کشور درگیر تأمین مالی مسکن ملی است که این اتفاق ممکن نیست مگر اینکه دولت حجم نقدینگی را شدیداً افزایش دهد که به معنی افزایش تورم در سال‌های بعد از اجرا پروژه می‌شود همچنین بانک‌ها باید بخش زیادی از اعتبارات خود را از سایر بخش‌ها قطع و به بخش مسکن تزریق کنند که این قطعاً باعث تأثیر منفی در تولید و صنعت می‌شود.

■ همراه با رشد اقتصادی بدون توسعه اقتصادی

برخی از مدافعان طرح مسکن دولتی ادعا می‌کنند، ساخت مسکن بخش موثری در رونق به سایر بخش‌ها است و در نتیجه رشد اقتصادی ایجاد می‌کند. هر چند این حرف درست است باید یادآور شویم که رشد اقتصادی به معنی توسعه اقتصادی و حرکت در جهت پیشرفته شدن نیست. برای توسعه اقتصادی لازم است بخش تولید و صنعت رشد و از نظر تکنولوژی یک بهبود پیدا کنند، در حالی که با ساخت مسکن چنین اتفاقی نمی‌افتد و لزوماً وضع همه مردم بهتر نمی‌شود. یادآوری این موضوع بد نیست که شوروی در سال‌های پایانی خود رشد اقتصادی بالایی داشت ولی این رشد عمدتاً مربوط به بخش صنایع نظامی و متجر به توسعه و بهبود وضع مردم نمی‌شد در نتیجه منجر به نارضایتی مردم شد. همان‌طور که توضیح داده شد، ساخت این تعداد مسکن از نظر فنی غیر ممکن نیست اما هزینه‌ها و فشارهای زیادی به بخش‌های مختلف وارد می‌کند. بخشی هزینه‌ها به طور مستقیم به بودجه دولت وارد می‌کند و بخش دیگری از هزینه‌ها به نظام مالی کشور وارد می‌شود. از طرفی دیگر انتظار می‌رود این طرح نقدینگی را شدیداً افزایش دهد و تورم را شدت ببخشد. همچنین اشتغال آنچنان که گفته می‌شود به صورت پایدار شکل نمی‌گیرد و از طرفی مردم عمدتاً ترجیح می‌دهند خانه‌هایی داشته باشند که به امکانات شهری و محل کارشان نزدیک باشد. ساخت خانه در جایی که فاصله زیادی تا شهر تهران دارد برای مردم مطلوبیت زیادی ندارد.

* کارشناس اقتصادی

بهداشتی در این محل‌ها کم بود، وسایل حمل نقل گسترش پیدا نکرده بود و به اندازه کافی مدارسه وجود نداشت. این تصور که ساخت مسکن صرفاً تأسیس ساختمان است منجر می‌شود که خانه ساخته شده نتواند محلی برای زندگی باشد.

■ اشتغال‌زا اما موقت

یکی از اهداف، دولت‌ها از اجرای ابرپروژه‌ها، ایجاد اشتغال است، براساس آمار جدول داده ستانده در سال ۹۵، بر اثر ساخت هر ۱۰۰ متر مربع به صورت مستقیم ۱ نفر و به طور غیر مستقیم ۱,۵ نفر مشغول به کار می‌شوند اما نمی‌توان به سادگی نتیجه‌گیری کرد که این پروژه یک میلیون نفر از دو و نیم میلیون بیکار کشور را مشغول به کار می‌کند. بخش زیادی از کسانی که در طرح مسکن دولتی مشغول به کار می‌شوند پیش از این هم مشغول به کار بودن و فقط از کار قبلی خود به سراغ این پروژه می‌آیند با این وجود چنین طرحی در کاهش بیکاری مؤثر خواهد بود اما موقت. می‌دانیم این امکان وجود ندارد که ساخت مسکن یک میلیونی برای مدت طولانی ادامه داشته باشد و همان‌طور که گفته شده انتظار می‌رود بعد از چهار سال این پروژه به پایان رسد اما سوالی که مطرح می‌شود این است که برای افراد شاغل در این پروژه چه اتفاقی می‌افتد؟ کسانی که زندگی خود را بر اساس این مشاغل شکل داده‌اند بعد از چهار سال شغل خود را از دست خواهند داد مشابه اتفاقی که در طرح مسکن مهر نیز اتفاق افتاد. کارگران و افرادی که در طی این سال‌ها متخصص یکی از شغل‌های ساختمانی شده بودند اکنون نیاز بود مجدداً به دنبال شغل بگردند و این باعث شد بعضی از آن‌ها به بزهکاری رو بیاورند.

■ هزینه زمین حذف نشده است

یکی از مهم‌ترین ایده‌های طراحان پروژه ساخت مسکن دولتی این است که در کلان‌شهر تا حدود ۸۰ درصد از هزینه ساخت یک خانه مربوط به هزینه زمین است اکنون با اختصاص زمین به صورت رایگان بخش قابل توجه‌ای از هزینه‌ها کاهش پیدا کرده و تهیه مسکن برای مردم بسیار راحت شده است اما این حرف درست نیست. در مناطقی زمین بسیار ارزشمند است که در صورت سکونت در آن دسترسی فراوانی به امکانات و موقعیت‌های کاری برای ساکنان آن فراهم می‌شود. برای تهران زمین‌هایی که برای مسکن دولتی اختصاص داده شده، عمدتاً خارج از شهر تهران است و در شهرهای حاشیه‌ای مانند پرنده، هشتگرد و ایوانکی ساخته می‌شود. اگر آمارها به سهم ۸۰ درصدی زمین در هزینه‌های خانه اشاره می‌کنند منظور مناطق داخلی شهر تهران است که دسترسی لازم به امکانات شهر را دارند واضح است که سهم قیمت زمین از هزینه در پرنده و تجریش یکسان نیست و در مناطق حاشیه‌ای مانند مناطقی که قرار است مسکن ملی ساخته شود سهم زمین از هزینه‌ها آنچنان زیاد نیست و از طرفی برای مناطق داخلی شهر تهران که عمده تقاضا آن‌جا

دلالاتی که در دولت قبل به نام چین همه کار می کردند

پشت پرده حضور چینی هادر پروژه های ایران

پریسا شاکری

دارد ۵۰ میلیارد یورو به ایران اعتبار بدهد و ما به ازای آن نفت دریافت کند و ما از این اعتبار برای پروژه های قطار سریع السیر استفاده کنیم؛ اولاً در همان زمان جواب ما به ایشان این بود که دولت چین مطلقاً این موضع را قبول ندارد چرا که ما بلافاصله در همان مقطع با سفارت ایران در چین هماهنگ کردیم و سفیر ایران در چین موضوع را با بانک مرکزی و دولت چین مورد بررسی قرار داد که نه تنها که این موضوع در دولت چین مطرح نبود بلکه اساساً دولت چین این انجمن را هم قبول نداشت. فخریه کاشان تاکید کرد: دوم اینکه اگر چین قرار بود فاینانس ۵۰ میلیارد یوروی به ایران بدهد چنین اقدامی را با دلال و واسطه انجام نمی داد بلکه هزار و یک امتیاز از ایران می گرفت و بعد این فاینانس را در اختیار کشورمان قرار می داد. نکته مهم تر اینکه اساساً در همان زمان فاینانس های مصوب شده با چینی ها برای پروژه برقی سازی قطار تهران - مشهد و قطار سریع السیر تهران - قم - اصفهان هم متوقف شده بود. هر چند که حتی آل سی برای فاینانس قطار برقی تهران - مشهد باز شده بود و اقداماتی برای پیش پرداخت ها و ضمانت نامه ها انجام داده بودیم، فاینانس این پروژه ها را هم متوقف کردند چه برسد به اینکه بخواهند ۵۰ میلیارد یورو فاینانس را از طریق یک انجمن در اختیار ایران بگذارند.

■ بدعهدی روسیه و چین

حالا این مسائل در شرایطی مطرح می شود که چین بلافاصله پس از تحریم ها نه تنها پروژه های ریلی ایران و طرح قطار برقی را رها کرد که از آزادراه تهران - شمال نیز خارج شد و دولت برای جلوگیری از توقف پروژه قدیمی و مشمول زمان آزادراه تهران - شمال مجبور شد قرارداد با سرمایه گذاران داخلی امضا کند. از این گذشته روسیه نیز رفتار مشابهی با ایران داشت. قرارداد برقی کردن راه آهن گرمسار - اینچه برون در آذرماه ۱۳۹۴ در حاشیه سفر حسن روحانی رئیس دولت یازدهم به مسکو بین محسن پورسیدی معاون وزیر وقت راه و شهرسازی و مدیرعامل اسبق شرکت راه آهن جمهوری اسلامی ایران با سرگئی پاولوف مدیرعامل سابق شرکت دولتی راه آهن روسیه (RZD) به امضا رسید. این در حالی است که عباس آخوندی وزیر اسبق راه و شهرسازی ۲ ماه پیش از آن در ۳۰ مهر ۱۳۹۴ با الکساندر نواک وزیر وقت انرژی روسیه دیدار و تفاهم نامه مربوطه را امضا کرده بود. براساس اعلام خبرگزاری اینترفاکس روسیه ۱۶ اسفند ۹۸ شرکت راه آهن دولتی روسیه از قرارداد سرمایه گذاری ۱.۲ میلیارد دلاری برقی کردن راه آهن گرمسار - اینچه برون طبق آنچه این شرکت، «بیم تحریم های آمریکا» اعلام کرده بود، خارج شد و روس ها از زمان آغاز به کار پروژه در تیرماه ۹۷ تا زمان خروج از قرارداد در اسفند ۹۸ هیچ کاری برای پیشرفت پروژه انجام نداده بودند.

درست در شرایطی که دولت سیزدهم مدعی است چین و روسیه می توانند برای اقتصاد تحریم زده ایران معجزه کنند، ادعاهای عجیبی از برخی فعالان اقتصادی شنیده می شود. نمونه این ادعا از سمت علاءالدین بروجردی، رییس انجمن دوستی ایران و چین مطرح شده است. او به اینها گفته، عباس آخوندی، وزیر اسبق مسکن مانع استفاده از ۵۰ میلیارد دلار فاینانس چینی در حوزه راه اندازی خطوط ریلی شد و در دولت روحانی افرادی حضور داشتند که معتقد به کار ایران با چین نبودند. او در این زمینه توضیح داده است: چینی ها در دولت روحانی می خواستند که با فاینانس خودشان، پروژه خط آهن راه اندازی کنند و حتی حاضر بودند که ۵۰ میلیارد دلار فاینانس در ایران انجام دهد؛ ولی وزیر اسبق مسکن همراهی لازم را در این حوزه صورت نداد و حتی چینی ها حاضر شدند که ۱۵ درصد پیش پرداخت فاینانس را هم بردارند و ما بعد از یک سال تنفس پرداخت را انجام دهیم. بروجردی با بیان اینکه وزیر اسبق مسکن، بیست روز هیات چینی را برد و آورد و اراده اش بر این بود که این فاینانس انجام نشود؛ گفته است: با این برخورد، نفر دوم هیات چینی به من نامه نوشت که اینگونه می خواهید از منافع ملی خود دفاع کنید، ما هم موضوع را با مقام معظم رهبری مطرح کردیم و رییس جمهور هم برای معاون اول حکم زد که این موضوع را پیگیری کنند؛ اما مشکل این بود که در دولت روحانی افرادی حضور داشتند که معتقد به کار ایران با چین نبودند.

■ رییس اتاق ایران و چین: آن ها شاید بودند!

این موضوع در حالی مطرح شد که مجیدرضا حریری، رییس اتاق ایران و چین با اشاره به ادعاهای بروجردی در توییتی نوشت: «این فرمایشات همه قصه نیست؛ افراد ذکر شده در این سخنان نه جایی بنام انجمن ثبت شده بودند و نه مورد تأیید دولت چین بودند. در اصل عده ای شاید بودند که به همراه دلالتان ایرانی به همه سر می زدند.» ماجرا به همین جا خلاصه نشد و اصغر فخریه کاشان، مشاور امور بین الملل اسبق وزارت راه و شهرسازی هم به این مساله واکنش نشان داد و گفت که عده ای بنا داشتند قراردادهای چین را دلالتی کنند. او در گفتگویی توضیح داد: معتقدم این حرف ها و ادعاهای بروجردی یا از سر بی اطلاعی است یا اینکه دلالت هایی بروجردی را احاطه کردند و به وی اطلاعات غلط می دهند. او ادامه داد: انجمنی که بروجردی به عنوان ارائه کننده فاینانس به ایران و به وزارت راه و شهرسازی معرفی کرده بود انجمنی بدون سرمایه و حضور ۱۰ یا ۱۰۰ بازنشسته چینی تأسیس شده بود و این انجمن حتی یک روز هم سابقه کار نداشت. قائم مقام وزیر راه و شهرسازی وقت ادامه داد: بروجردی به ما اعلام کرد که انجمنی تحت عنوان فاینانس چین قصد

حداقل دستمزد چقدر بالامی رود؟

کارگران در انتظار جبران قدرت خرید

مریم فکری

کارگران بر اساس بررسی‌های انجام شده از مراجع رسمی ۸ میلیون و ۹۷۹ هزار تومان تعیین شد. این سبد شامل ۳۶.۵ درصد اقلام خوراکی و ۶۳.۴ درصد اقلام غیر خوراکی است. بر همین اساس، به گفته وی، حداقل حقوق و دستمزد با توجه به شاخص‌های مرکز آمار ایران و بانک مرکزی با حضور شرکای اجتماعی نمایندگان کارگری و کارفرمایی تعیین خواهد شد، بنابراین امیدواریم براساس کارشناسی‌های صورت گرفته و حضور فعالانه نمایندگان کارگری و کارفرمایی، حداقل حقوق کارگران در سال ۱۴۰۱ تأمین کننده دغدغه‌ها و معیشت زندگی کارگران باشد.

■ کارگران: کاهش جبران خرید کارگران را می‌خواهیم

با توجه به تعیین رقم ۹ میلیون تومانی برای سبد معیشتی خانوار، در حال حاضر این سؤال مطرح است که دستمزد کارگران برای سال آینده چقدر خواهد بود؟ فرامرز توفیقی، رییس کمیسیون دستمزد شورای عالی کار، می‌گوید: سبد معیشتی تعیین شد و به طور قطع زمانی که به آخر اسفندماه برسیم، تورم بهمن‌ماه اعلام می‌شود. وی می‌افزاید: ماده ۴۱ قانون کار می‌گوید که دستمزد با توجه به تورم و سبد معیشت خانوار باید تعیین شود. این دو مؤلفه آماده است. تورم نمایندگان کارگری، پیاده شدن و اجرایی شدن ماده ۴۱ قانون کار است. رییس کمیسیون دستمزد شورای عالی کار تصریح می‌کند: امسال، اولین امتحان آقای ریسی، رییس دولت سیزدهم است که میزان تحقق شعارهای انتخاباتی ایشان در رابطه با حل مشکلات کارگری را خواهیم دید. توفیقی با بیان این که هر گمانه‌زنی‌ای در حال حاضر در رابطه با دستمزد اشتباه است، می‌گوید: هیچ پس‌زمینه‌ای وجود ندارد که براساس آن بگوییم رقم دستمزد چقدر می‌شود. با این وجود امیدواریم اتفاقات خوبی در جلسات شورای عالی کار بیفتند. وی متذکر می‌شود: همین الان حداقل دستمزد ۴ میلیون و ۵۰۰ میلیون تومان است. در حالی که هزینه سبد معیشت خانوار ۹ میلیون تومان است، بنابراین ۴ میلیون و ۹۵۰ هزار تومان عقب‌افتادگی وجود دارد. رییس کمیسیون دستمزد شورای عالی کار تأکید می‌کند: ما افزایش دستمزد نمی‌خواهیم، ما کاهش جبران قدرت خرید کارگران را می‌خواهیم.

■ سبد معیشت ۳۰ درصد رشد داشت

اصغر آهنی‌ها، نماینده کارفرمایان در شورای عالی کار نیز می‌گوید: هر ساله سبد معیشت، ترکیبی میان هزینه‌های دستمزدی و هزینه‌های اجتماعی است که می‌توان گفت سبد معیشت خانوار در سال جاری حدود ۳۰ درصد نسبت به پار سال رشد داشته است.

در هیاهوی میان اعداد و ارقام اعلامی برای خط فقر، شورای عالی کار بالاخره هزینه سبد معیشت کارگران را اعلام کرد؛ عددی که حدود ۳ میلیون تومان متفاوت از رقم پارسال است. روز یکشنبه بعد از برگزاری ۸ نشست فشرده در کمیته مزد شورای عالی کار، شرکای اجتماعی روی رقم سبد معیشت خانوارهای کارگری به توافق رسیدند و سبد معیشت رانزدیک به ۹ میلیون تومان تعیین کردند. براساس اعلام اعضای شورای عالی کار، شاخص سبد هزینه معیشت خانوار کارگری با ۳۰.۲ درصد افزایش نسبت به سال گذشته، ۸ میلیون و ۷۹۷ هزار تومان بوده؛ عددی که براساس اطلاعات مربوط به تورم دی‌ماه تعیین شده است. آخرین گزارش بانک مرکزی از نرخ تورم حاکی از آن است که نرخ تورم سالانه برای خانوارهای کشور در دی‌ماه به ۴۲.۴ درصد و نرخ تورم نقطه‌ای به عدد ۳۵.۹ درصد رسیده است. اما در شرایطی سبد معیشت خانوار کارگری در حدود ۹ میلیون تومان محاسبه شده که این عدد در سال گذشته ۶ میلیون و ۸۹۵ هزار تومان بوده است. این عدد در شرایطی دیده می‌شد که دستمزد ۱۴۰۰ کارگران، تنها ۵۹ درصد هزینه‌های خانوار را پوشش می‌داد؛ چرا که حداقل حقوق پایه در سال ۱۴۰۰، ۲ میلیون و ۶۵۵ هزار تومان مشخص شده بود و این عدد با احساب مواردی مانند حق مسکن، بن کارگری و پایه سنوات به رقم ۳ میلیون و ۷۰۵ هزار تومان می‌رسید.

■ نحوه محاسبه سبد معیشتی خانوار

شیوه محاسبه هزینه معیشت در شورای عالی کار به این صورت است که ابتدا هزینه خوراکی‌های مورد نیاز یک خانوار ۳.۳ نفره کارگری محاسبه می‌شود و پس از آن با در نظر گرفتن مختصات تورمی دهک چهارم جامعه به عنوان دهک غالب کارگری، سهم خوراکی‌ها در کل سبد مصرفی کارگران مشخص می‌شود. در ادامه نیز به تناسب افزایش هزینه خوراکی‌ها و سهم آنها در سبد خانوار، میزان افزایش مابقی هزینه‌های خانوار محاسبه خواهد شد. بر همین اساس در نشست اخیر شورای عالی کار، ابتدا هزینه خوراکی‌های یک خانوار کارگری براساس جدول انستیتو تغذیه ایران، مطالعات کارشناسی و مذاکره شرکای اجتماعی ۳۲ میلیون و ۸۶۶ هزار و ۱۴۳ ریال تعیین شد. با توجه به سهم ۳۶.۶ درصدی اقلام خوراکی و سهم ۶۴.۴ درصدی اقلام غیر خوراکی در سبد مصرفی دهک چهارم، رقم هزینه معیشت کارگران ۸۹ میلیون و ۷۹۸ هزار و ۲۰۵ ریال تعیین شده است. در این میان، آن‌طور که علی حسین رعیتی فرد، معاون روابط کار و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی توضیح داده، سبد معیشتی

چرا بوش، یاماها و ... ایران را ترک نمی‌کنند؟!

گمرک؛ پاتوق کالاهای ممنوعه!

زهرا شکری

بود، پیش نویسی هم جهت تعیین تکلیف این اقلام به هیات وزیران ارائه شد، اما در مورد کالاهای غیر خودرویی گروه چهار موجود در گمرک و بنادر نیز اعلام شده بود که باید زمانی دیگر از سوی هیات دولت تعیین تا بتوانند کالای خود را تعیین تکلیف کنند، هر چند که تاکید شده بود تمامی این اقلام تحت عنوان متروکه در اختیار سازمان اموال تملیکی قرار گرفته و باید براساس ماده ۱۰۵ قانون امور گمرکی نسبت به آن اقدام شود.

■ برخی ممنوعه‌ها حتی تا پار سال اظهار شد!

اما جدای از خودروها که ماجرای خاص خود را دارند، در کنار کالاهایی که قبل از ممنوعیت سال ۱۳۹۷ به بنادر رسیده و یا ثبت سفارش شده بودند، برخی اقلام هستند که با وجود ثبت سفارش قبلی، زمان اظهار آنها به همین چند ماه تا یک سال پیش برمی‌گردد که صاحب کالا خواستار ترخیص آن است، نمونه آن می‌توان به محموله پرحاشیه ۴۲۰ کانتینری لوازم خانگی بوش اشاره کرد که حتی بعد از ممنوعیت واردات، صاحب کالا طی رایزنی‌های صورت گرفته توانسته بود مجوزهایی را برای ترخیص به دست بیاورد که در آبان ماه پار سال نسبت به اظهار کالای ممنوع‌الورود خود به گمرک اقدام کرده بود ولی در نهایت به دلیل برخی موانع که اهم آن "منشاء ارز" بود، امکان ترخیص پیدا نکرد و دستگاه‌های مربوطه به توافقی در این رابطه نرسیدند و باید بر اساس قانون امور گمرکی اقدام می‌شد. محموله بوش تنها کالای با این شرایط نبود و کالاهایی دیگری نیز در بین اقلام گروه چهار هستند که چنین وضعی دارند مانند محموله آلات موسیقی برند یاماها که چندی پیش حاشیه‌ساز شد و حتی تا در خروج گمرک هم با وجود ممنوعیت واردات پیش رفت اما ترخیص آن متوقف شد، در حالی که امکان ورود این اقلام در حال حاضر وجود ندارد.

عدم تعیین تکلیف کالاهای ممنوع‌الورود بخشی از ماجرای این حدود ۸۰ میلیون دلار کالا از سال ۱۳۹۷ است، اما بخش دیگر عدم اقدام برای کالاهایی است که حتی تکلیف‌شان مشخص است و باید مرجوع شده و یا در نهایت به نفع دولت ضبط شوند، ولی از مهلت‌های قانونی آن هم گذشته و مشخص نیست به چه امیدی همچنان در گمرک باقی مانده است. چهار سال از اعلام ممنوعیت واردات بخشی از کالاها و به طور ویژه کالاهای گروه چهار با توجه به شرایط ارزی و مصرفی بودن آنها گذشته است اما تبعات یک تصمیم یک باره برای اعلام ممنوعیت این کالاها همچنان ادامه دارد، این در حالی است که قبل از ممنوعیت، بخشی از کالاها توسط واردکنندگان به گمرک و بنادر رسیده که حتی در مواردی دارای ثبت

سفارش یعنی مجوز دولت برای واردات بود ولی با توقف واردات، این اقلام در گمرک و بنادر دیو باقی ماند. در همین رابطه طی مصوباتی که در هیات دولت گذشت زمانی برای تعیین تکلیف کالاهای گروه چهار در اختیار صاحب کالا قرار گرفت ولی آنقدر موانع در این بین وجود داشت که بعد از پایان زمان، باز هم بخش عمده‌ای از این اقلام امکان ترخیص پیدا نکرد؛ به طوری که گزارش گمرک نشان داده که از حدود ۸۰ میلیون دلار کالای گروه چهار دیو شده، بخش عمده‌ای تعیین تکلیف نشد و باید مرجوع شود و یا در نهایت به ضبط دولت درآید.

■ وضعیت گروه چهار در دو گروه خودرویی و غیر خودرویی

گزارش ارونقی - معاون پیشین فنی گمرک - در آبان امسال به وزارت اقتصاد در رابطه با وضعیت کالاهای ممنوعه گروه چهار موجود در گمرک و بنادر از این حکایت داشت که در حال حاضر دو دسته شامل خودروهای سواری و کالاهای غیر خودرویی وجود دارد که در مورد خودروها که حدود ۲۲۵۰ دستگاه



محموله بوش تنها کالای با این شرایط نبود و کالاهایی دیگری نیز در بین اقلام گروه چهار هستند که چنین وضعی دارند مانند محموله آلات موسیقی برند یاماها که چندی پیش حاشیه‌ساز شد و حتی تا در خروج گمرک هم با وجود ممنوعیت واردات پیش رفت اما ترخیص آن متوقف شد، در حالی که امکان ورود این اقلام در حال حاضر وجود ندارد



گروه چهار تاکید شد. تاکید بر این بود که طبق ماده ۱۰۵ قانون امور گمرکی، هر گاه کالایی که ورود آن ممنوع است با نام و مشخصات کامل و صحیح اظهار شود، گمرک باید از ترخیص آن خودداری و به صاحب کالا یا نماینده قانونی وی به طور مکتوب اخطار دهد که حداکثر ظرف سه ماه نسبت به عبور خارجی یا مرجوع کردن کالا با رعایت ضوابط اقدام کند. در صورت عدم اقدام در زمان تعیین شده، گمرک کالا را ضبط و مراتب را به صاحب آن یا نماینده آن ابلاغ کرده و صاحب کالا حق دارد از تاریخ ابلاغ ضبط تا دو ماه اعتراض را به دادگاه تسلیم و مراتب را حداکثر ظرف ۱۵ روز از تاریخ مراجعه به دادگاه به گمرک اعلام کند، در غیر این صورت کالا به ضبط قطعی دولت در خواهد آمد. طبق اعلام ارونقی کالایی که وارد کردن آن جرم شناخته می‌شود، از این موضوع مستثنی بوده و طبق مقررات و قوانین با آن برخورد می‌شود.

■ اظهار شده‌ها مانده و مرجوع نشده است؛ بوش در اهم آن!
بر این اساس در حال حاضر اقلامی در گروه چهار هستند که از زمان اظهارشان به گمرک حتی بیش از یکسال گذشته و باید تکلیف آنها مشخص شود، مثلاً اقلامی مانند محموله بوش که ثبت سفارشی بانکی و تأمین ارز بانکی آن هیچگاه به صراحت از سوی بانک مرکزی تأیید نشده که با مصوبه موجود قرار بر ترخیص آن باشد و از سویی مدت‌ها از زمان اظهار آن گذشته و اکنون مشمول ماده ۱۰۵ قانون امور گمرکی شده است، در حالی که مدت‌هاست این کالاها در گمرک باقی مانده و هر بار رایزنی تازه‌ای برای ورود آنها به کشور صورت می‌گیرد و هنوز اقدامی در این رابطه صورت نگرفته است. در مجموع آنچه در این سال‌ها گذشته همواره با جنجال برای ورود کالاهایی همراه بوده که در حال حاضر واردات ممنوع هستند و دولت یکبار تکلیف آنها را مشخص نمی‌کند که در کنار برداشته شدن بساط رایزنی‌های خاص برای دور زدن قوانین و ورود کالا، صاحب آن نیز تکلیف سرمایه خود را دانسته و نسبت به تعیین تکلیف آن اقدام کند.

■ شرط ترخیص گروه ۴ را همه ندارند

در این بین مصوبه‌ای در بهمن ماه پارسال صادر شد که طبق آن کالاهای گروه چهار با ثبت سفارش بانکی که قبل یا بعد از ممنوعیت وارد شده باشد، امکان ترخیص دارد ولی ثبت سفارش بدون انتقال ارز چنین امکانی نداشته و تنها مشروط به مجوز هیات دولت برای تعیین مهلت است.

■ بخشنامه حقوقی برای عدم مشمولیت ماده ۱۰۵ قانون امور گمرکی

اما جریان اجرای ماده ۱۰۵ قانون امور گمرکی در مورد کالاهای ممنوعه، در ماه‌های اخیر با صدور بخشنامه‌ای از سوی خدرویی - مدیر کل دفتر حقوقی گمرک ایران - همراه بود که طی آن در مورد تشخیص نوع کالا از حیث ممنوعیت قانونی یا دولتی اعلام کرد که نمی‌توان مواردی که به موجب صلاحیت اختیاری هیات وزیران به تصویب می‌رسد، در شمول کالاهای ممنوعه قانونی دانست و مشمول مجازات کیفری نخواهد شد. در این بخشنامه تاکید شده بود که "از مصادیق کالاهای ممنوع قانونی و تسری آن به کالاهایی که به صورت موقت و مقطعی برای رعایت مصلحت‌های دوره‌ای توسط مقامات اداری یا هیات وزیران ممنوع اعلام می‌شود، خلاف اصول و قواعد حقوقی و منطق قانونی است و این گونه کالاها در دسته ممنوع قانونی نبوده و مشمول مقررات کیفری قاچاق کالا نمی‌شود، بر این اساس با توجه به عدم وصف کیفری کالاهای ممنوع دولتی ماده ۱۰۵ قانون امور گمرکی و ۳۵ آن مشمول مقررات کالاهای ممنوع قانونی نیست."

■ ماده ۱۰۵ را اجرا کنید: اظهار شده مرجوع شود

با این حال مدتی بعد و به دنبال دستور معاون اول رئیس جمهوری برای بررسی و اقدام قانونی لازم درباره کالاهای ممنوعه موجود در گمرک، طی بخشنامه دیگر از سوی معاون فنی وقت گمرک بر اجرای ماده ۱۰۵ قانون امور گمرکی در مورد کالاهای دارای اولویت

زنگ خطر برای بازنشستگان تأمین اجتماعی به صدا در آمد!

اوضاع نگران کننده صندوق بازنشستگی

شادی همایونی



نسبت پشتیبانی صندوق بازنشستگی کشوری حدود ۰.۹، صندوق بازنشستگی نیروهای مسلح حدود ۰.۸۵ و صندوق بازنشستگی روستائیان و عشایر حدود ۱۲.۷ است. البته در خصوص صندوق آخر باید توجه کرد که حدود ۴۵ درصد از بیمه پردازان، بالای ۵۰ سال سن دارند و بازنشستگی قریب الوقوع آنان نسبت پشتیبانی این صندوق نیز به زودی کاهش چشمگیری پیدا خواهد کرد. رشد نامتوازن جمعیت یکی از عواملی است که در وقوع این وضعیت نقش مهمی داشته است. بالا بودن نرخ رشد جمعیت در یک دوره (دهه شصت) و کاهش این نرخ در دوره‌های بعدی باعث شده که به تدریج ترکیب جمعیتی کشور از نظر سنی نامتوازن شود.

یکی از موارد مهم تأثیر گذار بر پایداری صندوق‌های بازنشستگی، سن بازنشستگی و مدت زمان بهره‌مندی از حقوق و مستمری بازنشستگی است. همانطور که در نمودار نشان داده شده است، با وجود افزایش پیوسته امید به زندگی، نه تنها متناسب با آن (و به دلیل افزایش توان افراد جامعه برای اشتغال) سن بازنشستگی افزایش نیافته است؛ بلکه این روند نزولی بوده و متوسط سن بازنشستگی نزدیک به پنج

در حال حاضر حدود ۴۵ درصد از بیمه پردازان، بالای ۵۰ سال سن دارند و بازنشستگی قریب الوقوع آنان نسبت پشتیبانی این صندوق نیز به زودی کاهش چشمگیری پیدا خواهد کرد. نسبت پشتیبانی شاخصی است که نشان دهنده وضعیت جریان مالی ورودی به جریان خروجی صندوق هاست و برابر است با نسبت تعداد بیمه شدگان به تعداد پرونده‌های مستمری بگیران. با این توضیح طبیعی است که هرچه اندازه این نسبت بزرگتر باشد آن صندوق از نظر درآمد و هزینه در نقطه مطلوب‌تری قرار دارد. بررسی آمارهای منتشر شده سازمان تأمین اجتماعی نشان می‌دهد که روند تغییرات این شاخص در ۱۰ سال اخیر برای این سازمان نزولی بوده و مقدار آن تا سال ۱۳۹۹ به زیر ۴.۴ رسیده است. به عبارت بهتر، در ۱۰ سال اخیر به صورت مستمر نسبت درآمد حاصل از دریافت حق بیمه به هزینه پرداخت مستمری کاهش یافته است.

آمارهای منتشر شده نشان می‌دهند که از این نظر سایر صندوق‌ها نیز وضعیت مناسبی ندارند و درآمدهای حاصل از دریافت حق بیمه در بیشتر آنها کفاف پرداخت مستمری‌ها را نمی‌دهد. به عنوان مثال طبق آخرین آمارهای سال ۱۳۹۸

حدود ۲.۴۹۱ میلیون نفر مشترک اصلی صندوق بازنشستگی کشوری، حدود ۱.۵۰۹ میلیون نفر مشترک اصلی صندوق روستائیان و عشایر و ۱.۰۱ میلیون نفر مشترک اصلی صندوق تأمین اجتماعی نیروهای مسلح هستند. از تعداد مشترکان سایر صندوق‌های بازنشستگی دستگاهی اطلاعات دقیقی در دسترس نیست؛ اما براساس آخرین آمارها که مربوط به سال ۱۳۹۶ است؛ تعداد مشترکان آنها در مجموع حدود ۷۰۸ هزار نفر تخمین زده می‌شود.

از بین صندوق‌های بازنشستگی، صندوق بازنشستگی کشوری، سازمان تأمین اجتماعی نیروهای مسلح، صندوق بازنشستگی کارکنان فولاد و صندوق وزارت اطلاعات از طریق منابع داخلی

سال کاهش یافته است.

بازنشستگی‌های پیش از موعد که با قوانین مختلف تکلیف شده‌اند؛ اصلی‌ترین دلیل این اتفاق هستند. در این خصوص میت وان به بازنشستگی‌های پیش از موعد مشاغل سخت و زیان آور اشاره کرد که مهم‌ترین دسته از بازنشستگی‌های پیش از موعد هستند.

علاوه بر این ورود زود هنگام به صندوق‌های بازنشستگی و امکان بازنشستگی صرفاً براساس سنوات حق بیمه پردازی (بدون در نظر گرفتن حداقل سن) را می‌توان یکی از عوامل بازنشستگی در سن پایین عنوان کرد. ورود زود هنگام برخی از گروه‌های شغلی به صندوق‌های بازنشستگی و در نتیجه خروج زود هنگام آنان باعث می‌شود تا سنوات دریافت مستمری افزایش یابد که بار مالی بسیاری به صندوق‌های بازنشستگی تحمیل می‌کند. افرادی که دوره تحصیلی آنان جزو سوابق خدمتشان محسوب می‌شود، بخش مهمی از گروه‌های با سن بازنشستگی پایین را تشکیل می‌دهند. کاهش سن بازنشستگی موضوعی است که به رغم آثار مخرب آن بر پایداری صندوق‌های بازنشستگی، یکی از موضوع‌های مورد علاقه گروه‌های مختلف شغلی است و درخواست برای قرارگیری در زمره مشاغل سخت و زیان آور و دریافت سنوات ارفاقی، همواره از سوی مشاغل مختلف ارائه می‌شود.

در ایران ۱۸ صندوق بازنشستگی وجود دارد که در مجموع حدود ۲۳.۶ میلیون مشترک و مستمری بگیر اصلی را تحت پوشش قرار داده‌اند. چهار صندوق از این ۱۸ صندوق در حال حاضر به پرداخت حقوق و مزایای بازنشستگان خود از محل منابع داخلی قادر نبوده و در قوانین بودجه سالیانه مبالغی برای کمک به آنها در نظر گرفته می‌شود. از منظر بودجه‌ای نکته قابل تأمل در این خصوص، رشد فزاینده مقدار این کمک‌ها در اثر اتخاذ تصمیمات هزینه ساز برای صندوق‌ها و همچنین رسیدن تعداد قابل توجهی از شاغلان فعلی به سن بازنشستگی است. براساس جداول بودجه، میزان اعتبارات دریافتی صندوق‌ها از حدود ۳۰ هزار میلیارد تومان در سال ۱۳۹۳ به حدود ۲۱۷ هزار میلیارد تومان در سال ۱۴۰۱ رسیده است. این در حالی است که اعتبار کمی به صندوق‌های دستگاهی و رشکسته همچون صندوق بازنشستگی کارکنان صداوسیما، صندوق بازنشستگی کارکنان هما و... در این آمار لحاظ نشده است.

براساس آخرین آمارهای منتشر شده (سال ۱۳۹۹) حدود ۱۷.۸۹۴ میلیون نفر مشترک اصلی سازمان تأمین اجتماعی،



محموله بوش تنها کالای با این شرایط نبود و کالاهایی دیگری نیز در بین اقلام گروه چهار هستند که چنین وضعی دارند مانند محموله آلات موسیقی برند یاماها که چندی پیش حاشیه‌ساز شد و حتی تا در خروج گمرک هم با وجود ممنوعیت واردات پیش رفت اما ترخیص آن متوقف شد، در حالی که امکان ورود این اقلام در حال حاضر وجود ندارد

خود قادر به پرداخت حقوق و مزایای بازنشستگان خود نبوده و در بودجه سالیانه به صورت مستقیم مبالغ قابل توجهی به آنها اختصاص می‌یابد که در ادامه به طور جزئی‌تر بررسی خواهند شد. البته اکثریت صندوق‌های دستگاهی نیز این وضعیت را دارند، با این تفاوت که کمبود درآمد آنها از طریق دستگاه مادر (مثل سازمان صداوسیما، هواپیمایی ملی ایران و...) تأمین می‌شود و لذا این ارقام به صورت شفاف در بودجه عمومی ذکر نمی‌شود؛ به عنوان مثال تأمین اعتبار حدود ۱۲۰۰ میلیارد تومان از هزینه‌های صندوق بازنشستگی کارکنان صداوسیما در سال ۱۴۰۰ از محل بودجه سازمان صداوسیما انجام شده است.

رژیم فارغ التحصیلان بیکار دانشگاهی تمایل بیشتری برای مهاجرت دارد

زنان؛ بیشترین مهاجران ایران



مظاهر گودرزی

روند مهاجرت معمولاً در بلندمدت فراز و فرودهایی دارد، مهاجرت ایرانیان به خارج از کشور مواقعی رو به افزایش بوده و در موقعیت‌های دیگری کاهش داشته است.

■ علت اصلی این کاهش یا افزایش مهاجرت چیست؟

هر زمان که شرایط اقتصادی و اجتماعی بهتر شود ما شاهد کاهش خروج ایرانیان از کشور هستیم و برعکس وقتی فشارهای اقتصادی بیشتر می‌شود ما می‌بینیم که مهاجرت روند صعودی می‌گیرد.

■ در یکی دو سال گذشته روند مهاجرت از ایران افزایشی بوده است؟

بله، در دو سه سال گذشته با توجه به شرایط اقتصادی که پیش آمده مخصوصاً مسئله تحریم‌ها، میل به مهاجرت بیشتر شده که در کنار آن، عوامل کشتی و جاذبه‌ای خارج از کشور هم آن را تقویت می‌کند، در واقع به هم پیوستن این دو مورد باعث صعودی شدن روند مهاجرت می‌شود.

■ منظور تان از جذاب بودن و کشش‌های کشورهای خارجی

که به مهاجرت کمک می‌کند، چه بود؟

این نکته خیلی مهمی است، وقتی کشوری تحت تأثیر تلاطم‌های اقتصادی و مخصوصاً تحریم قرار می‌گیرد، نرخ برابری ریال در برابر ارزهای خارجی مخصوصاً دلار باعث می‌شود که اولاً حقوق و دستمزدهای که خارج از کشور می‌دهند جذابیت پیدا کند. مثلاً در ایران کف و حداقل حقوق و دستمزد بین ۴.۵ تا ۵ میلیون تومان است در حالی که کف حقوق بازار کار جهانی را اگر

گزارش‌های اخیر نشان می‌دهد اقدام به مهاجرت از ایران افزایش پیدا کرده است. زنان و مردانی که در جست‌وجوی یک موقعیت بهتر، برای همیشه ایران را ترک می‌کنند؛ از کشورهای خاورمیانه مانند امارات متحد عربی گرفته تا آلمان و انگلستان و ایالات متحده آمریکا، مقصد نهایی همه کسانی می‌شود که حالا به این نتیجه رسیده‌اند در ایران آینده‌ای ندارند، حتی اگر شیوع کرونا مانعی شد تا جست‌وجوی سرنوشت در جایی غیر از وطن برای آن‌ها با تأخیر مواجه شود اما مجدد صدور مجوزهای تردد شیب مهاجرت از ایران را صعودی کرد. بدون تردید تداوم مشکلات اقتصادی و اجتماعی در سال‌های اخیر از آن دست از عواملی هستند که انگیزه مهاجرت کردن را افزایش می‌دهند، طوری که بهرام صلواتی، مدیر رصدخانه مهاجرت ایران به خبرنگار آنا این می‌گوید: «هر زمان که شرایط اقتصادی و اجتماعی بهتر شود ما شاهد کاهش خروج ایرانیان از کشور هستیم و برعکس وقتی فشارهای اقتصادی بیشتر می‌شود ما می‌بینیم که مهاجرت روند صعودی می‌گیرد.» او درباره این که زنان یا مردان بیشتر تمایل به مهاجرت از ایران دارند، معتقد است: جمعیت بالقوه برای مهاجرت همان فارغ‌التحصیلان بیکار دانشگاهی هستند، از آن جایی که سهم زنان از این جمعیت بیشتر است می‌توان حدس زد آن‌ها تمایل بیشتری برای مهاجرت کردن دارند. متن کامل این گفت‌وگو در ادامه آمده است.

■ روند مهاجرت ایرانیان از کشور سیر افزایشی دارد یا کاهش؟

کردیم آمار مهاجرت‌ها آمده که قابل دسترس است، براساس منابع بین‌المللی جمعیت مهاجر ایرانی در دنیا در سال ۱۹۹۰ میلادی، بالغ بر ۸۲۰ هزار نفر بوده است، که این رقم در سال ۲۰۲۰ میلادی به ۱.۸ میلیون نفر رسیده است، در واقع طی ۳۰ سال گذشته جمعیت مهاجران ایرانی ۲.۲ برابر شده است. البته براساس منابع داخلی (دبیرخانه شورای عالی ایرانیان) جمعیت مهاجران ایرانی خارج از کشور ۴۰۴ میلیون نفر برآورده شده که این آمار براساس منابع بین‌المللی قابل راستی‌آزمایی نیست.

■ مقصد مهاجرت ایرانی‌ها در سال‌های اخیر کدام کشورها هستند؟

در همان سالنامه مهاجرتی ۱۴۰۰ دقیقاً این بخش وجود دارد، جمعیت مهاجران در جهان براساس دو معیار کشور محل تولد و شهروندی، آمارهای متفاوتی دارد، براساس آمار سازمان ملل، چهار کشور آلمان، سوئد، هلند و فرانسه در اتحادیه اروپا در حال حاضر میزبان بیشترین تعداد مهاجر متولد ایران هستند. (انگلیس به دلیل خروج از اتحادیه اروپا از این لیست حذف



افزایش نرخ ارز هم باعث افزایش هزینه‌هایی مانند اپلای یا درخواست اجازه ورود و اقامت شده است که هزینه‌های جانبی مهاجرت را افزایش داده، بنابراین ما فعلاً جهش خارق‌العاده‌ای در مهاجرت ندیده‌ایم و روند با یک شیب آرامی دارد اتفاق می‌افتد؛

شده است). براساس این آمار در سال ۲۰۲۰، کشور آلمان با ۱۵۲ هزار و ۵۹۰ مهاجر متولد ایران در جایگاه نخست قرار دارد. همچنین در سال ۲۰۲۰ بیشترین درخواست ویزای ثبت شده و همچنین تعداد ویزای شنگن صادر شده برای ایرانیان در اروپا، متعلق به کشورهای آلمان، فرانسه و ایتالیا بوده است. لذا کشور آلمان اولین مقصد ایرانی‌ها برای مهاجرت به اروپاست. انگلستان دومین مقصد مهاجرت ایرانی‌ها در خارج از اتحادیه اروپا است و در حال حاضر حدود ۸۳ هزار و ۵۳۱ نفر ایرانی در این کشور زندگی می‌کنند. همچنین استرالیا همواره یکی از مقصدهای اصلی مهاجرت ایرانی‌ها در همه انواع مهاجرت از جمله مهاجرت کاری بوده و تعداد کل جمعیت ایرانی‌ها در استرالیا در این سال‌ها روندی صعودی داشته است.

به‌طور میانگین ۲ هزار دلار در ماه در نظر بگیریم با نرخ متوسط دلار در کشورمان نزدیک به ۵۰ میلیون تومان دستمزد می‌شود، یعنی یک اختلاف ۱۰ برابری اینجا وجود دارد، این اختلاف ۱۰ برابری بالطبع باعث ایجاد جاذبه خواهد شد.

■ وجود فرصت شغلی هم جزو همین جذاب بودن و کشش کشورهای خارجی برای مهاجرت است؟

کشورهای خارجی مخصوصاً کشورهای حوزه خلیج فارس و یا برخی از کشورهای همسایه در بسیاری از بخش‌ها با کمبود نیروی کار متخصص روبه‌رو هستند و از این فرصت استفاده می‌کنند تا برنامه‌های جذابی را برای جذب نیروی کار نیمه‌ماهر یا ماهر از ایران و بقیه کشورهای پیشنهاد دهند. در این میان کشور ایران به‌خاطر تالطم‌های ارزی بیشتر مخاطب این وضعیت قرار می‌گیرد و فرصت‌های شغلی جذابیت بیشتری برای مهاجرت ایجاد می‌کند، برای همین است که ایرانی‌ها با داشتن مهارت‌های فنی حرفه‌ای یا حتی نیروهای کم‌مهارت، نیمه‌ماهر و در مواردی با مهارت بالا، برای مهاجرت جذب می‌شوند. البته اینجا نکته‌ای وجود دارد و آن هم این است که معمولاً افراد برای مهاجرت به سطح مخارج توجه نمی‌کنند و تنها به سطح درآمد توجه می‌کنند. مثلاً اگر شما با یک حقوق متوسط یا حداقلی در یک بازار کار بین‌المللی جذب شوید، با برابری نرخ ارز دستمزدتان ماهانه بالای ۵۰ میلیون تومان می‌شود، اما باید در نظر داشته باشید که سطح مخارج هم به همان میزان بالا است. اگر سطح درآمد را تبدیل می‌کنید باید سطح مخارج را هم در نظر بگیرید.

■ شیوع ویروس کرونا تاثیری در روند صعودی یا نزولی مهاجرت داشت؟

ببینید، دو موضوع این وسط اتفاق افتاد که روند صعودی مهاجرت را کنترل و یا محدود کرد و باعث فشرده شدن فنر مهاجرتی از ایران شد. اولین مسئله شیوع ویروس کرونا بود که باعث کاهش یا توقف جابه‌جایی‌های بین‌المللی در دنیا شد که ایران هم به‌طبع تحت تأثیر آن قرار گرفت، به این ترتیب روند صدور ویزا، اجازه اقامت و ورود ایرانیان به برخی از مقصدهای اصلی مهاجرت کاهش پیدا کرد چراکه برخی از قوانین مهاجرتی در دنیا سختگیرانه‌تر شد؛ نکته بعدی این است که افزایش نرخ ارز هم باعث افزایش هزینه‌هایی مانند اپلای یا درخواست اجازه ورود و اقامت شده است که هزینه‌های جانبی مهاجرت را افزایش داده، بنابراین ما فعلاً جهش خارق‌العاده‌ای در مهاجرت ندیده‌ایم و روند با یک شیب آرامی دارد اتفاق می‌افتد؛ اما نکته‌ای که در این بین وجود دارد این است که امکان دارد در آینده با یک جهش مهاجرت از طرف ایرانی‌ها مواجه شویم.

■ آیا آماری در خصوص جمعیت مهاجر از ایران وجود دارد؟

در سالنامه مهاجرتی ۱۴۰۰ که همین سه چهار ماه پیش منتشر

پروفسور ثبوتی:

جوانان را آنقدر آزرده کرده‌ایم که همه می‌خواهند فرار کنند!

صادق کریمیان

جامعه شد، کجا کار پیدا کند؟ این دیگر وظیفه من نیست؛ در حد استطاعت و توانایی‌های نوع من (استاد) هم نیست که بتوانم این جوانان را در کشور نگه دارم. بروید ببینید کجاست که باید به این مسائل رسیدگی کنند. نگه داشتن این جوانان و کار پیدا کردن برای آنها، مسئولیت و توانایی من نیست!

■ اقلیم آدم‌های ناتوان و نابخرد را حذف می‌کند

پروفسور ثبوتی که شخصیتی فراحوزه‌ای دارد و دل در گرو حفاظت از محیط زیست و توجه به مباحث تغییرات اقلیم دارد به گرمایش زمین نیز اشاره می‌کند و می‌گوید: تغییر اقلیم و گرمایش زمین موضوع بسیار مهم و البته خیلی ساده است. کربن دی‌اکسید که از سوخت‌های فسیلی در طول ۵۰ سال گذشته به هوا فرستاده‌ایم، مانند یک لحاف بزرگ روی کره زمین، آن را گرم نگه می‌دارد و همه چیز را متأثر می‌کند. در ۲۰ هزار سال گذشته میزان کربن دی‌اکسید جودر حدود ۳۰۰ ppm بوده است. تمدن یک جانشینی بیشتر از ۱۲ هزار سال عمر ندارد؛ اگر گریه و سگی اهلی شده و گیاهی در جایی روییده است، خودشان را با آب و هوای ۲۰ هزار سال گذشته تطبیق دادند و ناگهان در طول ۵۰ سال، این کربن دی‌اکسید به ۴۰۰ ppm رسیده است که غیرعادی و ساخته دست بشر است که با فناوری و دانش‌اش، بدون اندیشه تعادل دنیا را بهم زده است که آثار مخرب به جای گذاشته است و باید با این آثار مخرب بسازیم یا از این آثار جلوگیری کنیم. وی ادامه داد: کربن دی‌اکسید و سوخت‌های فسیلی مسئول اصلی این موضوع هستند. اگر مسئول اصلی مشخص است، جواب هم روشن است: کمتر و بهتر مصرف کنیم و جایگزین برای آنها بیابیم. منتهی آگاهی وسیعی در بین تمام افراد جامعه مورد نیاز است که در حال حاضر وجود ندارد. ما در پژوهش‌کده تغییرات اقلیم و گرمایش زمین نتوانسته‌ایم کار زیادی انجام دهیم، زیرا شکاندن مقاومت‌ها کار آسانی نیست. به این فکر نیستیم که انرژی کمتری مصرف کنیم؛ یا مثلاً اگر روزانه دوش می‌گیریم، آیا می‌توانیم میزان مصرف آب را یک دقیقه کم کنیم؟ موقع مسواک زدن آب را باز نگذاریم؟ از شیرآب‌های مجهز به چشم الکترونیکی استفاده کنیم؟ این اشراف اطلاعاتی اگر وجود داشته باشد، خیلی اثر دارد. پروفسور ثبوتی در پایان تأکید کرد: مسئله این است که همه این کارها (و آسیب‌ها) را بشر انجام داده است، اما موجودات غیربشر چه گناهی داشتند که گرفتار شدند؟ اگر بشر می‌تواند خود را تطبیق بدهد و برود جایی که آب ندارد، درخت چکار می‌تواند بکند؟ درخت که نمی‌تواند یک روز مهاجرت کند. این را باید متوجه باشیم که اگر ناتوان بودیم تا با این اقلیم بسازیم، اقلیم خودش را تحمیل خواهد کرد و آدم‌های ناتوان و نابخرد را حذف می‌کند. شما به حذف شدن نئاندرتال‌ها نگاه کنید؛ آدم‌گنده‌ای بود که نتوانست خود را با مقتضیات اقلیمی وفق دهد. ما هم موجود مقدسی نیستیم که زمین به ما رحم کند و در این صورت، زمین ما را حذف خواهد کرد.

پروفسور "یوسف ثبوتی"، فیزیکدان، منجم، دانشمند و پژوهشگر برجسته اختراع فیزیک، نزدیک به ۶ دهه از عمر خود را در راه آموزش و تربیت دانشجویان سپری کرده و شاگردانی مانند دکتر "سعداله نصیری قیداری"، رییس دانشگاه شهید بهشتی، دکتر "غلامعلی حداد عادل"، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی، شهید دکتر "مجید شهریاری"، از دانشمندان هسته‌ای ایران و دکتر "حبیب خسروشاهی"، از اساتید نجوم رصدی و مجری طرح رصدخانه ملی ایران را به جامعه تحویل داده است و همچنان، ارتباط و تعامل بسیار خوبی با دانشجویان دارد. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های شخصیتی پروفسور ثبوتی، طرز تفکر و دیدگاه مثبتی است که نسبت به قشر جوان و دانشجوی کشور دارد. پروفسور ثبوتی درباره جوانان و علت مهاجرت آنها از کشور، می‌گوید: تغییری در دانشجویان دیروز و امروز نمی‌بینیم، جز اینکه دانشجویان امروزی (سطح) آگاهی‌شان بیشتر شده و امکانات دسترسی به دنیا، بسیار بیشتر از دوران دانشجویی من است. دانشجویان (زیادی) علاقه‌مند علم هستند، اما با انبوه دانشجویی که داریم، لزومی ندارد از همه آنها انتظار داشته باشیم که همگی کشته و مرده دانش باشند. آن‌ها در شرایط امروز کشور، نگرانی‌های دیگری دارند و باید عقل معاش هم داشته باشند که فردا وقتی می‌خواهند وارد جامعه شده یا مثلاً ازدواج کنند، به فکر خانواده و فرزندان باشند. از همه که نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم علاقه‌مند فیزیک یا ریاضی باشند؛ اما هستند کسانی که هنوز به فیزیک و ریاضی ارادات می‌ورزند و فراوان (از این افراد) هستند؛ اما جامعه دانشجویی حدود ۳۰۰-۲۰۰ هزار نفری قبل از انقلاب در حال حاضر به بیش از ۳ میلیون نفر رسیده است و به همان تناسب، افراد علاقه‌مند به فیزیک را بیشتر پیدا می‌کنید و در عین حال، افرادی که کمتر علاقه‌مند هستند را هم پیدا می‌کنید؛ جامعه بزرگ شده است.

■ توانایی نگهداری جوانان را نداریم

وی با اشاره به تحصیلاتش در کانادا و آمریکا، ادامه می‌دهد: من هدفم از ابتدای تحصیل (در خارج از کشور)، بازگشت به ایران بود و هیچ‌وقت آرزو نداشتم که‌ای کاش (بتوانم) خارج از کشور بمانم. الان بچه‌ها را آزرده کرده‌ایم و همه می‌خواهند فرار کنند! چرا؟ ۶۰-۵۰ سال پیش که من کارهایم را در ایران انجام می‌دادم، چنین تمایلی در خیلی از ایرانی‌ها نبود. وی گفت: با خون دل، جوان‌ها را در دانشگاه‌ها تربیت می‌کنیم، اما توانایی نگهداری آنها را نداریم و دو دستی تقدیم بیگانه می‌کنیم. این من نیستم که نمی‌توانم دانشجویان را نگه دارم. وظیفه اخلاقی و اجتماعی من (به عنوان استاد) این است که خودم خوب یاد بگیرم و خوب هم به دانشجویان یاد بدهم. من این کار را انجام می‌دهم؛ بعد که دانشجو فارغ‌التحصیل و وارد

دریافتی‌های آخر سال یکی نیست

چالش عیدی!

زهرا شکری

متوسط بالای ۴۰ درصد در آمارهای رسمی ثبت شده و با توجه به هزینه‌های مردم در پایان سال، با این ارقام عیدی، قدرت خرید نسبت به سطح قیمت‌ها بالا نیست، از سویی پرداخت عیدی کارکنان در سطح پایین‌تری از عیدی کارگران که معمولاً معادل یک ماه حقوق است، قرار دارد، در حالی که برای کارکنان به حداقل حقوق پرداختی امسال هم نمی‌رسد.

انتقاد از تأخیر در تعیین میزان عیدی بازنشستگان

در همین رابطه خبرگزاری ایلنا نوشت: حسن ایزدان (بازرس کانون بازنشستگان کارگری تهران)، از تأخیر در تعیین میزان عیدی بازنشستگان انتقاد کرد. او گفت: چند میلیون بازنشسته کارگری کشور در انتظار تصویب عیدی پایان سال و پرداخت آن هستند؛ در تماس‌های مکرر کانون با سازمان تأمین اجتماعی گفته می‌شود تا هیات دولت تصویب نکند، سازمان تأمین اجتماعی نمی‌تواند عیدی را واریز کند و مبلغ آن نیز هنوز مشخص نیست؛ این در حالیست که هر سال در بهمن ماه، عیدی بازنشستگان واریز می‌شود. به گفته ایزدان، بازنشستگان روزهاست در انتظار تعیین رقم عیدی هستند و این انتظار بسیار به درازا کشیده است. او ادامه می‌دهد: انتظار داریم هیات وزیران، مبلغ مناسبی را برای عیدی بازنشستگان تصویب کند و پرداخت‌های ناچیز سال‌های گذشته جبران شود. بازنشستگان کارگری انتظار دارند مبلغ عیدی بیشتر از هر سال و به عیدی دریافتی شاغلان نزدیک باشد. به گفته وی، یک خانواده بازنشسته برای تأمین نیازهای ضروری شب عید، به چندین میلیون تومان پول نیاز دارد؛ با عیدی‌های ناچیزی که هیات دولت تصویب می‌کند و به بازنشستگان تأمین اجتماعی نیز همان رقم پرداخت می‌شود، حتی نصف یا یک سوم هزینه‌های خانواده در شب عید تأمین نمی‌شود.

مصوبه نهایی متفاوت از این باشد، ولی در این بین اصل مبلغ پرداختی به کارکنان مطرح است که حتی اگر دو میلیون تومان ثابت هم تصویب شود، نسبت به شرایط تورمی موجود، مورد نقد و گله کارکنان قرار دارد. این را هم باید مورد توجه قرار داد که برخی سازمان‌ها و دستگاه‌ها در آستانه نوروز تحت عناوین مختلف پرداخت‌هایی خارج از عیدی مصوب دولت به کارکنان خود دارند ولی برخی دیگر که از مزایا و بودجه کمتری برخوردار هستند، این امکان را نداشته و در نهایت دریافتی‌های پایان سال کارکنان متفاوت رقم می‌خورد.

■ **رشد ناچیز سالانه عیدی در ۱۰ سال اخیر**
مروری بر مبلغ عیدی در ۱۰ سال گذشته نشان می‌دهد که سال‌ها رقم پرداختی نسبت به سال قبل تفاوت ناچیزی داشته و در حد ۱۰۰ هزار تومان اضافه شده است، آن هم در شرایطی که طی این سال‌ها اقتصاد ایران نوسان زیادی در تورم داشته و تا بیش از ۵۰ درصد را هم تجربه کرده است. روند تغییر عیدی کارکنان در این سال‌ها نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۰ مبلغ ۳۵۰ هزار تومان، ۱۳۹۱، ۴۰۲ هزار تومان، ۱۳۹۲، ۵۰۳ هزار تومان، ۱۳۹۳، ۶۰۳ هزار تومان، ۱۳۹۴، ۶۸۸ هزار تومان، ۱۳۹۵، ۷۷۰ هزار تومان، ۱۳۹۶، ۸۵۰ هزار تومان و سال ۱۳۹۷ مبلغ ۹۳۲ هزار تومان در نظر گرفته شده است. اما در دو سال اخیر به این نحو بود که در سال ۱۳۹۸ که طبق محاسبات عیدی به یک میلیون و ۸۰ هزار تومان می‌رسید، دولت یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان تصویب کرد و برای سال ۱۳۹۹ نیز رقم محاسباتی یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان را با رشد ۳۰۰ هزار تومانی به یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان افزایش داد.

■ **تورم کاهشی شده ولی بالای ۴۰ درصد است**

به هر حال اگر چه تأکید بر روند کاهشی تورم در ماه‌های اخیر است ولی همین تورم نیز به طور

دولت در آستانه پرداخت اولین عیدی خود، سناریوهایی متفاوت از گذشته پیش‌بینی کرده است اما توقع از تصمیم نهایی، در تورم موجود بالای ۴۰ درصد کم نیست؛ عیدی که در این سال‌ها و در اوج تورم هم اغلب سالانه فقط حدود ۱۰۰ هزار تومانی داشته است. برای امسال و براساس امتیاز و ضریب حقوق، رقم عیدی کارکنان به یک میلیون و ۵۲۴ هزار تومان می‌رسد ولی این رقم معادل عیدی است که دولت سال گذشته پرداخته بود. این در حالی است که در هفته جاری و احتمالاً تا امروز (یکشنبه ۲۴ بهمن) سازوکار و مبلغ پرداخت عیدی در هیات دولت نهایی خواهد شد و سازمان برنامه و بودجه با تأمین منابع، پرداخت را در زمان واریز حقوق بهمن ماه انجام خواهد داد ولی ظاهراً با جریانی متفاوت از گذشته.

■ برنامه چیست؟

بررسی‌ها نشان داده بود که برای عیدی امسال دو پیش‌بینی جدی وجود دارد؛ در یک مورد مبلغ عیدی را نسبت یک میلیون و ۵۲۴ هزار تومان، تا ۵۰۰ هزار تومان افزایش داده و دو میلیون تومان به طور یکسان به تمامی کارکنان پرداخت شود و در سناریویی که با تأکید بر پرداخت عادلانه است، همان مبلغ یک میلیون و ۵۲۴ هزار تومان را برای همه در نظر بگیرند، با این تفاوت که برای افراد دارای همسر و فرزند مبلغ اضافه پرداخت شود؛ به طوری که برای همسر یک رقم تعیین و به هر یک از فرزندان هم نصف آن. اما در پرداخت متغیر، چالش هماهنگی با قانون مدیریت خدمات کشوری نیز وجود دارد و ظاهراً این هم مطرح بوده که می‌توان مازاد بر یک میلیون و ۵۲۴ هزار تومان را به جای نقدی، بن کارت برای خرید کالا ارائه کرد که این طرح چندان قابل اجرا نیست.

■ دریافتی‌های آخر سال یکی نیست

این طرح‌ها هنوز نهایی و به تصویب دولت نرسیده و هر یک سازوکار خود را می‌طلبند و ممکن است

قانون «حمایت از اطفال و نوجوانان» اجرا می‌شود؟

ساماندهی «کودکان کار» شاید وقتی دیگر

عاطفه حسینی

موضوع ممانعت از تحصیل کودکان و نوجوانان ادامه داد: در این قانون برای موضوع ممانعت از تحصیل کودکان و نوجوانان جرمانگاری صورت گرفته است. شهروندان می‌توانند موارد ممانعت از تحصیل را به مراجع قضایی اطلاع دهند. سرپرست اداره حمایت از اطفال و نوجوانان با اشاره به تذکر جدی قوه قضاییه به شهرداری‌ها در خصوص کودکان زباله‌گرد، گفت: در خصوص پیمانکارانی که از کودکان و نوجوانان در بحث زباله‌گردی سوءاستفاده می‌کنند در شهرهای تهران و کرج شاهد ورود جدی قوه قضاییه به عنوان مدعی‌العموم به این موضوع، پیگیری‌های صورت گرفته از سوی دفاتر حمایت و دادستانی‌ها و همچنین تذکر جدی به شهرداری‌ها بودیم. در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان نیز تاکید شده افرادی که از کودکان سوءاستفاده اقتصادی می‌کنند مورد تعقیب قضایی قرار خواهند گرفت. سرپرست اداره حمایت از اطفال و نوجوانان در پاسخ به سوالی در خصوص اینکه چرا تا به حال اراده‌ای جدی برای ساماندهی کودکان کار وجود نداشته است، گفت: در گذشته نیز در ارتباط با کودکان و نوجوانان اقداماتی صورت گرفته است اما خیلی پراکنده و بدون هماهنگی. به همین دلیل این برنامه‌ها

صورت گرفته است. به دلیل چارچوب‌های حقوقی و قضایی این قانون، در معاونت پیشگیری از جرم قوه قضاییه نیز پیگیری‌ها و تلاش‌های زیادی برای تصویب آن صورت گرفت. در نهایت سال گذشته این قانون ترقی و نوآورانه به تصویب رسید. این قانون که رویکرد شبکه‌ای و منسجمی به حمایت از اطفال و نوجوانان دارد برای دستگاه‌های مختلف و همچنین عموم افراد جامعه تکالیف مشخصی را در نظر گرفته است. تکلیف عموم افراد جامعه مشخصاً معطوف به زمانی است که شخصی از کودک آزاری مطلع شده و بر اساس حکم این قانون چنانچه آن را به مراجع ذی‌ربط مانند دادستانها و یا دفاتر حمایت از اطفال و نوجوانان دادگستری استازها اطلاع ندهد، مجرم تلقی می‌گردد. در این ارتباط گزارش‌هایی از وضعیت مخاطره آمیز اطفال و نوجوانان به دفتر حمایت از اطفال و نوجوانان رسیده که با نقش آفرینی این دفتر از مسیر قانونی و انعکاس به دادستان‌های مربوطه از کودکان در وضعیت مخاطره آمیز رفع خطر گردیده است و یکی از نتایج و برکات بسیار مطلوب این ساختار به میدان آمدن عموم مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد به منظور رفع وضعیت‌های مخاطره آمیز از اطفال است. وی با اشاره به

اردیبهشت سال گذشته، قانون «حمایت از اطفال و نوجوانان» به تصویب نمایندگان مجلس یازدهم رسید. بر اساس ماده ۴ این قانون دفتر حمایت از اطفال و نوجوانان قوه قضاییه به منظور ایجاد زمینه‌های همکاری با سایر نهادها، تهیه گزارش‌های موردی یا ادواری، انجام مطالعات و تحقیقات آماری و اطلاعاتی و پایش و ارزشیابی فعالیت‌های دفاتر استانی و شهرستانی در خصوص اجرای این قانون در قوه قضاییه تشکیل شد. واحدی از این دفتر نیز در حوزه قضایی هر استان و تحت نظر رئیس کل آن حوزه تشکیل و مستقر شده است. به همین منظور و پس از گذشت یک سال از تصویب قانون «حمایت از اطفال و نوجوانان»، به معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضاییه رفتیم. ارمیا ذوالریاستین، رئیس اداره حمایت از اطفال و نوجوانان در گفت‌وگویی تفصیلی با اقتصادآنلاین به تشریح قانون «حمایت از اطفال و نوجوانان» و همچنین تبیین ساز و کار این اداره در خصوص حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان و بویژه ساماندهی کودکان کار و متکدی پرداخت. ذوالریاستین با اشاره به قانون حمایت از اطفال و نوجوانان افزود: تدوین این قانون توسط معاونت حقوقی قوه قضاییه

اثر بخشی لازم را نداشته است. در ارتباط با ساماندهی کودکان کار و خیابان هم تا به حال با همین مشکل روبه‌رو بوده‌ایم. مسئولیت ساماندهی کودکان کار و خیابان بر عهده وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی بوده است اما به دلیل عدم هماهنگی و نبود ضمانت اجرایی، علی‌رغم اتخاذ تصمیماتی برای بازنگری در آیین‌نامه ساماندهی کودکان خیابانی، اختلاف نظرها بین دستگاه‌ها به حدی بوده که حتی نمایندگان آنها با هم در یک جلسه حضور پیدا نمی‌کردند. وی ادامه داد: بر اساس این آیین‌نامه که در سال ۱۳۸۴ تصویب شد برای ۱۲ دستگاه وظایفی در نظر گرفته شد اما به دلیل عدم وجود ضمانت اجرایی روشن، اثر بخشی لازم را نداشت. همچنین این آیین‌نامه به لحاظ حقوقی نیز ضعف‌های بسیاری داشت و تکالیف، وظایف و نقش دقیق و روشن دستگاه‌ها در آن مشخص نبود. اما به دنبال ایجاد دفتر حمایت از حقوق اطفال و نوجوانان در قوه قضاییه که وظیفه هماهنگی اقدامات دستگاه‌های مختلف، نظارت بر حسن اجرای قانون و پیگیری تکالیف قانونی دستگاه‌ها را بر عهده دارد، دستگاه‌های مختلف با جدیت بیشتری به موضوع کودکان و نوجوانان از جمله کودکان و نوجوان کار و متکدی ورود کرده‌اند. ذوالریاستین افزود: از سال ۹۵ با تصویب طرح کار ملی به دستور مقام معظم رهبری در وزارت کشور، برای هر آسیب و جرمی یک دستگاه مسئول در نظر گرفته شد. در حوزه کودکان نیز به طور عموم وزارت کار، رفاه و تعاون اجتماعی

محور قرار داده شد. همچنین یک کارگروه در سازمان بهزیستی شکل گرفت که بر موضوع کودکان کار و خیابان تمرکز دارد و از این پس با توجه به بستر حقوقی و قانونی که شکل گرفته بهتر می‌توان به این بحران اجتماعی پرداخت. سرپرست اداره حمایت از اطفال و نوجوانان در بخش دیگری از این گفت‌وگو به ملیت بسیاری از کودکان کار اشاره کرد و گفت: یک موضوع مهمی که در بحث کودکان کار از آن غفلت می‌شود این است که به شهادت سازمان‌های مردم‌نهاد و شهرداری که در خط مقدم مواجهه با کودکان و نوجوانان کار و خیابان هستند، بخش عمده‌ای از این کودکان از اتباع بیگانه‌اند. درصد بسیار بزرگی از این کودکان اصلیت افغانستانی و پاکستانی دارند. بنابراین نمی‌توان فقط با مداخلات ملی و بدون در نظر گرفتن ملاحظات بین‌المللی، ورود جدی و نتیجه‌بخش به این پدیده داشت. وی همچنین با تاکید بر مسئولیت‌های اجتماعی شهروندان، هر یک از افراد جامعه را موظف به کمک برای حل این بحران اجتماعی دانست. ذوالریاستین در پاسخ به پرسش دیگری درباره ارتباط کودکان کار با باندهای تبهکار ابراز عقیده کرد: من می‌خواهم این گزاره را که «بسیاری از این کودکان متعلق به باندهای تبهکار و خلافکارند» زیر سؤال ببرم زیرا بر اساس شهادت افرادی که به طور مستقیم با این کودکان کار می‌کنند و همچنین اظهارات نماینده شهرداری تهران در مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک، بسیاری از این کودکان ارتباطی با

باندهای تبهکار و خلافکار ندارد. وی همچنین فیلم‌ها و سریال‌های تولیدشده در سال‌های اخیر را یکی از عواملی ترویج‌دهنده این تفکر دانست و وابستگی کودکان کار به باندهای تبهکار را نوعی ساده‌انگاری و جفا در حق این کودکان دانست. سرپرست اداره حمایت از اطفال و نوجوانان با بیان اینکه بحران اجتماعی کودکان کار یک پدیده چندوجهی و پیچیده است، گفت: اکنون ما به عنوان دفتر حمایت از اطفال و نوجوانان قوه قضاییه بر آنیم که با بهره‌گیری از تجربیات موفق ملی و بین‌المللی و بکارگیری یک الگوی استاندارد و علمی مواجهه صحیح با کودکان کار و خیابان، در بستر ظرفیت‌های مرتبط قانون حمایت از اطفال و نوجوانان و با همکاری و مشارکت دستگاه‌های ذینفع از جمله وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، مداخلات مؤثرتر و جامع‌تری در حمایت از کودکان کار و خیابان به عمل آوریم. در بخش دیگری از این گفت‌وگو، حجت‌الله نوروزی - کارشناس دفتر حمایت از اطفال و نوجوانان با اشاره به رویکرد شبکه‌ای قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ادامه داد: این قانون با ساختار خوب خود به یک حلقه مفقوده یعنی وضعیت مخاطره‌آمیز کودکان و نوجوانان بدرستی اشاره کرده است. این بدان معناست که قوه قضاییه بزه را دیگر نه به عنوان یک واقعه بلکه به عنوان یک فرایند نگاه می‌کند. در این فرایند علاوه بر مقابله که حلقه آخر این فرایند است بر پیشگیری، توانمندسازی و همچنین پیگیری نتیجه توانمندسازی تاکید شده است.

هشدار یک پزشک؛

«اومیکرون» هم می‌کشد و هم عوارضش باقی می‌ماند

مظاهر گودرزی

نشان می‌دهد عملکرد واکسن‌ها در مرور زمان افت می‌کند لذا به‌نظر می‌رسد بخشی از دلایل افزایش آمار مرگ‌ومیر در اروپا و آمریکا در مواجهه با اومیکرون این است که آنها واکسیناسیون را زود انجام دادند، به‌همین دلیل تعداد مبتلایان آن‌ها به سویه دلتا کمتر از ایران شد، لذا به‌طور طبیعی در برابر ویروس ایمن نشدند، حالا هم تأثیر خود واکسن کم شده لذا با افزایش موارد ابتلا و مرگ روبه‌رو شدند. نکته دوم این است که در آن کشورها گروه‌های ضد واکسن وجود دارند که هنوز واکسن نزده‌اند. این‌ها جزو دلایلی است که ما شاهدیم اومیکرون در ایران مانند اروپا و آمریکا فعلاً منجر به افزایش بستری و مرگ‌ومیر نشده است. بنابراین انجام واکسیناسیون با تأخیر در ایران و ابتدای درصد بالایی از جمعیت به کرونا در پیک پنجم سبب شد عملکرد اومیکرون در ایران فعلاً مانند اروپا نشود.

■ آیا این وضعیت پایدار است یا مرگ‌ومیرها افزایش پیدا می‌کند؟

مانمی‌خواهیم هر اس‌افکنی کنیم اما نباید ساده‌انگاری هم داشته باشیم، این که گفته شود بالاخره همه اومیکرون می‌گیرند و بی‌خیال شویم خیلی خطرناک است، چرا که سبب می‌شود با حجم عظیمی از مبتلایان مواجه شویم که با همان درصد و نسبت می‌تواند آمار مرگ‌ومیرها را افزایش دهد.

■ تعداد این مرگ‌ومیرها می‌تواند شبیه پیک پنجم شود؟

ما از حیث مرگ‌ومیر با چیزی که در پیک پنجم با سویه دلتا مواجه شدیم روبه‌رو نخواهیم شد، با این وجود باید گفت یک اشتباهی که در مدیریت کووید در ایران انجام شد، این بود که درست تعریف نشد ما از چه چیز کرونا می‌ترسیم؛ اگر ما صرفاً از مرگ‌ومیر کرونا می‌ترسیم از یک جایی به بعد اثبات شد آمار مرگ‌ومیر این ویروس بین ۱.۵ تا ۳ درصد متغیر است، و این اصلاً قابل مقایسه با ویروسی مانند مرس نیست. بنابراین آن چه اهمیت دارد قدرت انتقال ویروس است که در سویه اومیکرون هم بیشتر شده است. اما ترجمه ما از کرونا این بود

ویروس کرونا دست بردار نیست، هر بار که جهش می‌کند زمینه شروع پیک دیگری فراهم می‌شود؛ ایران هم جزو کشورهایی است که پیک‌های متعدد شیوع این ویروس را تجربه کرده، اما هنوز چند ماهی از فروکش کردن پیک پنجم نمی‌گذرد که حالا زمزمه‌های اوج‌گیری ششمین حمله شنیده می‌شود، اما این بار خبری از سویه آلفا و دلتا نیست، بلکه جهشی موسوم به «اومیکرون» زمینه‌ساز پیک جدید شده است. ویروسی که در بررسی‌های اولیه نشان داد سرایت‌پذیری بیشتری از نوع دلتا دارد اما کشندگی آن کمتر است، شاید همین ویژگی سبب‌ساز نوعی سهل‌انگاری شده است، طوری که برخی عوارض آن را فقط با یک سرماخوردگی ساده مقایسه می‌کنند، این در حالی است که هادی یزدانی، پزشک در گفت‌وگویی با خبر آنلاین معتقد است اومیکرون نه تنها با یک سرماخوردگی تفاوت دارد بلکه عوارض بلندمدت آن می‌تواند مانند سایر سویه‌های کرونا مشکلات زیادی را برای بیماران از جمله مشکلات تنفسی، ریزش مو و حتی در مواردی بروز سکت قلبی و مغزی ایجاد کند.

متن کامل این گفت‌وگو در ادامه آمده است.

■ آقای دکتر ویژگی بارز سویه جدید کرونا موسوم به اومیکرون چیست؟

سرایت‌پذیری این ویروس نسبت به سایر سویه‌ها بیشتر است، اما نسبت موارد ابتلا به بستری و مرگ‌ومیر در اومیکرون، در مقایسه با سویه‌های قبلی کم است، بنابراین چیزی که امروز درباره این ویروس گفته می‌شود این است که افزایش موارد ابتلا با اومیکرون سبب افزایش موارد مرگ‌ومیر نمی‌شود.

■ آمارهای اخیر در ایران هم نشان می‌دهد علیرغم افزایش موارد ابتلا مرگ‌ومیرها زیر ۵۰ نفر است، درست برعکس کشورهای اروپایی و آمریکا، دلیل این تفاوت چیست؟

در این خصوص چند نکته وجود دارد، یکی این که آن‌ها واکسیناسیون خودشان را از ما سریع‌تر انجام دادند، مطالعات

سرماخوردگی ساده برای انسان‌ها باقی نمی‌ماند اما در مواجهه با ویروس کرونا که سبب‌ساز این پاندمی شده است می‌دانیم با عوارض زیادی در آینده مواجه خواهیم شد، می‌دانیم یکسری از بیماران ممکن است ماه‌های بعد از ابتلا به کرونا آمبولی کنند و با سکنه‌های قلبی و مغزی بمی‌رند و هیچ وقت جزو آمار کووید محسوب نشوند در حالی که این‌ها جزو عوارض کووید است. بنابراین باید گفت همه در اثر ابتلا به کرونا فوت نمی‌کنند اما چند ماه بعد بخش از سلامتی افراد به خطر می‌افتد، و این مسئله در خصوص اومیکرون با توجه به سرایت پذیری بالایی که دارد نگران کننده است.

■ آیا پیک ششم شروع شده است، شما خودتان با افزایش موارد ابتلا در مراکز درمانی مواجه شده‌اید؟
امروز مواجهه ما با بیماران سرپایی افزایش کاملاً محسوسی دارد، تازه دو هفته بعد است که نشانه‌های این بیماران سرپایی در موارد بستری و البته مرگ و میر خودش را نشان می‌دهد. ضمن این که ردیابی بیماری به ما نشان می‌دهد سرعت انتقال ویروس در مواجهه احتمالی به شدت بالا و حدود ۴۸ تا ۷۲ ساعت قبل است.

■ در چنین شرایطی بازگشایی مدارس تصمیم درستی است؟
طبیعتاً نظر من به عنوان یک پزشک که دغدغه‌ام درمان است با کسی که مسئولیت دارد و سایر موارد را در نظر می‌گیرد متفاوت است، این را نباید فراموش کنیم که دانش‌آموزان در آموزش آنلاین با آسیب جدی مواجه شدند، بیماران زیادی با اختلالات خلقی و اضطرابی به ما مراجعه می‌کنند به ویژه زنان که بیشتر بار تحصیل دانش‌آموزان به دوش آن‌ها است. از طرفی می‌دانیم یکی از مراکزی که به سرعت بیماری در آن منتقل می‌شود مدارس و در میان دانش‌آموزانی است که سن و سال کمی دارند و نمی‌توانند موارد بهداشتی را رعایت کنند، لذا برای تصمیم گرفتن در این باره باید یک دید کلی داشت. با همه این احوال باید گفت برخی از کشورها برای حل این مسئله واکسیناسیون رده‌های سنی پایین را با واکسن‌های معتبر انجام دادند، یکی از کارهایی که می‌شد کرد واکسیناسیون افراد زیر ۱۸ سال با واکسن‌های معتبرتر بود، اگر واکسن کارآمدتر باشد هم میزان ابتلا و هم شدت ابتلا را کم می‌کند، از طرفی هم باید از قبل آموزش دقیقی به اولیای دانش‌آموزان داده می‌شد. بنابراین اگر آموزش آنلاین موثرتر بود، آموزش بهتری به اولیا و دانش‌آموزان داده می‌شد و برای واکسیناسیون دانش‌آموزان از واکسن‌های معتبر استفاده می‌کردند امروز دیگر نگران این مسئله نبودیم.

که ما باید از مرگ و میر کرونا بترسیم، در حالی که اگر کرونا مرگ و میر بالایی مانند مرس داشت شاید به سرعت این بیماری تمام می‌شد چرا که بلافاصله ناقل‌ها و میزبان‌های خودش را می‌کشت و تعداد افرادی که می‌توانستند این بیماری را منتقل کنند کم می‌شد چرا که فوت می‌کردند.

■ پس دلیل اصلی نگرانی شما از شروع پیک ششم چیست؟
در کنار افزایش موارد ابتلا من نگران اثراتی هستم که بعد از بهبودی در افراد باقی می‌ماند، الان به استناد مقاله‌های معتبر افرادی می‌توانند بعد از بهبودی بخش از کارکرد ریه‌شان را از دست بدهند.

■ کمی بیشتر توضیح می‌دهید؛ این عوارض احتمالی چیست؟
ببینید ما در مواجهه با ویروس کرونا با پدیده‌ای روبه‌رو شدیم به نام (LONG COVID) عوارض طولانی مدت کووید، این عوارض چند ماه بعد از ابتلا به کرونا در افراد شروع می‌شود. مشاهدات علمی نشان داد بیماران که مبتلا به کووید شدند چند ماه بعد از بهبودی عوارضی برای‌شان باقی می‌ماند، خیلی از بیماران با اختلال بویایی به ما مراجعه کردند یعنی مدت‌ها حس بویایی آن‌ها برنگشته بود یا اگر برگشته بود وضعیت خاصی داشت، مثلاً دائماً بوی بد احساس می‌کردند یا بوها را به صورت اقرار شده احساس می‌کردند. از این قبیل از عوارض زیاد بود، مثل افت عملکرد دستگاه تنفسی، وجود سرفه‌های ممتد، ریزش موهای شدید به طوری که فرد دچار حراس و نگرانی می‌شود. حتی با علائمی مانند افت عملکرد ذهنی مواجه شدیم، من بیماری داشتم که حسابدار بود و سروکارش با اعداد و ارقام بود، اما به من گفت بعد از ابتلا به کرونا توانایی ذهنی‌اش برای محاسبه کم شده است. شکایت از اختلالات خلقی، افسردگی و عدم تمرکز از دیگر عوارضی بود که با آن مواجه شدم.

■ یعنی الان یکی از نگرانی‌های شما در مواجهه با اومیکرون این است که این جهش سبب می‌شود با تعداد زیادی از افراد بهبود یافته از کرونا روبه‌رو شویم که عوارض جدی از بیماری آن‌ها را در آینده تهدید می‌کند؟

بله، اجازه بدید اینطور تعبیر کنم، ما الان وسط بحران هستیم، درست مانند یک زلزله، الان فعلاً داریم کسانی که زیر آوار مانده‌اند را نجات می‌دهیم، اما بعد از مدتی تازه متوجه می‌شویم چه میزان از ویرانی و خرابی باقی مانده است. بنابراین اشاره من به عوارضی است که از این حجم از موارد ابتلا برای بیماران باقی می‌ماند، کسی که فکر می‌کند اومیکرون یک سرماخوردگی ساده است باید به او گفت عوارض زیادی با یک

two countries, and important agreements in the fields of trade, politics and culture will be signed by both parties during the Iranian President's trip.

Given the importance of President Raeisi's visit to Moscow and meeting with Russian President Putin, many international media outlets reflected the news.

Widespread media coverage of Raeisi's visit to Moscow

Financial Times in its Wednesday article pointed to Raeisi's visit to Moscow, saying, "Iran's president Ebrahim Raeisi is to meet Russia's Vladimir Putin on Wednesday as the Islamic republic seeks to expand relations with Moscow and Beijing to better withstand political and economic pressure from the US."

"Trade with Russia has also risen in recent months. The value of the two countries' total trade stood at \$1.6bn over nine months ending in late December, up 41 percent over the corresponding period of the previous year, Iran's official figures show. Raeisi said on Wednesday he hoped it would rise further," it also noted.

In a report on the visit of the Iranian President to Moscow, AFP called it the most important official visit of Raeisi since he took office. "The meeting will be Raeisi's most important official visit abroad since he took office in August, and the first visit by an Iranian president to Russia since 2017."

"Moscow and Tehran have strong political, economic and military ties, shared interests in Afghanistan, and are key allies of Syrian President Bashar Assad," it added.

Al-Jazeera also covered the news of the Iranian President's visit, saying, "The two countries have been working to sign a new and improved long-term bilateral cooperation agreement, but it is not expected to be finalised during Raeisi's visit."

"The visit comes as talks are ongoing in

Vienna to restore the 2015 nuclear deal with world powers, including the US. Russia has repeatedly said it supports the restoration of the landmark accord and the full lifting of US sanctions that are inconsistent with the deal," Al-Jazeera added.

Widespread media coverage of Raeisi's visit to Moscow

Zionist media, including the Haaretz and the Times of Israel, also reported the Iranian President's visit to Russia, describing it as his most important foreign trip since taking office.

"This will be Raeisi's third visit outside Iran — after Tajikistan and neighboring Turkmenistan — since he took over the presidency in August from Hassan Rouhani," Times of Israel wrote.

Middle East Eye described Raeisi's visit to Moscow and his consultations with his Russian counterpart as important for Iran's future. "Tehran is seeking economic and security ties and a way of circumventing US sanctions."

"Meeting with Raisi in Moscow will be an important occasion for Putin, too. The Russian leader needs serious behind-closed-doors talks with the Iranian president on Iran's future nuclear steps, foreign and economic policy directions after possible sanctions relief, and what economic opportunities Iran is ready to offer Russia and vice versa," Middle East Eye added.

S&P Global in this regard wrote, "On Jan. 19, Iranian President Ebrahim Raisi will meet his Russian counterpart Vladimir Putin during his two-day visit to Moscow, where he will be accompanied by the foreign, oil and economy ministers."

"S&P Global Platts Analytics expects the sides to reach an interim deal to freeze Iran's nuclear development and offer some US sanctions waivers, increasing Iranian oil supply by an estimated 700,000 b/d from April to December," it added.

Widespread media coverage of Raeisi's visit to Moscow

By: Zahra Mirzafarjuyan



The visit of Iranian President Ebrahim Raeisi to Moscow at the invitation of Russian President Vladimir Putin has been reflected in international media outlets and received widespread media coverage.

Iran and Russia have experienced ups and downs in their relations in the last two centuries. The victory of the Islamic Revolution in 1978 and two decades later, the dissolution of the Soviet Union completely changed the nature of this relationship.

Russia, as the northern neighbor of the Islamic Republic of Iran, has a good ground for developing trade relations with Iran, which has not been operational for various reasons. Iranian President Ebrahim Raeisi's visit to Russia is an opportunity to expand and deepen relations between the two coun-

tries in various fields, especially in the field of economy.

Heading a high-ranking political and economic delegation, Iranian President Ebrahim Raeisi left for Moscow on Wednesday at the official invitation of Russian President Vladimir Putin to deepen economic, political and cultural interactions.

During his 2-day visit, he is set to meet and hold talks with Putin on bilateral relations between Iran and Russia and the JCPOA.

Raeisi is also scheduled to attend and address the plenary session of the Duma, hold a meeting with Iranians residing in Russia and participate in a symposium with Russian economic actors.

According to experts, his visit will be a turning point in the relations between the

It noted that much of Beijing and Tehran's cooperation focuses on economic and diplomatic ties, saying Chinese investment will provide economic stimulus and revenue for Iran and increasingly mitigate the effectiveness of US sanctions against Iran.

Agreement undermines US efforts to use economic warfare to put "maximum pressure" on Iran

The Washington-based think tank "The Center for Strategic and International Studies" in its article published on March 29, 2021, pointed to the 25-year comprehensive strategic partnership agreement, saying, "China may well have made a major new strategic gain in the Persian Gulf, and one that gives it great influence in the MENA region as well as major new leverage in competing with the United States."

"Even if the agreement has no immediate military impact, it represents a major shift in strategic attitudes and lays the groundwork for such cooperation in the future," it added. "Even a purely economic agreement gives China a major new role in the entire Persian Gulf. It sharply undermines US efforts to use economic warfare to put "maximum pressure" on Iran, and it in-

stead turns such US efforts into ways that allow China to gain a steadily greater economic and strategic presence in Iran."

World media coverage of Iran-China strategic partnership

Revitalized Iran will raise blood pressure in Washington, beyond

Stating that the strategic partnership between China and Iran has serious ramifications for the United States' strategy of working with OPEC, China containment, and the West's utilization of sanctions to pressure noncooperative nations, the American business magazine "Forbes" in an article published on April 5, 2021, wrote, "The agreement has seen President Joe Biden propose a democratic counterpart, calling for the west to rival Chinese spending in Central Asia, Africa, and developing nations."

"A revitalized Iran will raise the blood pressure in Washington and beyond. With the geopolitical backing of China and a lifeline for its economy, we can expect to see a more emboldened Islamic Republic – one with newfound leverage in negotiations. If President Biden thinks he can renegotiate Obama's deal, that task just became significantly more diffi-

cult," Forbes noted.

Closer alliance between two US rivals inspired alarm in US

Following the sign of the 25-year partnership deal between China and Iran, Washington Post in its April article wrote that since news of the agreement surfaced in 2016, the prospect of a closer alliance between two US rivals has inspired alarm in the United States. In March, US President Biden told a reporter he had been "concerned for over a year" about the partnership.

Sino-Iranian agreement timely reminder for US

Financial Times also pointed the 25-year strategic partnership signed by China and Iran on April 3, 2021, saying that the Sino-Iranian agreement is a timely reminder for America that the end of its longest wars will not — and should not — mean the end of its involvement in the region.

US-based Al-Monitor described the 25-year partnership deal between China and Iran as an opportunity that gives China a stronger presence in one of the most populous countries in the Middle East and gives Iran a lifeline as it continues to battle the US economic sanctions

World media coverage of Iran-China strategic partnership

The 25-year comprehensive strategic partnership agreement which was signed by Iran and China in March 2021 has been reflected in international media outlets and received widespread media coverage.

Since the United States began to reimpose sanctions aimed at damaging the Iranian economy, Leader of the Islamic Revolution Ayatollah Seyyed Ali Khamenei has stressed the need to press ahead with efforts to neutralize the sanctions imposed on the country.

Iran has tried to boost its economic power by expanding its ties with Asian countries and striving to become self-sufficient in key domains.

Under that strategy, Iran and China signed a landmark 25-year comprehensive strategic partnership agreement in March 2021 in defiance of the US unilateral sanctions to strengthen the long-standing economic and political alliance.

The deal officially documents the Sino-Iranian Comprehensive Strategic Partnership that had been announced during a visit by Chinese President Xi Jinping to Tehran in 2016

to boost economic cooperation between the two countries. It sets the outlines of the two countries' cooperation in political, cultural, security, defense, regional, and international domains for the next 25 years. The deal also paves the way for Iran's participation in the Belt and Road Initiative, a massive infrastructure project stretching from East Asia to Europe.

World media coverage of Iran-China strategic partnership

Iranian Foreign Minister Hossein Amir-Abdollahian who traveled to China on Thursday as head of a high-ranking political and economic delegation at the invitation of his Chinese counterpart, Wang Yi said that a 25-year comprehensive strategic partnership agreement signed with China will be "win-win" for both nations since it serves the interests of both sides.

"In this agreement, we have included anything that is in line with the interests of the two nations. Tehran and Beijing will benefit from the deal, which will today enter its implementation phase," he told China Global Television Network (CGTN) on Saturday.

Meanwhile, China has reaffirmed its opposition to unilateral sanctions imposed by the US on Iran as the Chinese and Iranian foreign ministers announced the launch of a 25-year cooperation agreement aimed at strengthening economic and political ties.

To know more about the importance of the agreement between Iran and China, here are some comments published in world media about the impact of the deal since the agreement has been signed by the two sides on March 27, 2021.

Sino-Iranian relations undermine US, undercutting effectiveness of US sanctions

In an article published on Thursday, the leading US magazine "Foreign Policy" argued that growing Sino-Iranian relations undermine the United States and secure China's access to Iranian oil and other important commodities.

"For its part, Iran will get billions of dollars in Chinese energy and infrastructure investment, undercutting the effectiveness of US sanctions" against the Islamic Republic, the article said.

Syria 'scene of convergence of coop. between Iran, Russia'

By: Morteza Ahmadi

Syria is one of the biggest fields where the apex of cooperation and convergence between Islamic Republic of Iran and Russia could be seen in years in spite of the foreign propaganda." The year 2011 was the beginning of the crisis in Syria. Western countries, led by the United States, with supporting terrorism and terrorist activities in Syria, imagined that they could overthrow the legitimate government in Syria in a very short period of time. Even, some Western officials also announced that the Damascus government will be overthrown within days or weeks.

However, the arrival of Syria's allies into the battlefield changed the equation in favor of the Syrian government. As the main ally of Syria, Islamic Republic of Iran played a key and leading role in this country from the very beginning of the crisis. In fact, it was the discourse of Islamic Resistance that led Iran to enter Syria. Lebanon's Hezbollah Resistance Movement also fought against Takfiri terrorism on Syrian soil in the extension of this Islamic Resistance discourse.

In the meantime, Russia is considered as one of the parties that entered Syria alongside its allies. Russia's entry into Syria was due to the common interests between "Moscow" and "Damascus". In other words, it was these common interests that paved the way for Russia to enter Syria. Its is noteworthy that

the involvement of Russia in Syria took place at the official request of the Damascus government under President Bashar al-Assad.

Therefore, contrary to what the United States, Western countries and a number of Arab countries claim, Russia's presence in Syria is completely legal and in accordance with international law. Since the Russians entered the country at the official request of the Syrian government, their presence there is legitimate under international law.

Therefore, contrary to what the United States, Western countries and a number of Arab countries claim, Russia's presence in Syria is completely legal and in accordance with international law. Since Russians entered the country at the official request of Syrian government, their presence there is legal and legitimate under the international law. With the entry of Russia into Syria, the triangle of power in this country was completed. The cooperation of Syrian Resistance forces, Islamic Republic of Iran and Russia in the fight against terrorism led this powerful triangle to gain numerous field achievements against the American-Zionist axis. In fact, the strength of the triangle strongly challenged US-sponsored terrorists and other Western nations.

In the meantime, the outstanding role of the Lebanese Hezbollah Resistance Movement as another pillar of power in

the fight against terrorism in Syria cannot be ignored. Lebanon's Hezbollah also participated alongside Syrian Resistance forces in the fight against Takfiri terrorists and now, it has played an important and undeniable role in achieving victories on the battlefield.

Syria 'scene of convergence of coop. between Iran, Russia'

According to what has been said, apart from unsparing supports of Syria's main allies i.e. Islamic Republic of Iran and Hezbollah, Russia's presence in Syria has also been influential over recent years.

The influential link between Islamic Republic of Iran and Russia in Syria has led to the activation of think tanks in the United States, Western countries and also in Israel. In these Think-Tank, the strategy of creating a rift between Tehran and Moscow was designed and the responsibility for its implementation was delegated to the Zionists.

The Zionists employed all their media and propaganda activities to carry out the mission entrusted to them by American-Western Think Tanks. In the first place, Israeli officials induced and suggested that Russia has reached an agreement with the United States over expelling Iran from Syria. The Zionists raised the allegation that Russia is pressurizing Iran to leave Syrian soil and territory and in return, it (Russia) is receiving concessions from the United States under previous agreements.

شهروندان و مسافران گرامی:

برای دریافت آخرین اخبار و آگهی های مزایده، مناقصه و فراخوان در شرکت بهره برداری متروی تهران و حومه به سایت این شرکت به نشانی زیر مراجعه نمایید.



metro.tehran.ir

سامانه پیام کوتاه	۳۰۰۰۴۲۷۷	راه های ارتباطی
تلفن ارتباط مردمی	۰۲۱-۶۶۷۱۲۲۱۶	شهروندان و مسافران
سامانه تلفن گویا	۰۲۱-۸۸۷۴۰۱۶۳-۶	با شرکت بهره برداری
رایانامه	info.metro@tehran.ir	متروی تهران و حومه



شرکت بهره برداری متروی تهران و حومه
مدیریت ارتباطات و امور بین الملل

مجله الکترونیک
حرکت

نشریه الکترونیکی حرکت را از لینک "تازه ها در مترو"
به آدرس metro.tehran.ir دنبال کنید.

اینستاگرام

[harekat_magazine](https://www.instagram.com/harekat_magazine)

